

## عنوان پروژه:

بررسی فرار سرمایه و نقدینگی از استان کرمان

صاحب امتیاز:

اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی استان کرمان

پژوهشگر:

داود محمودی نیا

پاییز ۱۴۰۰

## خلاصه مدیریتی

بر اساس الگوهای رشد اقتصادی، یکی از مهمترین عوامل تاثیرگذار بر تولید و رشد، سرمایه‌گذاری و انباشت سرمایه عنوان گردیده است و از این رو کمبود منابع سرمایه‌گذاری و عدم تخصیص بهینه آن می‌تواند منجر به کاهش رشد اقتصادی و عدم توسعه یافتگی کشور یا استان شود. از این رو امروزه فرار سرمایه چه به صورت قانونی و چه غیر قانونی به عنوان یکی از چالش‌های مهم پیش روی کشورهای در حال توسعه شناخته می‌شود که می‌تواند نقش مهمی در کاهش سرمایه‌گذاری داشته باشد و در نتیجه بی‌ثباتی اقتصادی و بحران‌های سیاستی و اقتصادی را به دنبال دارد.

مطالعات مختلف نشان می‌دهد که فرار سرمایه و در نتیجه کاهش سرمایه‌گذاری در طی سال‌ها و دهه‌های اخیر اثرات زیان باری را بر اقتصاد کشورهای جهان تحمیل کرده است به طوری این پیامد با بحران‌های مالی و اقتصاد و افزایش سطح بدهی داخلی و خارجی و کاهش ارزش پول این دسته از کشورها همراه بوده است. از طرف دیگر ادبیات مربوط به فرار سرمایه نشان می‌دهد که متغیرهای متفاوتی بر فرار سرمایه اثر گذار هستند که این متغیرها شامل، محیط نامطلوب کسب و کار، افزایش سطح تورم، کاهش در رشد اقتصادی، افزایش سطح بدهی داخلی و خارجی، فساد اداری، حاکمیت نامطلوب سیاسی، نوسانات نرخ ارز، کسری بودجه دولت، نوسان نرخ بهره و غیره عنوان می‌شود.

از طرف دیگر در استان کرمان به عنوان یک از قطب‌های صنعتی و معدنی کشور، در طی سال‌های اخیر شاهد خروج سرمایه و نقدینگی بوده‌ایم. استان کرمان در وضعیتی قرار دارد که می‌تواند از ظرفیت‌های طبیعی و معدنی و فرصت‌های سرمایه‌گذاری استفاده کند، اما آمار و ارقام نشان می‌دهد که فضای نامطلوب کسب و کار، سخت بودن امکان استفاده از تسهیلات بانکی، صدور اخذ مجوز دست و پا گیر و نااطمینانی دستگاه‌های دولتی تا حدودی موجب عدم تمایل سرمایه‌گذاران برای ورود به سرمایه‌گذاری در استان شده است. بررسی متغیرهای اقتصادی و کسب و کار استان کرمان نشان می‌دهد که این استان در برخی از مولفه‌ها و شاخص‌ها اقتصادی، فضای نامطلوبی و نامنی را برای سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی ایجاد کرده است که خود می‌تواند فرار سرمایه از استان را در پی داشته باشد.

برخی از شاخص‌ها و مولفه‌هایی که استان کرمان را در مقایسه با سایر استان‌های منطقه و کل کشور در وضعیت نامناسبی قرار داده و می‌تواند زمینه را برای فرار سرمایه و خروج سرمایه‌گذاری فراهم نماید شامل وضعیت نامناسب متغیرهای پایش محیط کسب و کار، تورم، بیکاری، ضریب جینی، هزینه -درآمد خانوار، نسبت تسهیلات به سپرده می‌باشد. از طرف دیگر در برخی از شاخص‌های استان کرمان نسبت به سایر استان‌ها و به خصوص استان‌های منطقه در وضعیت مطلوب‌تر و ایده‌آل‌تری قرار دارد که می‌تواند پتانسیل برای جذب سرمایه را افزایش دهد که

این شاخص‌ها شامل شاخص امنیت سرمایه‌گذاری، تولید ناخالص داخلی، صادرات استان، ارزش افزوده بخش‌های صنعت و معدن و حجم سرمایه‌گذاری در بازار بورس می‌باشد. پس از بررسی وضعیت استان بر اساس شاخص‌های مختلف و نگاه کلی که به اقتصاد و عوامل موثر بر فرار سرمایه داشتیم، سعی شده است تا حجم فرار سرمایه از استان محاسبه گردد. از آنجایی که در مطالعات استانی و بر اساس یافته‌ها و تحقیقات نویسنده‌ی این پروژه، هیچ مطالعه‌ای تا به این جا در ارتباط با برآورد حجم فرار سرمایه در استان‌ها صورت نگرفته است از این رو در این پروژه سعی می‌شود تا با روش‌ها و تعاریف متفاوت، حجم فرار سرمایه در استان در ابعاد گوناگون مورد بررسی قرار گیرد.

مهمترین شاخص فرار سرمایه بر اساس نسبت مصارف به منابع استان یا همان نسبت تسهیلات به سپرده می‌باشد و اختلاف بین این دو متغیر نشان دهنده فرار سرمایه است. این آمار نشان می‌دهد که حجم فرار سرمایه در سال‌های ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ به ترتیب ۱۳ و ۳۰ هزار میلیارد تومان برآورد شده است و از سال ۱۳۹۵ تا اردیبهشت ۱۴۰۰ ما شاهد روند صعودی این متغیر بوده‌ایم. همچنین بر اساس تعریف دیگر، فرار سرمایه خانوار نیز از طریق محاسبه درآمد و هزینه کل خانوارهای شهری و روستایی استان محاسبه شده است که بر اساس آن، میزان کل فرار سرمایه خانوار در سال ۱۳۹۵ برابر ۳۸۰۰ میلیارد تومان و این آمار برای سال ۱۳۹۸ حدود ۶۲۰۰ میلیارد تومان محاسبه گردید. از طرف دیگر اختلاف بین پس‌انداز و سرمایه‌گذاری کل خانوار در استان هم نشان می‌دهد که فرار سرمایه در سال ۱۳۹۸ در استان برابر ۳۳۰۰ میلیارد تومان و این آمار برای سال ۱۳۹۷ برابر ۱۸۰۰ میلیارد تومان است. از طرف دیگر فرار سرمایه بودجه‌ای استان نیز بیانگر آن است که تفاوت دریافتی و پرداختی بودجه‌ای استان در سال ۱۳۹۵ برابر ۱۸۰۰ میلیارد تومان و در سال ۱۳۹۸ تقریباً ۴ هزار میلیارد تومان است. در پایان این پژوهش در چارچوب مدل اقتصاد سنجی، به برآورد اثرات متغیرهای تورم، اشتغال و محیط کسب و کار بر شاخص فرار سرمایه در استان کرمان پرداخته شده که نتایج حاصل از مدل نشان می‌دهد که متغیرهای تورم و محیط نامطلوب کسب و کار اثر مثبت و معناداری بر فرار سرمایه در استان داشته‌اند، اما افزایش سطح اشتغال رابطه منفی با فرار سرمایه از استان داشت.

## فهرست

۱. مقدمه	۶
۲. ادبیات موضوع در ارتباط با فرار سرمایه	۷
۳. تعریف فرار سرمایه و نحوه محاسبه آن	۱۲
۴. عوامل تعیین کننده فرار سرمایه	۱۵
۵. فرار سرمایه در اقتصاد ایران	۲۱
۶. استان کرمان	۲۴
۷. شاخص های کلیدی عوامل تعیین کننده فرار سرمایه در استان کرمان	۲۵
۷.۱ شاخص های کسب و کار و سرمایه گذاری	۲۶
۷.۱.۱ بررسی شاخص پایش ملی محیط کسب و کار	۲۶
۷.۱.۲ شاخص امنیت سرمایه گذاری	۲۹
۷.۱.۳ شاخص مجوز سرمایه و جاذبه سرمایه گذاری	۳۲
۷.۲ شاخص های کلان اقتصادی	۳۴
۷.۲.۱ بررسی تورم و شاخص قیمتی مصرف کننده	۳۴
۷.۲.۲ بررسی حساب های منطقه ای و استانی (به قیمت جاری)	۳۷
۷.۲.۳ درآمدهای مالیاتی	۴۱
۷.۲.۴ صادرات و واردات استان	۴۳
۷.۲.۵ نرخ بیکاری	۴۷
۷.۳ شاخص های نابرابری و هزینه های خانوار	۵۱
۷.۳.۱ ضریب جینی	۵۱
۷.۳.۲ هزینه و درآمد خانوار	۵۳
۷.۴ سایر شاخص ها	۵۷
۷.۴.۱ بودجه عمومی استان	۵۷
۷.۴.۲ نسبت تسهیلات به سپرده شبکه بانکی	۶۳
۷.۴.۳ ارزش معاملات بورس	۶۸
۷.۴.۴ سود خالص ۸ شرکت بزرگ بورسی استان کرمان	۷۲

۷۵	۸. خلاصه ای از شاخص های اقتصاد کلان استان کرمان و عوامل موثر بر فرار سرمایه
۷۸	۹. بررسی برآورد حجم فرار سرمایه در استان کرمان
۷۸	۹.۱. برآورد فرار سرمایه از طریق بررسی سیستم سپرده و تسهیلات (مصارف به منابع) نظام بانکی
۸۲	۹.۲. برآورد فرار سرمایه قانونی از طریق حجم صادرات و واردات استان
۸۳	۹.۳. برآورد فرار سرمایه از طریق بررسی هزینه - درآمد خانوار
۸۶	۹.۴. برآورد حجم فرار سرمایه از طریق بودجه عمومی
۸۷	۱۰. بررسی اثر تورم، اشتغال و فضای کسب و کار بر فرار سرمایه در استان کرمان
۸۸	۱۱. جمع بندی

## ۱. مقدمه

یکی از عوامل مهم رشد و توسعه اقتصادی کشورها فراهم نمودن سرمایه کافی اعم از سرمایه‌های فیزیکی و انسانی است و از مهمترین اجزای تقاضای کل در اقتصاد کلان، سرمایه‌گذاری است که نوسانات آن موجب عدم ثبات کل اقتصاد می‌شود. تئوری‌های اقتصادی بیان می‌کنند که سرمایه‌گذاری به عنوان موتور محرک رشد اقتصادی شناخته شده و لازمه نیل به توسعه اقتصادی و اجتماعی، داشتن رشد اقتصادی مستمر، مناسب و مداوم است. کینز اقتصاددان بزرگ قرن ۲۰ام بیان می‌کند که برای افزایش سطح درآمد ملی یک جامعه باید ابتدا سطح تقاضای کل آن جامعه از جمله سرمایه‌گذاری و انباشت سرمایه را افزایش داد. اما ادبیات مربوط به سرمایه‌گذاری نشان می‌دهد که یکی از معضلات مهم در کشورهای در حال توسعه بحث فرار سرمایه از کشور است. در سطح کلان اقتصادی، فرار سرمایه می‌تواند به دلیل بی‌ثباتی اقتصادی و بحران‌های سیاسی و اقتصادی مرتبط باشد. فرار سرمایه در واقع به جابه‌جایی پول و دارایی‌های مالی از یک کشور به کشور دیگر اشاره دارد که می‌تواند به دلیل جلوگیری از خطرات ناشی از ریسک تورم، کاهش ارزش پول، بحران‌های سیاسی، نوسانات نرخ بهره و نرخ ارز، فضای نا امن کسب و کار و قوانین و مقررات دست و پا گیر رخ دهد. سرمایه در هر کجا احساس ناامنی کند به مکانی مطمئن‌تر باکسب بازدهی بیشتر منتقل می‌شود. از این رو بحث فرار سرمایه موضوعی صرفاً اقتصادی نیست، بلکه ابعاد سیاسی، اجتماعی، فرهنگی را نیز در بر دارد.

از طرف دیگر بحث خروج سرمایه در سطح خرد هم می‌تواند مصداق داشته باشد. در استان کرمان به عنوان یک از قطب‌های صنعتی و معدنی کشور، در طی سال‌های اخیر شاهد خروج سرمایه و نقدینگی بوده‌ایم به طوری که بر اساس گزارش سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان در طی سال‌های ۱۳۹۸ تا ۱۳۹۹ شاهد خروج سرمایه به میزان ۱۲/۵ هزار میلیارد تومان از استان بوده‌ایم، که می‌تواند ناشی از پایین بودن بازدهی سرمایه‌گذاری در استان، عدم تسهیلات مطلوب بانک‌ها به بنگاه‌ها و فعالان حوزه کسب و کار و عدم رقابت پذیری استان با استان‌های همجوار باشد. همچنین بر اساس آمار منتشر شده پایش ملی محیط کسب و کار ایران در تابستان ۱۳۹۹، استان‌های کردستان، کرمان و سیستان و بلوچستان، به ترتیب دارای بدترین وضعیت محیط کسب و کار را در بین استان‌های کشور به خود اختصاص داده اند. از طرف دیگر در سند چشم انداز توسعه استان اشاره به این موضوع شده است که یکی از اصلی‌ترین راهبردهای توسعه استان افزایش سطح رقابت‌پذیری و ایجاد فرصت‌های جدید سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی در بخش صنعت، معدن، کشاورزی و گردشگری بر پایه فن‌آوری‌های نوین در منطقه جنوب شرقی کشور است.

شواهد در استان کرمان گویای این امر است که در طی سال‌های اخیر، فرار سرمایه در این استان نیز به صورت چشمگیری افزایش یافته است. به عنوان نمونه درآمدهای بالای محصولات کشاورزی بخصوص پسته و درآمد حاصله از معادن استان از یک طرف و عدم توسعه یافتگی استان متناسب با درآمدها از طرف دیگر می‌تواند گواه بر این ادعا باشد. از طرف دیگر آمار و ارقام بانک مرکزی ایران مربوط به تسهیلات و سپرده بانکی در اسفند ماه سال ۱۳۹۹ در استان کرمان نشان می‌دهد که میزان جذب سپرده در بانک‌ها برابر ۸۶۵ هزار میلیارد ریال و میزان تسهیلات بانک‌ها برابر ۴۶۰ هزار میلیارد ریال در این دوره می‌باشد که نشان دهنده اختلاف فاحش بین سپرده‌ها و تسهیلات بانک است که خود می‌تواند به عنوان شاخصی برای فرار سرمایه در استان در نظر گرفته شود. از طرف دیگر عوامل مختلفی بر فرار سرمایه دخالت دارند که یکی از این عوامل بی‌ثباتی قیمت‌ها می‌باشد که آمار مربوط به تورم دوازده ماهه منتهی به مرداد ۱۳۹۹ نشان می‌دهد که نرخ تورم استان برابر ۲۷ درصد که جزء ۵ استان با بالاترین نرخ تورم و همچنین بالاتر از میانگین کل کشور که برابر ۲۵/۸ درصد بوده است می‌باشد. این عوامل به خودی خود پیامدهای نامطلوب اقتصادی بر استان برجای گذاشته است که می‌توان به آمار پایین نرخ اشتغال (پایین‌تر از میانگین کل کشور در سال ۱۳۹۹ برابر ۳۵ درصد) و آمار بالای بیکاری (بیش از ده درصد و بیشتر از میانگین کل کشور) در استان اشاره کرد. از این رو شناسایی عوامل موثر بر فرار سرمایه در استان و همچنین برآورد تقریبی میزان فرار نقدینگی می‌تواند اطلاعات مهمی را در اختیار بخش‌های مختلف اقتصاد استان در جهت بهبود سیاست‌گذاری و بکارگیری این سرمایه‌های مازاد، ارائه دهد. از این رو شناسایی عوامل موثر بر فرار سرمایه از استان و میزان سرمایه‌های خارج شده می‌تواند نقش مهمی در کاهش خروج سرمایه از استان و در نتیجه بالابردن سطح تولید ناخالص داخلی و ثبات اقتصادی و بهبود فضای کسب و کار داشته باشد.

## ۲. ادبیات موضوع در ارتباط با فرار سرمایه

بحث فرار سرمایه امروزه به عنوان یک از مشکلات پیش روی کشورهای در حال توسعه به شمار می‌رود و فرار سرمایه نشانگر توانایی‌های بالقوه از دست رفته در مسیر رشد و توسعه اقتصادی کشورها می‌باشد. فرار سرمایه به هر شکلی که رخ دهد به دلیل جریان‌های خارجی غیرقانونی و غیرنرمال در سرمایه، اثر منفی بر سرمایه‌گذاری خواهد داشت و از آنجایی که افزایش در سطح سرمایه‌گذاری و انباشت آن یکی مهمترین مولفه‌های اقتصاد کلان برای دستیابی به رشد و توسعه پایدار است، از این رو فرار سرمایه همراه با کاهش سطح سرمایه‌گذاری، منجر می‌شود که سیاست‌گذار اقتصادی در دستیابی به اهداف کوتاه‌مدت و بلندمدت خود با مشکلات عمده‌ای روبرو شود.

مطالعات متعددی نشان می‌دهد که در اوایل دهه ۱۹۸۰ بسیاری از کشورهای و دولت‌ها که در پرداخت بدهی‌های خارجی خود با مشکل مواجه بوده‌اند، همزمان فرار سرمایه را نیز تجربه کردند. از آن به بعد اندازه‌گیری میزان فرار

سرمایه به عنوان شاخص مهمی در ارتباط با توانایی یک کشور در بازپرداخت بدهی‌های مالی بین‌المللی، نقش مهمی ایفا کرد. زمانی که فرار سرمایه افزایش می‌یابد، جامعه بانکی بین‌المللی می‌تواند آن را هشدار برای عدم پرداخت وام بیشتر به یک کشور با بار بدهی بالا در نظر گرفت (اوکلی و اکاجوبی<sup>۱</sup>، ۲۰۰۹). از اواسط دهه ۱۹۹۰ سیستم‌های مالی بین‌المللی با شیوع چندین بحران مالی و اقتصادی روبرو شده‌اند. این بحران‌ها منجر به خروج زیاد سرمایه از چندین کشور در حال توسعه شد و منجر به توجهات بر روی پدیده فرار سرمایه در میان کشورها گردید. از سال ۱۹۹۴ تا ۱۹۹۵، مکزیک و برخی از کشورهای آمریکای لاتین بحران‌های تکیلا<sup>۲</sup> را تجربه کردند. در مکزیک این بحران منجر به کاهش چشمگیر در ارزش پول این کشور شد و سرمایه‌گذاران داخلی و بین‌المللی، سرمایه‌گذاری در مکزیک و سایر بازارهای نوظهور را کاهش دادند. سپس در سال‌های ۱۹۹۷-۱۹۹۸، چندین کشور آسیایی بحران مالی و اقتصادی عمیق را تجربه کردند و به دنبال آن روسیه در سال ۱۹۹۸ و برزیل در سال ۱۹۹۹ نیز درگیر این بحران‌های شدند (هرمس و همکاران<sup>۳</sup>، ۲۰۰۲). به عنوان مثال ندیکومانا و بویس<sup>۴</sup> (۲۰۰۲) ارزش فرار سرمایه در کشورهای جنوب آفریقا بین سال‌های ۱۹۹۷ تا ۱۹۹۶ را ۱۸۶ میلیارد دلار تخمین زد. هریگان و همکاران<sup>۵</sup> (۲۰۱۰) بیان می‌کنند که یکی از سریع‌ترین و جدی‌ترین پیامدهای بحران و شوک‌های خارجی ناشی از آن، افزایش تهدید به فرار سرمایه است، به طوری که در بحران دهه ۹۰ کشورهای آسیایی، ورودی خالص سرمایه‌گذاری به پنج کشور آسیای شرقی شامل کره جنوبی، تایلند، مالزی، اندونزی و فیلیپین از ۹۳ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۶ به منفی ۱۲/۱ میلیارد دلار آمریکا در سال ۱۹۹۷ کاهش یافته است. نتایج تحقیق کولیر و همکاران<sup>۶</sup> (۲۰۰۱) نشان داد که از سال ۱۹۹۰ آفریقا به دلیل فرار سرمایه، ۱۶ درصد زیان در تولید ناخالص داخلی را تجربه کرده است.

در یک نگاه کلی، فرار سرمایه بحران اقتصادی را تشدید می‌کند، زیرا زمانی که کشورها بیشترین نیاز به سرمایه را دارند، باعث خروج سرمایه از یک کشور می‌شود. این مسئله بار بدهی خارجی کشورها را در وضعیت بدتری قرار می‌دهد و شکاف بین پس انداز و سرمایه‌گذاری و همچنین مشکلات ارزی را شدت می‌بخشد و منجر به از بین رفتن منابع سرمایه‌گذاری داخلی می‌شود و محدودیت‌هایی را برای رشد اقتصادی پایدار ایجاد می‌کند. علاوه بر این، در افق بلندمدت فرار سرمایه می‌تواند درآمد دولت و توانایی در بازپرداخت بدهی توسط دولت را کاهش دهد و با تضعیف پایه مالیات، نیاز به وام از خارج را افزایش دهد و در نتیجه بار بدهی خارجی را افزون می‌نماید (خان و هاکه<sup>۷</sup>، ۱۹۸۷). بنابراین ضروری است که کشورها سیاست‌هایی را در نظر بگیرند که بتواند منجر به بازگشت

<sup>۱</sup> Okoli and Akujobi

<sup>۲</sup> Tequila crises

<sup>۳</sup> Hermes, et al

<sup>۴</sup> Ndikumana and Boyce

<sup>۵</sup> Harrigan and et al

<sup>۶</sup> Collier et al

<sup>۷</sup> Khan and Haque



سرمایه‌های خارج شده یا حداقل مانع خروج سرمایه از کشور شود تا شرط کفایت سرمایه برای بهبود بحران‌های مالی و ارزی در کوتاه‌مدت و دستیابی به یک رشد پایدار بلندمدت ایجاد گردد. ندیکومانا و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۱۴) بیان می‌کنند که فرار سرمایه که منجر به از دست دادن سرمایه و تولید به ویژه در کشورهایی که با سطح فقر نسبتاً بالاتری روبرو هستند می‌شود، می‌تواند منجر به عدم توسعه در این کشورها شود. همچنین فرار سرمایه به معنای صرف هزینه‌های کمتر در خدمات اجتماعی مانند آموزش و بهداشت می‌باشد و این به خودی خود نیز سطح توسعه انسانی را تضعیف می‌کند (ندیکومانا و بویس<sup>۲</sup>، ۲۰۱۱).

فرار سرمایه حداقل به سه دلیل مورد توجه ویژه کشورهای در حال توسعه قرار گرفته است. اولین مورد به دلیل کمبود سرمایه در کشورهای در حال توسعه است و فرار سرمایه بر این مشکل می‌افزاید. علاوه بر این، فرار سرمایه ظرفیت و توانایی این کشورها را در تجهیز بودجه داخلی یا دسترسی به منابع خارجی محدود می‌سازد. بنابراین، علاوه بر طیف وسیعی از تأثیرات منفی، فرار سرمایه به عقب ماندگی رشد و توسعه در کشورهای در حال توسعه کمک می‌کند. به عبارت دیگر، به توسعه نیافتگی کمک می‌کند. دوم اینکه، فرار سرمایه می‌تواند منجر به روند بازخورد منفی شود، که به ویژه در دوره‌های بحران و بی‌ثباتی، این موضوع صادق است. سپس، با محدودیت‌های منابع، احتمال قطع شدن منابع خارجی و جوه نیز وجود دارد، که خود منجر به محدودیت بیشتر در رشد می‌شود. در نتیجه ممکن است فرار بیشتر سرمایه رخ دهد. در این شرایط، اجرای سیاست‌های اقتصادی دشوارتر می‌شود. به طور خلاصه، فرار سرمایه دستیابی به اهداف دوقلوی رشد و توسعه را بسیار دشوارتر می‌کند. بنابراین، زمانی که کشورهای در حال توسعه از نردبان اقتصادی عقب می‌مانند، فرار سرمایه چندین پله به این عقب ماندگی کمک می‌نماید. در این زمینه، فرار سرمایه یک تهدید اقتصادی برای کشورهای در حال توسعه است. دلیل سوم مربوط به عدالت اقتصادی، به ویژه تأثیرات توزیعی بار بدهی‌های خارجی و فرار سرمایه و همچنین مشروعیت بدهی خارجی است. وقتی از بدهی‌های خارجی به طور نامناسب استفاده می‌شود تا فقط تعداد اندکی از افراد از این بدهی به شکل فرار سرمایه بهره مند شوند، مابقی جامعه متضرر می‌شوند. مهمتر از همه، هزینه‌های اقتصادی بدهی‌های خارجی و فرار سرمایه به اکثریت جامعه تحمیل می‌شود (بجا<sup>۳</sup>، ۲۰۰۷).

---

<sup>۱</sup> Ndikumana and et al.

<sup>۲</sup> Ndikumana and Boyce

<sup>۳</sup> Beja

چهار روش اصلی در زمینه فرار سرمایه شناسایی شده است. این موارد عبارتند از: (۱) انحراف سرمایه گذاری<sup>۱</sup>، (۲) فرار سرمایه ناشی از بدهی که اصطلاحاً رویکرد بدهی سازی<sup>۲</sup> نامیده می شود. (۳) روش کاهش مالیات<sup>۳</sup>، و (۴) رویکرد شکل گیری ریاضت اقتصادی<sup>۴</sup> (فرگا<sup>۵</sup>، ۲۰۰۸).

(۱) انحراف سرمایه گذاری: بر اساس این دیدگاه فرار سرمایه به دلیل عدم اطمینانی در اقتصاد کلان و بی ثباتی سیاسی کشور در حال توسعه و وجود همزمان فرصت های سرمایه گذاری بهتر در کشورهای پیشرفته (مانند نرخ بالای بهره خارجی، مجموعه وسیعی از ابزارهای مالی، ثبات سیاسی و اقتصادی، فضای مالیاتی مناسب و محرمانه بودن حسابها) است. برخی از رهبران فاسد معمولاً منابع سرمایه کمیاب را از کشورهای خود به کشورهای پیشرفته منتقل می کنند. بنابراین، این منابع مالی برای سرمایه گذاری در داخل در دسترس نیستند، و منجر به کاهش سرمایه گذاری کل، رشد اقتصادی پایین و از این رو سبب کاهش اشتغال می شود. بعضی اوقات، این تأثیرات منفی اقتصاد کلان منجر به وابستگی به استقراض از خارج برای بازسازی مجدد اقتصاد می شود.

(۲) تئوری مبتنی بر بدهی (رویکرد بدهی سازی): این دیدگاه فرض می کند که با توجه به بدهی سنگین خارجی یک کشور، ساکنان این کشور انگیزه دارند منابع خود را به کشورهای خارجی منتقل کنند. پول های استقراض شده به عوامل اقتصادی داخلی فروخته می شود که این وجوه را به طور جزئی یا کامل به خارج از کشور منتقل می کنند. طبق این دیدگاه، بدهی خارجی یکی از پیشرانها یا محرک برای فرار سرمایه است. فرار سرمایه انگیزه پس انداز و سرمایه گذاری را کاهش می دهد. در اینجا فرض این است که با بدهی های بزرگ خارجی، انتظارات کاهش ارزش پول، بحران مالی و تمایل به خارج شدن سرمایه داخلی و مصادره دارایی ها برای پرداخت بدهی وجود دارد. رویکرد بدهی محور و سرمایه گذاری محور با هم نشان می دهند که وابستگی متقابل بین فرار سرمایه، رشد و بدهی خارجی وجود دارد و این روابط بین یکدیگر تقویت می شوند. فرار سرمایه منجر به رشد ضعیف می شود و این امر ضرورت وام گرفتن به منظور تقویت رشد را می طلبد. وام گرفتن بیشتر یا بدهی باعث فرار سرمایه می شود، که به نوبه خود منجر به رشد اقتصادی ضعیف می شود و این چرخه ادامه می یابد.

(۳) رویکرد کاهش دهنده مالیات: بر اساس این دیدگاه، فرار سرمایه منجر به از دست دادن درآمد بالقوه دولت می شود زیرا ثروت نگهداری شده در خارج از کشور، دور از کنترل دولت داخلی است و بنابراین دولت ها نمی توانند مالیات های مربوط را دریافت کند. کاهش درآمد دولت، توانایی دولت برای رشد و توسعه را کاهش می دهد و خود منجر به کاهش توانای دولت در تعهدات بدهی می شود این به نوبه خود باعث افزایش بار بدهی می شود و رشد و

<sup>۱</sup> Investment Diversion

<sup>۲</sup> Debt overhang approach

<sup>۳</sup> Tax – depressing approach;

<sup>۴</sup> austerity generating approach

<sup>۵</sup> Forgha

توسعه اقتصادی را محدود می‌کند. بنابراین، نتیجه مستقیم فرار سرمایه کاهش پتانسیل درآمدزایی دولتمردان است.

۴) رویکرد ایجاد ریاضت اقتصادی: این رویکرد فقرا را در یک وضعیت به شدت بدهکار به دلیل فرار سرمایه مشاهده می‌کند. آنها بیشتر رنج می‌برند زیرا در معرض اقدامات سختگیرانه ریاضتی دولت برای پرداخت تعهدات بدهی به بانکهای بین‌المللی قرار دارند که به نوبه خود سود فرار سرمایه‌های از ساکنان این کشورها را پرداخت می‌کنند (پاستور<sup>۱</sup>، ۱۹۸۹). فقر در کشورهای در حال توسعه نابرابری و وابستگی بین‌المللی را ایجاد می‌کند و باعث افزایش شکاف بین کشورهای ثروتمند و کشورهای فقیر می‌شود. علاوه بر این، مالیاتی که فقرا ممکن است بپردازند اندک است، که این امر توانایی دولت در جمع‌آوری منابع کافی برای رشد و توسعه را محدود می‌کند. بنابراین، یک دور باطل از بدهی‌های خارجی، فرار سرمایه، رشد ضعیف، فقر و مجدداً بدهی‌های خارجی ایجاد می‌شود (زوبیری و همکاران<sup>۲</sup>، ۲۰۱۵).

بحث در مورد روابط نظری بین فرار سرمایه و حاکمیت نیز حائز اهمیت است: حاکمیت به معنی حاکمیت سیاسی، حاکمیت اقتصادی و حاکمیت نهادی می‌باشد (آسونگو و ننانا<sup>۳</sup>، ۲۰۲۰). سرمایه‌گذاران به احتمال زیاد با عدم سرمایه‌گذاری و انتقال سرمایه خود به محیط‌هایی که با ریسک کمتری در سرمایه‌گذاری همراه هستند، به بی‌ثباتی و خشونت سیاسی پاسخ می‌دهند. مدیران دولتی که حق اظهارنظر و پاسخگویی<sup>۴</sup> را خفه می‌کنند، احتمالاً با ورود سرمایه کمتر یا خروج سرمایه بیشتر، پاداش کسب می‌کنند. یک فضای سیاسی، نقش تعیین‌کننده مهمی در فرار سرمایه دارد و اگر سرمایه‌گذاران به نهادهای سیاسی داخلی اعتماد نداشته باشند، به احتمال زیاد سرمایه‌های خود را به کشورهایی که دارای نهادهای سیاسی معتبر و با ثبات‌تر انتقال می‌دهند. همچنین به دلیل چشم‌انداز اقتصادی نامشخص، که اغلب محصول حاکمیت اقتصادی ضعیف است، می‌توان سرمایه‌گذاران را از سرمایه‌گذاری در اقتصاد منصرف کرد (کلسی و لو روکس<sup>۵</sup>، ۲۰۱۷).

حکمرانی ضعیف می‌تواند خسارات قابل توجهی بر اقتصاد تحمیل کند و این عقب‌ماندگی‌های اقتصادی بر درک سرمایه‌گذاران از ارزیابی‌های تأثیر می‌گذارد. از این رو، در مقابل چشم‌اندازهای تیره اقتصاد کلان و چشم‌انداز اقتصادی ضعیف، دارایی‌ها و پول به راحتی می‌توانند از کشوری به کشور دیگر منتقل شوند. در مورد ارتباط بین فرار سرمایه و حاکمیت نهادی، استدلال می‌شود که هم نوع حاکمیت قانون و هم کنترل فساد بر اعتماد سرمایه‌گذاران به اقتصاد و توانایی مقامات دولتی در انتقال و هدایت وجوه به پناهگاه‌های مالیاتی<sup>۶</sup> خارج از کشور تأثیر

<sup>۱</sup> Pastor

<sup>۲</sup> Zobeiri and et al

<sup>۳</sup> Asongu & Nnanna

<sup>۴</sup> Voice and accountability

<sup>۵</sup> Kelsey & le Roux,

<sup>۶</sup> Tax havens.

می‌گذارند. در عمل، سرمایه‌گذاران کمتر می‌توانند پول خود را در یک فضای اقتصادی قرار دهند که بی‌احترامی به قانون در آن فضا سیستمی باشد. احترام به قانون تضمین می‌کند که حمایت بیشتر از حقوق مالکیت صورت می‌گیرد و سرمایه‌گذاری توسط سرمایه‌گذاران مصادره نخواهند شد. مصادره اموال و سرمایه‌گذاری موجب دلسردی سرمایه‌گذاران خارجی و فرار سرمایه می‌شود. علاوه بر این، کشورهای که دارای مدیران فاسد هستند، غالباً تعهدی برای رعایت حقوق مالکیت ندارند (آسونگو و ننانا،<sup>۱</sup> ۲۰۲۰). از این‌رو، سرمایه‌گذاران محیط‌های اقتصاد کلانی را ترجیح می‌دهند که دارای استانداردهای حسابداری بهتر و دادگاه‌های کارآمدتر و موسسات پیشرفته<sup>۲</sup> همراه با دولت‌ها با فساد کمتر باشند.

### ۳. تعریف فرار سرمایه و نحوه محاسبه آن

در این قسمت قصد داریم تا پدیده فرار سرمایه در اقتصاد را تعریف نماییم. در واقع، ادبیات اقتصادی مربوط به سرمایه نشان می‌دهد که هیچ تعریف گسترده و واحدی از واژه فرار سرمایه وجود ندارد ( ندیکومانا و همکاران<sup>۳</sup>، ۲۰۱۵؛ اشنايدر<sup>۴</sup>، ۲۰۰۳) و این اصطلاح را می‌توان از منظرهای مختلف ارزیابی کرد. در وسیع‌ترین مفهوم، فرار سرمایه ممکن است به طور خلاصه به عنوان خروج زیاد دارایی‌ها و/یا سرمایه از یک کشور یا منطقه‌ی مشخص تعریف شود (ندیکومانا و همکاران، ۲۰۱۵). این جریان خروجی سرمایه ممکن است مجاز و قانونی باشد وقتی سرمایه‌گذاران خارجی تمایل به بازگرداندن سرمایه خود دارند یا ممکن است غیر قانونی باشد، هنگامی که جریان‌های مالی از هرگونه ثبت در سیستم مالی خارج می‌شوند و در خارج کسب درآمد انجام می‌شوند و معمولاً باز گردانده نمی‌شود. این جریان‌های ثبت نشده مشمول مالیات نمی‌شوند و مورد استفاده دولت قرار نمی‌گیرند. بنابراین فرار سرمایه ممکن است پیامدهای زیانباری بر توسعه اقتصادی و اجتماعی داشته باشد (داچروی<sup>۵</sup> و همکاران، ۲۰۲۰). به عنوان یک تعریف اساسی؛ فرار سرمایه خروج منابع اقتصادی از کشورهای مربوطه است. این شامل خروج سرمایه کوتاه‌مدت به عنوان پاسخ به برخی از عوامل خاص کشور مربوطه است و ممکن است ارزش اقتصادی چنین سرمایه‌ای را تحت تأثیر قرار دهد ( افوبی و آسونگو<sup>۶</sup>، ۲۰۱۶). از دیدگاه گریگوری و کوسارر<sup>۷</sup> (۲۰۰۰) فرار سرمایه انتقال غیر قانونی سرمایه به خارج از مرزهاست و این تعریف با صادرات سرمایه متفاوت است. به طوری که صادرات سرمایه با توجه به مفاد قانونی کشور انجام می‌شود و صادرات سرمایه یک پدیده عادی اقتصادی است ولی فرار سرمایه یکی پدیدی غیر عادی است. بر اساس مطالعه برادا و همکاران<sup>۸</sup> (۲۰۱۱) بخشی از فرار سرمایه

<sup>۱</sup> Asongu & Nnanna

<sup>۲</sup> Enhanced institutions

<sup>۳</sup> Ndikumana et al

<sup>۴</sup> Schneider

<sup>۵</sup> Dachraoui and et al.

<sup>۶</sup> Efobi and Asongu

<sup>۷</sup> Grigoryev, & Kosarar

<sup>۸</sup> Brada and et al.

انعکاس دهنده تخصیص مجدد سرمایه از کشور خودی به سایر کشورهای جهت ایجاد فضای مناسب برای بازدهی و ریسک و تنوع سازی سبد دارایی است و بخشی از آن مربوط به پولشویی می‌باشد. یعنی انجام معاملاتی که منشأ غیرقانونی دارایی‌ها را پنهان و آن‌ها را به درآمد قانونی تبدیل می‌کند.

فرار سرمایه می‌تواند مشکلات مالی داخلی را در بحران‌های بازپرداخت بدهی‌های دولتی تشدید کند. فرار سرمایه ممکن است کاتالیزور برای عدم پرداخت بدهی<sup>۱</sup> (نکول) نباشد، اما خطرات واقعی را برای اقتصادهای بی‌ثبات ایجاد می‌کند. عدم کنترل این خطرات می‌تواند کشورها را درگیر نکول بدهی کند. در واقع، قبل از نکول بدهی یک کشور مجموعه‌ای از علائم و نشانه‌ها را تجربه می‌کند که می‌تواند شامل عدم تطابق بین بدهی‌های آینده و جریان درآمدهای آینده که به نام عدم تعادل مالی شناخته می‌شود باشد (داچرویی<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۲۰). لورنزونی<sup>۳</sup> (۲۰۱۳) معتقد است که فرار سرمایه می‌تواند به دلیل نگرانی از چشم انداز پولی یا مالی کشور، اخبار بد در مورد چشم انداز رشد کشور، نگرانی در مورد توانایی بازپرداخت بدهی برخی از بخش‌های داخلی که بدهی انباشته شده در گذشته ایجاد کرده‌اند، باشد.

از طرف دیگر در ارتباط با نحوه محاسبه فرار سرمایه، مطالعات مختلفی صورت گرفته است و اکثر این مطالعات بر این موضوع اتفاق نظر دارند که مهمترین شاخص برای محاسبه فرار سرمایه، شاخص است که توسط بانک جهانی در نظر گرفته شده است. بر اساس این تعریف، فرار سرمایه از طریق تفاوت بین منابع وجوه خارجی ثبت شده در کشور و مصارف این وجوه برآورد می‌شود، روشی که توسط بانک جهانی (۱۹۸۵) تعریف شده است که اغلب به عنوان روش «بانک جهانی»<sup>۴</sup> یا روش «باقی مانده»<sup>۵</sup> نامگذاری می‌شود. روش باقیمانده، فرار سرمایه را به صورت غیر مستقیم و با استفاده از تراز پرداخت‌ها و داده‌های دارایی‌های بین‌المللی برآورد می‌کند. این روش منابع وجوه مالی کشور را با توجه به افزایش خالص بدهی خارجی و ورود خالص سرمایه گذاری خارجی، در مقایسه با مصارف این وجوه به دلیل کسری حساب جاری و تغییر ذخایر خارجی ارزیابی می‌کند. اگر منابع ثبت شده بیشتر از مصارف ثبت شده باشد، پس فرار سرمایه از کشور وجود دارد. حجم فرار سرمایه با استفاده از رویکرد باقیمانده را می‌توان به دو طریق برآورد کرد که عمدتاً در نحوه اندازه‌گیری تغییر وضعیت بدهی خارجی کشور متفاوت است. بر اساس معیار پایه‌ای، شاخص فرار سرمایه به صورت زیر محاسبه می‌گردد:

$$CF = \Delta ED + NFI - CA - \Delta R \quad (1)$$

<sup>۱</sup> Default

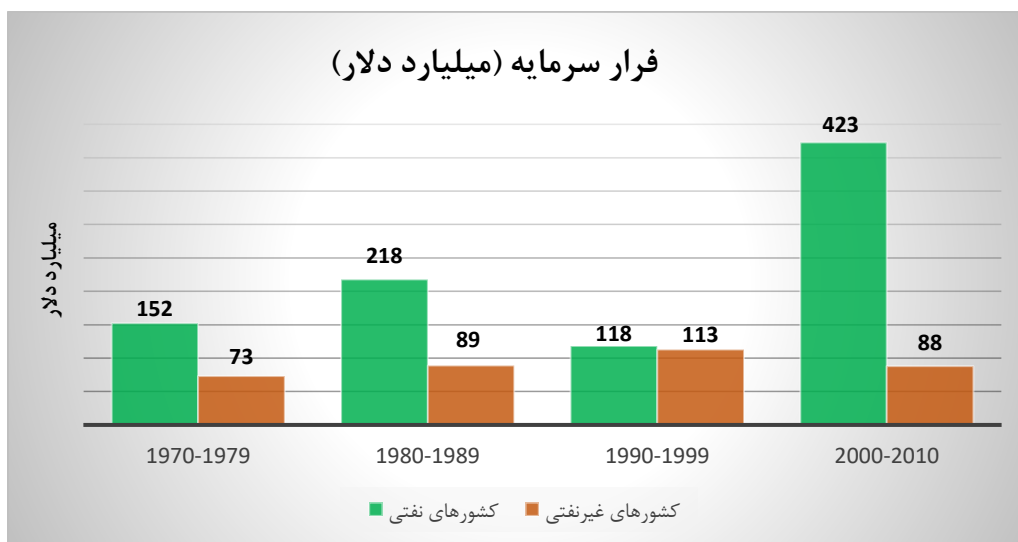
<sup>۲</sup> Dachraoui and et al.

<sup>۳</sup> Lorenzoni

<sup>۴</sup> World Bank

<sup>۵</sup> Residual

که در این معادله  $CF$  یا همان فرار سرمایه بر اساس داده‌های مربوط به تغییرات خالص موجودی بدهی خارجی اندازه‌گیری می‌شود. در این معادله  $\Delta ED$  نشان دهنده تغییر موجودی بدهی ناخالص خارجی<sup>۱</sup>،  $NFI$  خالص ورودی سرمایه گذاری خارجی<sup>۲</sup>،  $CA$  کسری حساب جاری<sup>۳</sup> و  $\Delta R$  تغییر موجودی ذخایر رسمی خارجی<sup>۴</sup> است ( برادا و همکاران<sup>۵</sup>، ۲۰۱۳). بر اساس این فرمول، فرار سرمایه تفاوت بین جریان ورود سرمایه و خروج ارز تعریف می‌شود. بدین صورت که جریانات ورودی سرمایه یا کسری حساب جاری را تامین می‌کند و یا در بانک مرکزی به صورت ذخایر ارزی انباشته می‌شود. جریاناتی که در یکی از این دو حساب ظاهر نمی‌شود به عنوان فرار سرمایه محسوب می‌گردد و مازاد جریانات ورودی از این دو حساب منعکس کننده فرار سرمایه است و چون این مقدار سرمایه‌ها در آمارهای رسمی گزارش نمی‌شود طبق روش باقیمانده به عنوان فرار سرمایه محسوب می‌گردد. به عنوان نمونه، ندیکوماننا و همکاران (۲۰۱۴) از طریق روش باقیمانده به برآورد فرار سرمایه در برخی از کشورهای منتخب نفتی و غیر نفتی پرداخته است که نتایج آن در نمودار (۱) نشان داده می‌شود. همانطور که از نمودار مشخص است به طور میانگین میزان فرار سرمایه در کشورهای با درآمدهای نفتی بیش از کشورهای غیرنفتی در طول سال‌های ۱۹۷۰ تا ۲۰۱۰ می‌باشد.



نمودار (۱): فرار سرمایه در کشورهای منتخب نفتی و غیر نفتی (میلیارد دلار)

منبع: ندیکوماننا و همکاران (۲۰۱۴)

<sup>۱</sup> Change in the stock of gross external debt

<sup>۲</sup> Net foreign investment inflow

<sup>۳</sup> Current account deficit

<sup>۴</sup> Change in the stock of official foreign reserves

<sup>۵</sup> Brada et al

## ۴. عوامل تعیین کننده فرار سرمایه

در مورد عوامل تعیین کننده فرار سرمایه، ادبیات گسترده‌ای وجود دارد. بسیاری از مطالعات، نتایج حاصل از سیاست‌های نامطلوب کلان اقتصادی که می‌تواند منجر به پیامدهایی مانند کاهش ارزش پول ملی، افزایش نرخ ارز، کسری بودجه بالا، تورم بالا، نوسانات نرخ بهره و سیاست‌های مالیاتی و تجاری نامطلوب را به عنوان عوامل تعیین کننده فرار سرمایه بیان می‌کنند (نیونی<sup>۱</sup>، ۲۰۰۰؛ هرمس و لنسینک<sup>۲</sup>، ۲۰۰۰). همچنین برخی از مطالعات توجه خود را به متغیرهای غیرکلان اقتصادی همانند ریسک سیاستی معطوف کردند. به عنوان نمونه، گیسیون و تساکالوتوس<sup>۳</sup> (۱۹۹۳) در مطالعه خود در مورد پنج کشور اروپایی نتیجه گرفتند که ریسک و نااطمینانی سیاسی از جمله عوامل تعیین کننده قابل توجه در فرار سرمایه هستند. به همین ترتیب، فاتحی<sup>۴</sup> (۱۹۹۴) ارتباط بین فرار سرمایه و تغییرات ثبات سیاسی در هفده کشور آمریکای لاتین را بررسی کرده و نتیجه گرفته است که بی‌ثباتی سیاسی بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی یک کشور تأثیر منفی و بر فرار سرمایه اثر مثبتی دارد. مطالعات دیگری همانند مطالعه مربوط به بانکی جهانی<sup>۵</sup> (۲۰۰۵)، عوامل مهم دیگری همانند نرخ رشد پایین اقتصادی، بدهی خارجی بالا و فساد در یک کشور را تأثیرگذار در فرار سرمایه ارزیابی کرده‌اند.

هریگان و همکاران<sup>۶</sup> (۲۰۱۰) در مطالعه‌ای در ارتباط عوامل تعیین کننده فرار سرمایه در کشورهای آسه آن<sup>۷</sup> نشان داده که یک ارتباط بلندمدتی بین فرار سرمایه و متغیرهای مستقل مانند نرخ ارز، تغییر در بدهی خارجی، رشد اقتصادی و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی وجود دارد که نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که کاهش ارزش پول ناشی از افزایش نرخ ارز و افزایش در بدهی خارجی تأثیر مثبتی بر فرار سرمایه دارد در حالی که رشد اقتصادی و فعالیت‌های سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، با کاهش فرار سرمایه همراه است. آنتونی و هالت<sup>۸</sup> (۱۹۹۲) از طریق سه روش به محاسبه فرار سرمایه در پنج کشور، آرژانتین، مکزیک، برزیل، فیلیپین و ونزوئلا پرداختند و یافته‌های آنان نشان می‌دهد که تورم داخلی، کاهش ارزش پول داخلی مورد انتظار، افزایش بازده دارایی‌های خارجی و افزایش قیمت کالای صادراتی کشور می‌تواند منجر به افزایش فرار سرمایه شود، در حالی که افزایش در نرخ بهره داخلی و نسبت مازاد بودجه دولت با کاهش فرار سرمایه همراه است.

---

<sup>۱</sup> Nyoni

<sup>۲</sup> Hermes and Lensink

<sup>۳</sup> Gibson and Tsakalotos

<sup>۴</sup> Fatehi

<sup>۵</sup> World Bank

<sup>۶</sup> Harrigan and et al

<sup>۷</sup> ASEAN

<sup>۸</sup> Anthony and Hallet

افوبی و آسونگو<sup>۱</sup> (۲۰۱۶) در مقاله ای با عنوان «تروریسم و فرار سرمایه در آفریقا»، به بررسی اثرات تروریسم بر فرار سرمایه در ۲۹ کشور آفریقایی برای دوره ۱۹۸۷ الی ۲۰۰۸ پرداختند. در این مقاله تروریسم شامل تروریسم داخلی، فراملی و کل تروریسم است. نتایج این تحقیق نشان داد که به دلیل هزینه‌های بالای تروریسم و کاهش سرمایه‌گذاری در کشورهای آفریقایی، تروریسم اثرات مثبت و معنادار بر فرار سرمایه در این کشورها داشته است. نتایج دیگر این تحقیق نشان می‌دهد که افزایش فساد و بدهی خارجی و درجه باز بودن تجاری اثرات مثبتی بر فرار سرمایه دارد. از طرف دیگر باندیوپادی و همکاران<sup>۲</sup> (۲۰۱۴) به بررسی تاثیر تروریسم بر سرمایه‌گذاری خارجی در ۷۲ کشور در حال توسعه پرداختند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که فعالیت‌های تروریستی منجر به افزایش حق بیمه برای حفظ و امنیت سرمایه‌گذاری در این کشورها می‌شود که خود باعث افزایش ریسک سرمایه و زبان‌های تولیدی می‌شوند.

آسونگو و ننانا<sup>۳</sup> (۲۰۲۰) بیان می‌کند که علائم مورد انتظار تجارت و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در فرار سرمایه به راحتی قابل اثبات نیست زیرا منوط به این است که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به چند بخش اقتصادی محدود می‌شود. دوم، تورم بسیار بالا در بیشتر موارد بر فرار سرمایه تأثیر مثبت می‌گذارد زیرا با چشم انداز اقتصادی نامطلوب و همچنین عدم اطمینان در بازده سرمایه‌گذاری همراه است. زیرا سرمایه‌گذاران استراتژی‌های سرمایه‌گذاری را که ابهام کمتری دارند ترجیح می‌دهند. سوم، رشد اقتصادی گسترده می‌تواند بر فرار سرمایه تأثیر منفی بگذارد، زیرا در این وضعیت چشم‌انداز سرمایه‌گذاری با ثبات تر است.

شرایط داخلی کشور که موجب فرار سرمایه می‌شود، عمدتاً به ویژگی‌های ساختاری اقتصاد، فضای اقتصاد کلان، ریسک و بازده سرمایه‌گذاری، حاکمیت اقتصادی از جمله مدیریت استقراض خارجی و عوامل سیاسی مربوط می‌شود (ندیکومانا و همکاران<sup>۴</sup>، ۲۰۱۴).

در ادامه به بررسی متغیرهای اثر گذار بر فرار سرمایه و چگونگی اثر گذاری آن خواهیم پرداخت:

**عوامل ساختاری:** برخی از ویژگی‌های اقتصادی ممکن است یک کشور را نسبت به بقیه کشورها مستعد فرار سرمایه کند. یکی از این عوامل، فراوانی منابع طبیعی است. اکتشاف، بهره برداری و صادرات این منابع فرصت‌هایی را برای اختلاس، سرقت فراهم می‌کند. شواهد نشان می‌دهد که بسیاری از کشورهای آفریقایی و کشورهای در حال توسعه که سرشار از نفت و مواد معدنی هستند، سطح نسبتاً بالایی از فرار سرمایه را تجربه کرده‌اند (بویس و ندیکومانا<sup>۵</sup>، ۲۰۱۲). با این حال، موجودی فراوان یک کشور در منابع طبیعی لزوماً آن کشور را مستعد فرار سرمایه

<sup>۱</sup> Efobi and Asongu

<sup>۲</sup> Bandyopadhyay et al.

<sup>۳</sup> Asongu & Nnanna

<sup>۴</sup> Ndikumana et al.

<sup>۵</sup> Boyce and Ndikumana



نمی‌کند. بلکه این حکمرانی ضعیف و کمبود توانایی مدیریتی همراه با فراوانی منابع طبیعی است که کشورها را در معرض سطح بالایی از فرار سرمایه قرار می‌دهد.

**محیط اقتصاد کلان:** فضای اقتصاد کلان ممکن است به چندین روش فرار سرمایه را تسهیل کند یا منجر به جلوگیری از فرار سرمایه شود. از نظر پس‌انداز کنندگان و سرمایه‌گذاران، عملکرد اقتصادی قوی و انعکاس آن در رشد اقتصادی بالا و سرمایه‌گذاری داخلی زیاد، ممکن است بازدهی مطلوب در آینده برای سرمایه‌گذاری داخلی را نشان دهد، که باعث کاهش فرار سرمایه خواهد شد. از طرف دیگر سطح تورم بالا ممکن است فرار سرمایه را تشویق کند زیرا سرمایه‌گذاران بین دارایی‌های داخلی و خارجی داوری می‌کنند. همچنین سیاست مالی ممکن است بر فرار سرمایه تأثیر بگذارد، اگرچه شواهد تجربی در این مورد متفاوت است (ندیکومانا و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۱۴).

**ریسک و بازده سرمایه‌گذاری:** برخی از مطالعات فرار سرمایه را به عنوان پاسخ جریان خروج سرمایه به ریسک نامتقارن دارایی‌های داخلی نسبت به دارایی‌های خارجی نشان داده‌اند. دارایی‌های داخلی ممکن است در معرض ریسک بالا ناشی از کاهش ارزش پول ارز، افزایش نرخ ارز، تورم و بی‌ثباتی مالی، خطر سلب مالکیت، انتظارات برای مالیات بیشتر و ضمانت عمومی کمتر در مورد بدهی‌های خصوصی مواجه باشند (کانت<sup>۲</sup>، ۲۰۰۲؛ اتون<sup>۳</sup>، ۱۹۸۷).

**تورم:** در صورت وجود تورم یا تورم مورد انتظار، مردم انتظار دارند قیمت‌های کلی با احتساب قیمت ارز، افزایش یابد. تورم همچنین می‌تواند به عنوان شاخصی برای میزان اقدام دولت مبنی بر مالیات دادن به دارایی‌های مالی داخلی از طریق خلق پول (که گاهی اوقات به عنوان سیاست مالیات تورم نامیده می‌شود) درک شود. این نشان می‌دهد که دولت در ایجاد درآمد از طریق مالیات که می‌تواند به ریسک سرمایه‌گذاری و ریسک نگهداری دارایی‌های مالی داخلی کمک کند، مشکلاتی را ایجاد می‌کند که می‌تواند منجر به فرار سرمایه شود.

**حساب سرمایه و مقررات مالی:** حساب سرمایه و به طور کلی تنظیم سیستم مالی ممکن است اثرات متفاوتی بر فرار سرمایه داشته باشد. از یک سو ممکن است ادعا شود که عدم وجود کنترل‌های سرمایه (یا کنترل‌های بی‌اثر سرمایه) انتقال پول به خارج از کشور را آسان‌تر سازد و بنابراین فرار سرمایه را تسهیل کند. در این صورت، آزادسازی مالی با فرار بالاتر سرمایه ارتباط دارد. از طرف دیگر، ممکن است استدلال شود که باز بودن حساب سرمایه انگیزه‌های فرار سرمایه را کاهش دهد، زیرا انجام معاملات بین‌المللی را آسان‌تر می‌سازد و بنابراین نیاز به قاچاق وجوه به خارج را کاهش می‌دهد. در این صورت ممکن است انتظار داشته باشیم که یک رابطه منفی بین درجه باز بودن مالی و فرار سرمایه وجود داشته باشد. آزادسازی سیستم مالی به طور کلی ممکن است برای فرار

<sup>۱</sup> Ndikumana et al.

<sup>۲</sup> Kant

<sup>۳</sup> Eaton

سرمایه نیز پیامدهایی داشته باشد. می‌توان انتظار داشت که با آزادسازی مالی، اختلاف نرخ بازده بین اقتصادها کاهش یابد و در نتیجه افزایش تحرک سرمایه ایجاد شود و این امر باعث کاهش فرار سرمایه می‌شود.

**حکومت و حکمرانی:** فرار سرمایه را می‌توان نتیجه عدم موفقیت در حاکمیت اقتصادی دانست. یک فضای اقتصاد کلان ناپایدار یا یک موضع نظارتی که باعث دلسرد شدن سرمایه‌گذاری خصوصی شود، ممکن است فرار سرمایه را تشویق کند. به طور کلی، ضعف حاکمیتی، فساد، سو استفاده از قدرت سیاسی و عدم ضوابط مقرراتی می‌تولند ارتباط مثبتی با فرار سرمایه داشته باشد (بویس و ندیکومانا، ۲۰۱۲).

**استقراض خارجی:** اختلاس وجوهی که از وام‌های خارجی گرفته شده است، وسیله‌ای برای تأمین مالی فرار سرمایه فراهم را می‌کند و پدیده‌ای است که به عنوان فرار سرمایه «بدهی سوخت شده»<sup>۱</sup> شناخته می‌شود. سطح بالای بدهی همچنین ممکن است سرمایه را از کشور خارج کند، زیرا سرمایه‌گذاران خصوصی نسبت به ریسک مالیات بیشتر برای پرداخت خدمات بدهی نگران هستند و سرمایه‌گذاران بدهی زیاد را به عنوان نشانه‌ای برای از دست دادن کنترل عمومی دولت بر اقتصاد تفسیر می‌کنند. حتی فرار سرمایه ممکن است باعث استقراض خارجی شود زیرا درآمد دولت را کاهش می‌دهد و هم مستقیماً از طریق سرقت و اختلاس و هم غیرمستقیماً از طریق درآمد مالیاتی پیش بینی شده (ندیکومانا و همکاران<sup>۲</sup>، ۲۰۱۴).

**فساد:** فساد می‌تواند پیامدهای منفی بر اقتصاد داشته باشد و منجر به افزایش هزینه‌های اقتصادی و کاهش انگیزه سرمایه‌گذاری برای فعالیتهای اقتصادی شود و فساد در بخش‌های دولتی منجر به عدم کارایی و کیفیت پایین خدمات می‌شود و عدم رضایتمندی سرمایه‌گذاران را ایجاد می‌کند و تمامی این عوامل منجر به فرار سرمایه می‌شود (مولینو<sup>۳</sup>، ۲۰۰۲؛ اسمارژینسکا و وی<sup>۴</sup>، ۲۰۰۰).

**عوامل سیاسی:** فضای سیاسی یک کشور می‌تواند از بسیاری جهات بر فرار سرمایه تأثیر بگذارد. یک فضای سیاسی ناپایدار خطر از دست دادن ثروت خصوصی را از طریق سلب مالکیت دارایی یا از بین بردن آنها با خشونت افزایش می‌دهد. در عین حال، برخی از کشورهای در حال توسعه که دارای فرار سرمایه بالایی هستند، در گذشته بی‌ثباتی سیاسی شدیدی را تجربه کرده‌اند.

**تغییرات نرخ ارز و کاهش ارزش پول:** از بین رفتن ارزش دارایی‌های مرتبط با کاهش ارزش پول یکی از مهمترین منابع عدم اطمینان است. وجود سیاست‌های نرخ ارز که منجر به افزایش کوتاه‌مدت واقعی نرخ ارز

---

<sup>۱</sup> Debt-fueled

<sup>۲</sup> Ndikumana et al.

<sup>۳</sup> Mulino

<sup>۴</sup> Smarzynska and Wei

می‌شود است، می‌تواند منجر به خروج سرمایه شود و یکی از دلایل بی‌ثباتی اقتصادی ناشی از نوسانات نرخ ارز است (هریگان و همکاران، ۲۰۱۰).

**بدهی خارجی:** زمانی که نسبت بدهی به درآمد دولت افزایش یابد، این بدان معنی است که مردم انتظار بیشتر پرداخت مالیات در آینده را دارند و این موضوع منجر به فرار سرمایه به خارج می‌شود و خطر مصادره مالکیت دارایی خصوصی نیز بالاست. از طرف دیگر افزایش بدهی خارجی منجر می‌شود که سرمایه‌گذاران داخلی این احساس را داشته باشند که دولت‌ها خود را موظف و مسئول پرداخت بدهی داخلی بیشتر از بدهی داخلی می‌دانند و منجر به چش انداز بد اقتصادی سرمایه‌گذاران می‌گردد (فاتحی<sup>۱</sup>، ۱۹۹۴).

**رشد تولید ناخالص داخلی:** نرخ رشد تولید ناخالص داخلی به عنوان معیاری برای نرخ بازگشت و بهبود واقعی اقتصاد استفاده می‌شود. این متغیر همچنین عملکرد اقتصادی کلان کشور را منعکس می‌کند. انتظار می‌رود بین فرار سرمایه و نرخ رشد تولید ناخالص داخلی رابطه منفی وجود داشته باشد. هر چقدر نرخ رشد اقتصادی بالاتر رود، چشم انداز و دیدگاه سرمایه‌گذاران نسبت به سرمایه‌گذاری و انتظار افزایش بازده بیشتر می‌شود و نقش مهمی در کاهش فرار سرمایه خواهد داشت (میکلسن<sup>۲</sup>، ۱۹۹۱).

**کسری بودجه:** کسری بودجه بالا یا با افزایش حجم پول و انتشار اسکناس جبران می‌شود و یا با مالیات‌های بالا و یا تغییر در تعرفه‌های گمرکی که هر یک می‌تواند مانعی بر سر راه سرمایه‌گذاران باشد و از این رو این افراد ترجیح می‌دهند که دارایی‌های خود را به خارج انتقال داده تا علاوه بر معافیت‌های مالیاتی از ضرر بالقوه سرمایه نیز جلوگیری به عمل آورند.

**اختلاف نرخ بهره:** نرخ بهره داخلی نسبتاً کم و غیرجذاب نسبت به نرخ بهره بالای خارجی، می‌تواند منجر به بازدهی پایین در سرمایه‌گذاری داخلی شود و سبب شود که سرمایه‌گذاران داخلی به دلیل انگیزه سود بیشتر سرمایه را به خارج ببرند و منجر به خروج سرمایه شود. تأمین مالی پولی کسری دولت نیز می‌تواند منجر به تورم شود و فرار سرمایه را بیشتر تحریک کند زیرا بازده سرمایه‌گذاری پایین می‌آید و ارزش پول داخلی کاهش می‌یابد (دپلر و ویلیامسون<sup>۳</sup>، ۱۹۸۷).

**شاخص محیط کسب و کار:** بر اساس دیدگاه اقتصاددانان نهادگرایان، وقفه و عدم سرمایه‌گذاری در بسیاری از کشورهای در حال توسعه ناشی محیط‌های نهادی فعالیت‌های اقتصادی کشور می‌باشد که به صورت شاخص فضای کسب و کار در مدل‌های سرمایه‌گذاری لحاظ می‌شود. این شاخص می‌تواند تلفیقی از ساختار اقتصادی دولت، پول

---

<sup>۱</sup> Fatehi

<sup>۲</sup> Mikkelsen

<sup>۳</sup> Depller, M. and Williamson

و اعتبار، قوانین و مقررات کسب و کار، نظام مالیاتی و نیروی کار باشد (عرب مازار و احمدیان، ۱۳۸۹). از جنبه اقتصادی هر چقدر شاخص محیط کسب و کار برای کشوری در وضعیت مطلوب‌تری قرار داشته باشد، منجر به افزایش سرمایه‌گذاری خصوصی در آن کشور و در نتیجه کاهش فرار سرمایه می‌شود.

**نااطمینانی:** بی‌ثباتی داخلی و فشارهای اجتماعی به دلیل افزایش خطرات و زیان‌های ناشی از آنها می‌تواند باعث فرار سرمایه شود. به عنوان مثال، تغییرات در رژیم سیاستی همراه با سیاست‌های اقتصادی مداخله‌جویانه مانند ملی شدن و مصادره دارایی‌ها می‌تواند منجر به فرار سرمایه شد (هریگان و همکاران، ۲۰۱۰).

جدول (۱) به طور خلاصه نقش عوامل مختلف اقتصادی و غیراقتصادی در تعیین فرار سرمایه بر اساس مطالعات صورت گرفته در طی سال‌های اخیر را نشان می‌دهد:

جدول (۱): مطالعات شناسایی عوامل تعیین کننده اصلی فرار سرمایه

نویسنده	عوامل تعیین کننده فرار سرمایه
دورنبوش <sup>۱</sup> (۱۹۸۵)	نوسانات نرخ ارز، کسری مالی دولت
والتر <sup>۲</sup> (۱۹۸۷)	بی‌ثباتی در سیاست داخلی، بی‌ثباتی سیاسی و اقتصادی و فضای نامناسب مالیاتی
پاستور <sup>۳</sup> (۱۹۸۹)	نوسانات نرخ ارز نرخ ارز
اجایی <sup>۴</sup> (۱۹۹۷)	نوسانات نرخ ارز نرخ ارز
شینلر <sup>۵</sup> (۱۹۹۷)	کسری مالی و حساب جاری، افزایش نرخ ارز، نرخ تورم بالا، مقررات نامشخص و بیش از حد
الام و کویاز <sup>۶</sup> (۲۰۰۳)	بی‌ثباتی سیاسی، افزایش مالیات بر درآمد شرکت‌ها، اختلافات واقعی نرخ بهره بین کشورها و نرخ رشد ناخالص داخلی پایین
بجا <sup>۷</sup> (۲۰۰۷)	بحران‌های سیاسی پایان ناپذیر، عدم اعتماد به دولت، فساد، عدم تمایل سرمایه‌گذاران به سرمایه‌گذاری داخلی
نیکومان و بویاس <sup>۸</sup> (۲۰۱۱)	وجود بدهی گسترده
ابوزاید <sup>۹</sup> (۲۰۱۲)	بدهی خارجی، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، نرخ رشد تولید ناخالص داخلی واقعی و عدم اطمینان
ماسکی و واهیویی <sup>۱۰</sup> (۲۰۱۲)	سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی

<sup>۱</sup> Dornbusch

<sup>۲</sup> Walter

<sup>۳</sup> Pastor

<sup>۴</sup> Ajayi

<sup>۵</sup> Schineller

<sup>۶</sup> Alam and Quazi

<sup>۷</sup> Beja

<sup>۸</sup> Ndikumana and Boyce

<sup>۹</sup> Abuzayed

<sup>۱۰</sup> Maski and Wahyudi

برادا و همکاران <sup>۱</sup> ، (۲۰۱۳)	تغییرات نرخ ارز، کسری بودجه دولت، نرخ رشد اقتصادی، بی‌ثباتی سیاسی، درجه باز بودن تجاری، آزادسازی مالی
افوبی و آسونگو <sup>۲</sup> ، (۲۰۱۶)	تورویسم، نرخ بهره، بدهی خارجی، رشد اقتصادی، فساد، نرخ ارز، درجه باز بودن تجاری
آسونگو و ننانا <sup>۳</sup> ، (۲۰۲۰).	حاکمیت و حکمرانی (سیاسی، اقتصادی یا نهادی)، رشد اقتصادی، تورم، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، تجارت

## ۵. فرار سرمایه در اقتصاد ایران

در ارتباط با بحث فرار سرمایه در اقتصاد ایران نیز در طی سال‌های اخیر مطالعاتی مختلف اما نه چندان زیادی مورد بررسی قرار گرفته است. با توجه به عوامل تعیین کننده سرمایه که در بخش‌های قبل مورد بررسی قرار گرفته است، اقتصاد ایران نیز از جمله اقتصادهایی است که مستعد فرار سرمایه است. زیرا شاخص‌های اقتصادی نشان می‌دهد که در بسیاری از سال‌های بعد از انقلاب اسلامی، اقتصاد ایران همواره و در اغلب موارد تورمی دورقمی، نوسانات ارزی، بی‌ثباتی سیاسی، نوسانات در نرخ رشد اقتصادی و نرخ بهره، نظام مالیات ستانی معیوب، اعمال شدیدترین تحریم‌های اقتصاد و به همراه آن کاهش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، افزایش بدهی بانک‌ها و بانک مرکزی و غیره را تجربه کرده است که تمامی این فاکتورها نشان دهنده مستعد بودن اقتصاد ایران برای فرار سرمایه و نقدینگی از کشور است. از طرف دیگر غنای ایران در منابع طبیعی از جمله منابع سرشار انرژی از جمله نفت و گاز و منابع معدنی و غیره، نیز می‌تواند نقش مهمی در تشدید این فرار سرمایه داشته باشد. با این حال در ادامه به چند نمونه از این مطالعات خواهیم پرداخت:

شکری و خدامرادی (۱۳۹۹) با استفاده از یک رویکرد جدید به بررسی برآورد حجم فرار سرمایه با استفاده از روش باقیمانده در اقتصاد ایران و عوامل موثر بر آن در طی دوره زمانی ۱۳۵۵ تا ۱۳۹۷ پرداختند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که در سال‌های اولیه انقلاب و جنگ، اقتصاد ایران فرار سرمایه زیادی را تجربه کرده است. بیشترین فرار سرمایه مربوط به سال ۱۳۹۰ برابر ۸۱ هزار میلیون دلار (۸۱ میلیارد دلار) و کمترین مربوط به سال ۱۳۷۶ به میزان منفی ۶۲ میلیارد دلار بوده است. همچنین دیگر نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که افزایش نوسانات ارزی، کسری بودجه دولت و تورم ارتباط مثبتی با فرار سرمایه در اقتصاد ایران در این سال‌ها داشته است و از طرف دیگر افزایش در ذخایر خارجی منجر به کاهش فرار سرمایه در اقتصاد ایران شد.

<sup>۱</sup> Brada et al

<sup>۲</sup> Efobi and Asongu

<sup>۳</sup> Asongu & Nnanna

زارع و همکاران (۱۳۹۶) به بررسی عوامل موثر سیاسی و هزینه‌ای بر فرار سرمایه در کشورهای منتخب نفتی در طی سال‌های ۱۳۵۲-۱۳۹۲ پرداختند. در این مقاله فرار سرمایه بر اساس رویکرد دولی<sup>۱</sup> (۱۹۸۸) و روش باقیمانده استخراج شد. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد ثبات سیاسی نقش مهمی در جذب سرمایه و کاهش فرار سرمایه در این کشورها داشته است و افزایش آزادسازی تجاری و مالی نیز رابطه منفی با فرار سرمایه دارد. از طرف دیگر بی‌ثباتی و نوسان در نرخ ارز و کاهش ارزش پول سبب تشویق فرار سرمایه از این کشورها شده است.

مکیان و پیروز (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی تاثیر عوامل اقتصادی بر فرار سرمایه در ایران» با استفاده از مدل خودتوضیح برداری، و در بازه زمانی ۱۳۶۰-۱۳۹۴ این موضوع را مورد بررسی قرار داد. در این مقاله فرار سرمایه با استفاده از مدل باقیمانده بانک جهانی برای ایران استخراج شد. با توجه به این مقاله، بیشترین حجم فرار سرمایه مربوط به سال ۱۳۹۰ با رقمی معادل ۸۱ میلیارد دلار و کمترین آن مربوط به سال ۱۳۷۰ بوده است. در دوره میان مدت شوک رشد اقتصادی تاثیر معناداری بر کاهش فرار سرمایه دارد و همچنین شوک نرخ ارز اثرات نوسانی بر فرار سرمایه داشته است.

اسدزاده و همکاران (۱۳۹۴) به بررسی ارتباط بین فرار سرمایه و سرمایه‌گذاری کل در کشورهای منطقه منا در طول دوره ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۱ پرداختند. در این مطالعه برای استخراج شاخص فرار سرمایه از روش متداول باقیمانده-بانک جهانی استفاده شده است. نتایج این تحقیق در چارچوب الگوی پانل نشان می‌دهد که بین سرمایه‌گذاری و فرار سرمایه رابطه منفی و معناداری وجود دارد. همچنین دیگر نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که رابطه مثبتی بین رشد اقتصادی و پس‌انداز با سرمایه‌گذاری در این کشورها وجود دارد.

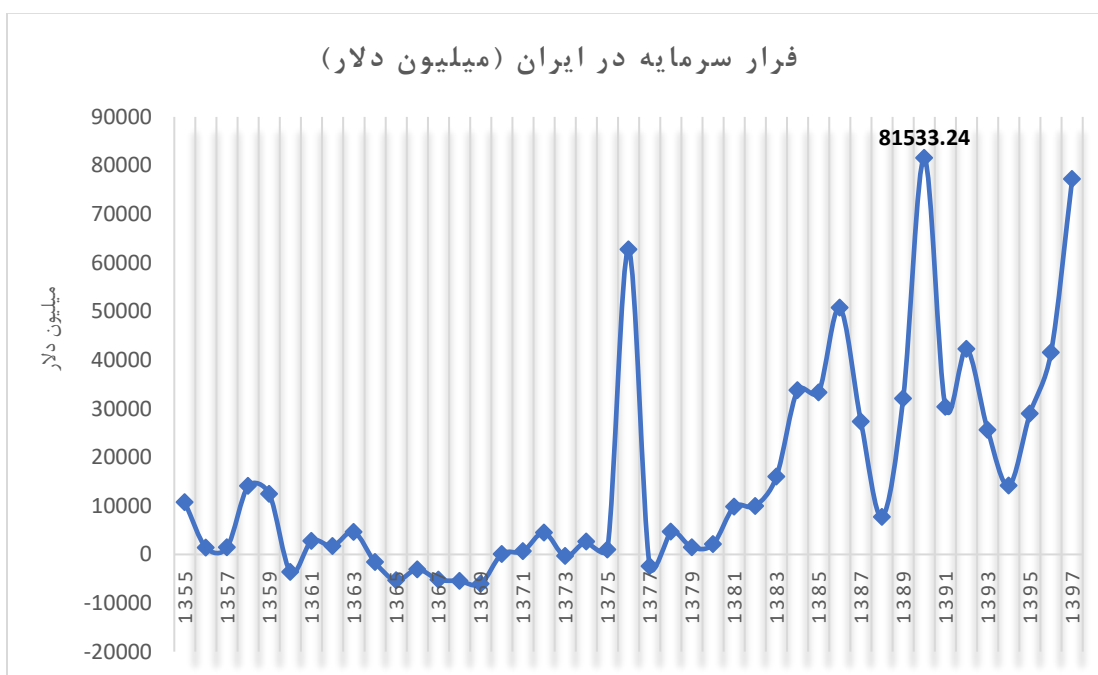
تقی سلطانی و پورغفار دستجردی (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان «جهانی شدن و تاثیر آن بر درآمدهای مالیاتی در ایران»، به این مهم دست یافتند که وقفه درآمدهای مالیاتی و کسری بودجه رابطه مثبتی با فرار سرمایه دارد و همچنین متغیرهای امنیت سرمایه‌گذاری، نرخ بهره و نرخ ارز رابطه منفی با فرار سرمایه دارند.

افشاری و همکاران (۱۳۸۹) به بررسی ارتباط بین سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و فرار سرمایه در کشورهای منتخب منطقه منا در دوره ۱۹۹۱-۲۰۰۶ در چارچوب الگوی داده‌های تابلویی پرداختند. در یک الگو در این مطالعه مجموع خالص جریان سرمایه‌گذاری خارجی، تغییر در بدهی خارجی، مازاد بودجه دولت و تغییر در ذخایر به عنوان شاخص فرار سرمایه در نظر گرفته شده است و در الگوی دوم دارایی خارجی سیستم بانکی نیز به آن اضافه شده است. نتایج حاصل از این تحقیق نشان می‌دهد که با افزایش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، فرار سرمایه نیز در این کشورها افزایش یافته است.

---

<sup>۱</sup> Dooley

آمار فرار سرمایه در اقتصاد ایران که توسط شگری و خدامرادی (۱۳۹۹) بر اساس روش باقیمانده بانک جهانی محاسبه شده است و همچنین توسط محقق این طرح نیز مورد ارزیابی مجدد قرار گرفته و اثبات شده است، نشان می‌دهد که فرار سرمایه در اقتصاد ایران با نوسانات زیادی همراه بوده است. در یک دهه اخیر ما شاهد افزایش فرار سرمایه در اقتصاد ایران بوده‌ایم که با بی‌ثباتی اقتصادی ایران و تحریم‌های اقتصادی و نوسانات بالای نرخ تورم، نرخ ارز، نرخ بهره و بودجه دولتی در یک دهه اخیر نیز همسازگار می‌باشد.



نمودار (۲): روند فرار سرمایه در اقتصاد ایران

منبع: شگری و خدامرادی (۱۳۹۹) و بازنویسی محقق

جدول (۲) نشان می‌دهد که میانگین فرار سرمایه در اقتصاد ایران بیش از ۱۵ میلیارد دلار در طی سال‌های ۱۳۵۵ الی ۱۳۹۷ برآورد شده است و از طرف دیگر حداکثر میزان فرار سرمایه در سال ۱۳۹۰ به میزان بیش از ۸۱ میلیارد دلار تخمین زده شده است. همچنین کل میزان فرار سرمایه در طی این چهار دهه بیش از ۶۵۸ میلیارد دلار برآورد شده است.

جدول (۲): آمار توصیفی فرار سرمایه در ایران

متغیر	میانگین	میانه	انحراف معیار	حداکثر	حداقل	مجموع
فرار سرمایه	۱۵۳۰۴۶	۴۶۹۲۰۴	۲۲۰۴۸	۸۱۵۳۳	-۶۰۷۲	۶۵۸۰۹۸

منبع: محاسبات محقق

## ۶. استان کرمان

استان کرمان با دارا بودن توانمندی‌ها و ظرفیت‌های گسترده در بخش‌های مختلف اقتصادی از مزیت پذیرترین استان‌های کشور است. این استان به عنوان یک از قطب‌های صنعتی، کشاورزی و معدنی کشور به شمار می‌آید که در جنوب شرقی فلات ایران با مساحت بیش از ۱۸۲ هزار کیلومتر مربع واقع شده و بیش از ۱۱ درصد از مساحت کل کشور را به خود اختصاص داده است و از حیث مساحت تقریباً همراه با استان سیستان و بلوچستان، بزرگترین استان کشور به شمار می‌آید. این استان از شمال به استان‌های یزد و خراسان جنوبی، از جنوب به استان هرمزگان، از شرق به سیستان و بلوچستان و از غرب به استان فارس محدود شده است. پتانسیل در بخش کشاورزی، معادن گسترده، صنایع پیشرو، تنوع اقلیمی، نیرو متخصص و جوان، جاذبه‌های متنوع و فراوان گردشگری، دارا بودن مناطق ویژه اقتصاد فعال، مزیت در انرژی تجدیدپذیر و صنعت برق، همچنین دارا بودن ظرفیت‌های اجتماعی فرهنگی و دیگر ویژگی‌ها، شرایط خاصی را پیش روی استان در جهت دستیابی به یک توسعه پایدار قرار داده است.

در چشم انداز توسعه و طرح آمایش سرزمین استان بیان شده است که «استان کرمان استانی است توسعه یافته، پایدار و برخوردار از عدالت همه جانبه و فراگیر با تاکید بر کاهش عدم تعادل و توازن شمال و جنوب استان دست یافته به اقتصاد پویا، پیشتاز و رقابتی با اولویت معدن، صنعت، کشاورزی، گردشگری و صنایع دستی، دست یافته به صنایع و تکنولوژی برتر کشف، استخراج و فرآوری معدنی به عنوان قطب اصلی معدن ایران در مقیاس ملی و فراملی با تکیه بر توسعه بهره‌برداری در صادرات ذخایر ارزشمند و نقش آفرین به عنوان قطب کشاورزی دانش بینان با تاکید بر توسعه و صادرات باغی در سطح فراملی ...».

یکی از مهمترین اهداف استان که در سند آمایش استان به آن اشاره شده است در ارتباط با اقتصاد و سرمایه‌گذاری است که شامل: برنامه تسهیل و جذب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی و جلب مشارکت‌ها، برنامه بهبود فضای کسب و کار، برنامه توسعه زیر ساخت‌های صادراتی، برنامه تسهیل تجارت و برنامه توسعه اشتغال و کارآفرینی می‌باشد. این دیدگاه نشان می‌دهد که سیاست‌گذاران در استان اهداف مهمی و قابل توجهی در جهت افزایش جذب سرمایه‌گذاری و کاهش فرار سرمایه در استان برای رشد و توسعه اقتصادی دارند.

بر طبق آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۵، جمعیت استان کرمان در این سال برابر ۳۱۶۴۷۱۸ نفر بوده است که در مقایسه با سرشماری سال ۱۳۹۰، جمعیت این استان معادل ۱/۵ درصد رشد داشته است. از حیث جمعیت، استان کرمان در سال ۱۳۹۵ حدود ۴ درصد از سهم کل جمعیت کشور را به خود اختصاص داده و از این جهت، رتبه ۹ در کل کشور را داشته است. بر اساس سالنامه آماری مرکز آمار ایران، برآورد جمعیتی استان در سال ۱۳۹۸ برابر ۳۲۹۹۰۰۰ نفر می‌باشد که حدود ۳/۹ درصد از کل جمعیت کشور را به خود اختصاص داده است که از این تعداد ۱۶۸۴۰۰۰ در منطقه شهری و ۱۶۱۶۰۰۰ در مناطق روستایی هستند که



معادل ۵۱ درصد در مناطق شهری و ۴۹ درصد در مناطق روستایی را تشکیل می‌دهد. جدول (۳) به مقایسه جمعیت استان کرمان با استان‌های همسایه بر اساس گزارش سرشماری نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۵ را نشان می‌دهد:

جدول (۳): مقایسه جمعیت و مساحت استان کرمان با استان‌های منطقه

استان	کرمان	یزد	هرمزگان	فارس	سیستان و بلوچستان	خراسان جنوبی
جمعیت	۳۱۶۴۷۱۸	۱۱۲۸۵۳۳	۱۷۷۶۴۱۵	۴۸۵۱۲۷۴	۲۷۷۵۰۱۴	۷۶۸۸۹۸
سهم جمعیت از کل کشور (درصد)	۴	۱/۴	۲/۲	۶/۱	۳/۵	۱
رتبه جمعیتی در کل کشور	۹	۲۴	۱۵	۴	۱۰	۲۸
مساحت (کیلومتر مربع)	۱۸۱۱۵۲/۳	۷۳۸۲۳/۸	۷۱۰۸۸/۴	۱۲۲۱۹۹/۴	۱۸۲۳۱۲/۱	۱۵۱۰۱۸
سهم مساحت به کل کشور (درصد)	۱۱	۴/۵	۴/۳	۷/۴	۱۱	۹/۲
رتبه مساحت در کل کشور	۲	۸	۹	۴	۱	۳

منبع: سالنامه آماری کشور و محاسبات محقق

این آمار نشان می‌دهد که در منطقه بر اساس سهم جمعیتی، استان کرمان بعد از استان فارس بیشترین سهم از جمعیت کل کشور را به خود اختصاص داده است و بعد از آن به ترتیب استان‌های سیستان و بلوچستان، هرمزگان، یزد و خراسان جنوبی قرار دارند.

استان کرمان در وضعیتی قرار دارد که می‌تواند از ظرفیت‌های طبیعی و معدنی و فرصت‌های سرمایه‌گذاری استفاده کند، اما آمار و ارقام نشان می‌دهد که فضای نامطلوب کسب و کار، سخت بودن امکان استفاده از تسهیلات بانکی، صدور اخذ مجوز دست و پا گیر و نااطمینانی دستگاه‌های دولتی تا حدودی موجب عدم تمایل سرمایه‌گذاران برای ورود به سرمایه‌گذاری در استان شده است. از این رو ابتدا به بررسی وضعیت شاخص‌های تعیین کننده فرار سرمایه در استان خواهیم داشت تا یک نگاه کلی به وضعیت استان چه در ابعاد اقتصادی و چه در ابعاد فضای کسب و کار داشته باشیم تا بتوانیم درک بهتری نسبت به وضعیت استان نسبت به کل کشور و استان‌های منطقه داشت و سپس به برآورد میزان فرار سرمایه در استان خواهیم پرداخت.

## ۷. شاخص‌های کلیدی عوامل تعیین کننده فرار سرمایه در استان کرمان

برای بررسی عوامل تعیین کننده سرمایه در استان، در ابتدا به بررسی شاخص‌های اقتصادی و کسب و کار استان خواهیم پرداخت.

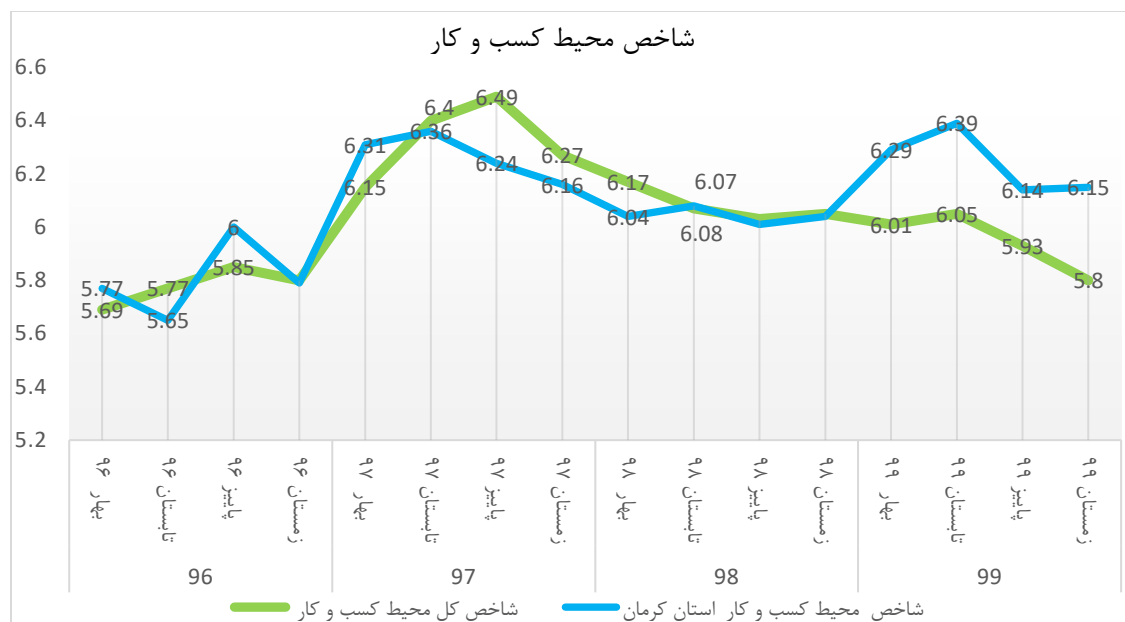
## ۷/۱ شاخص‌های کسب و کار و سرمایه‌گذاری

### ۷/۱/۱ بررسی شاخص پایش ملی محیط کسب و کار

یکی از مهمترین شاخص‌هایی که نقش مهمی در فرار سرمایه دارد شاخص محیط کسب و کار است به طوری که هر چه این شاخص در وضعیت بهتری قرار داشته باشد نشان دهنده بهبود فضای سرمایه‌گذاری در آن استان می‌باشد و نقش مهمی در کاهش فرار سرمایه و از طرفی دیگر افزایش جذب سرمایه دارد. امروزه بهبود فضای کسب و کار یکی از راهبردهای رشد و توسعه بخش‌های خصوصی به شمار می‌آید و مجموعه‌ای از عوامل نهادی به طور منسجم در قالب محیط کسب و کار مورد بررسی و مطالعه قرار می‌گیرد. توسعه اقتصادی هر کشور مستلزم یک محیط کسب و کار مطلوب می‌باشد و هر چه محیط کسب و کار بهتر باشد منجر به بهره‌برداری بیشتر از فرصت‌های کارآفرینی و بیشتر شدن عملکرد اقتصادی و در نتیجه خلق ثروت خواهد شد.

شاخص محیط کسب و کار در طی سال‌های اخیر توسط مرکز پژوهش‌های اتاق بازرگانی ایران محاسبه و اعلام می‌گردد. محاسبه این شاخص بر اساس محاسبات بر روی ۷۰ نماگر که شامل ۴۲ مولفه آماری و ۲۸ مولفه پیمایشی است استخراج می‌شود. شاخص محیط و کسب و کار محاسبه شده رقمی بین ۱ تا ۱۰ می‌باشد که ۱ بهترین عملکرد و ۱۰ بدترین عملکرد را نشان می‌دهد. بالاتر بودن این شاخص به معنای بدتر شدن فضای کسب و کار است و پایین‌تر بودن آن به معنای بهبود فضای کسب و کار می‌باشد.

نمودار (۳) و جدول (۴) به بررسی و مقایسه شاخص فصلی محیط کسب و کار استان کرمان با کل کشور در بهار سال ۱۳۹۶ تا زمستان سال ۱۳۹۹ می‌پردازد. با توجه به نمودار روند شاخص نوسانی بوده است به طوری که در برخی از فصول از جمله فصول مربوط به سال‌های ۹۹ میزان شاخص محیط کسب و کار استان کرمان بالاتر از میانگین کل کشور بوده است که نشان دهنده نامساعد بودن فضای کسب و کار در استان می‌باشد. در مابقی فصول بین سال‌های ۱۳۹۶ تا ۱۳۹۸، در برخی از دوره‌ها شاخص استانی پایین‌تر از میانگین کل کشور و در برخی از سال‌های نیز بالاتر از میانگین کل کشور نشان داده می‌شود.



نمودار (۳): مقایسه شاخص محیط کسب و کار استان کرمان و کل کشور به صورت فصلی

همچنین آمار توصیفی نشان می‌دهد که بالاترین میزان این شاخص برابر ۶/۳۹ مربوط به تابستان سال ۱۳۹۹ و کمترین آن برابر ۵/۶۵ مربوط به تابستان سال ۱۳۹۶ می‌باشد. روند این شاخص نشان دهنده بدتر شدن وضعیت محیط کسب و کار در استان است. شاخص استانی از زمستان سال ۱۳۹۸ تا زمستان ۱۳۹۹ به میزان ۱/۸ درصد رشد داشته است در صورتی که این نسبت برای کل کشور رشد منفی ۴/۱ درصد را تجربه کرده است.

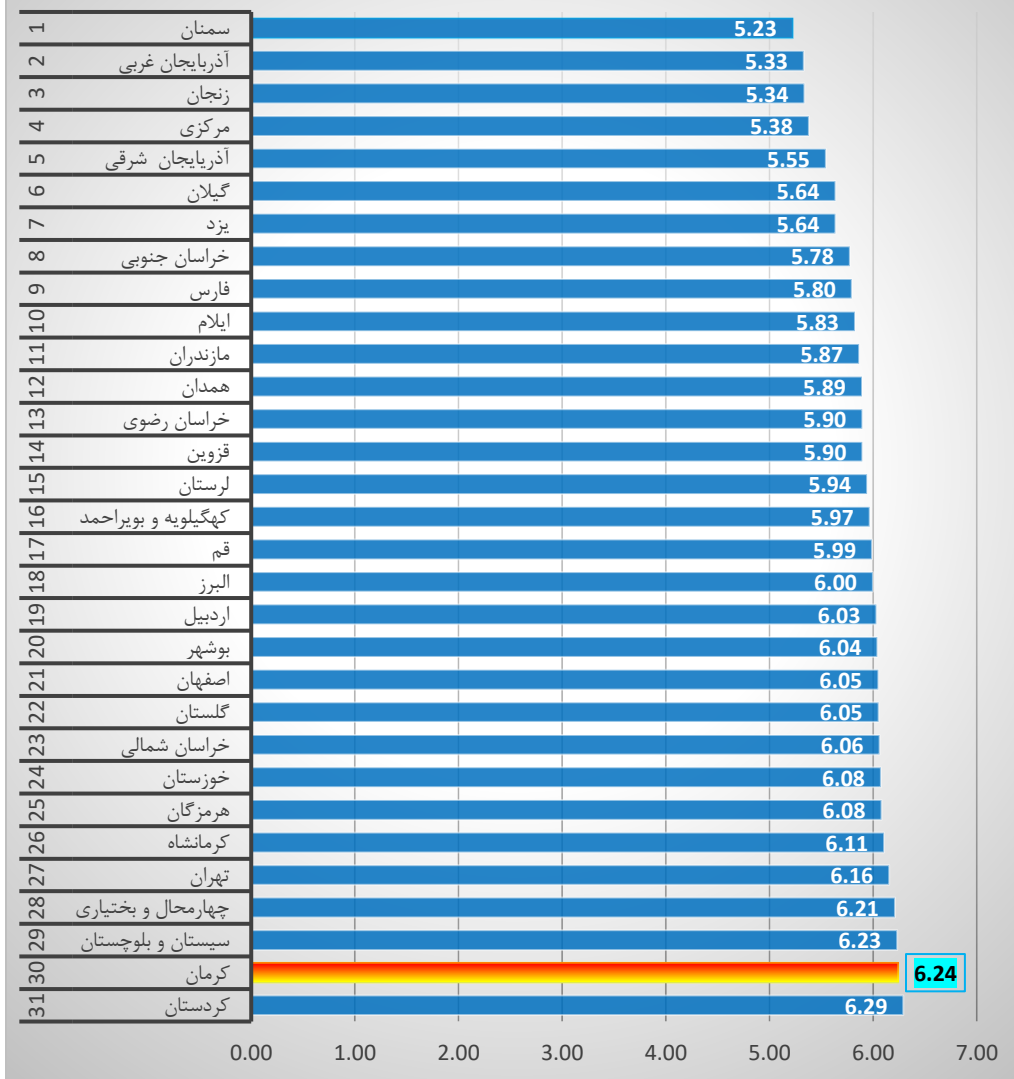
جدول (۴): آمار توصیفی شاخص محیط کسب طی دوره ۱۳۹۶-۱۳۹۹

متغیر	میانگین	میانه	انحراف معیار	حداکثر	حداقل
شاخص محیط کسب استان	۶/۰۸	۶/۱۱	۰/۲۱	۶/۳۹	۵/۶۵
شاخص محیط کسب کل	۶/۰۳	۶/۰۴	۰/۲۲	۶/۴۹	۵/۶۹

منبع: محاسبات محقق

نمودار (۴) به بررسی مقایسه شاخص محیط کسب و کار در ۳۱ استان کشور در سال ۱۳۹۹ می‌پردازد. همان‌طور که در نمودار مشخص است، در سال ۱۳۹۹ در بین ۳۱ استان کشور، استان کرمان با میانگین شاخص ۶/۲۴، رتبه ۳۰ ام را در بین استان‌های کشور به خود اختصاص داده است که نشان دهنده وضعیت بسیار نامطلوب محیط کسب و کار در بین استان‌های کشورها است و تنها استان کردستان در وضعیت بدتری از استان کرمان قرار گرفت. در طی این سال استان‌های سمنان، آذربایجان غربی و زنجان بهترین عملکرد را در این زمینه داشته‌اند. همچنین در زمستان سال ۱۳۹۹ نیز استان کرمان با شاخص معادل ۶/۱۵ بعد از استان کردستان، در بدترین وضعیت قرار گرفته است.

### شاخص محیط کسب و کار استانی سال ۱۳۹۹

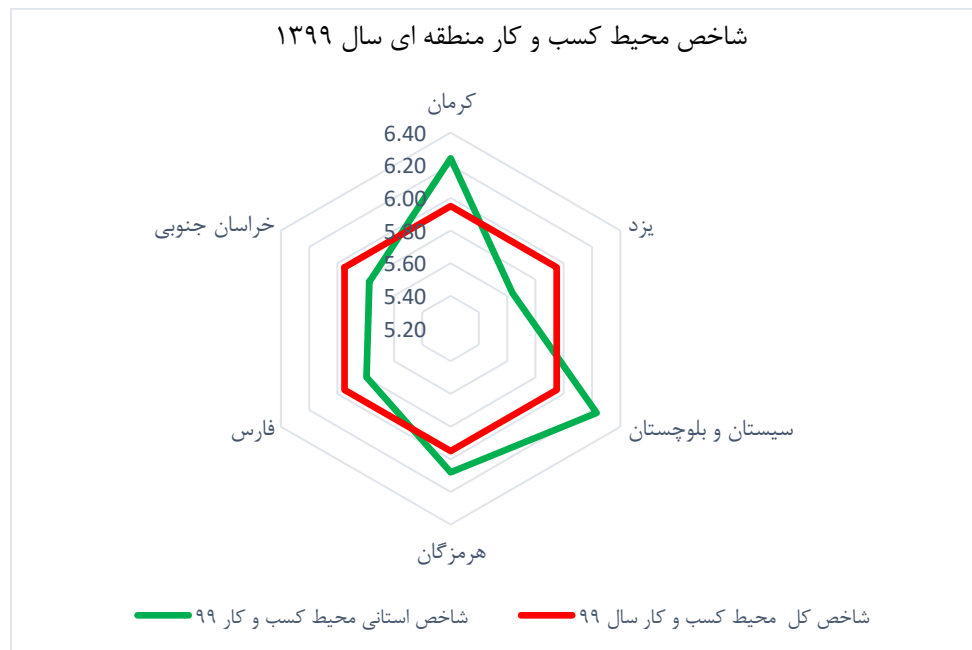


نمودار (۴): میانگین شاخص محیط کسب و کار استان‌ها در سال ۱۳۹۹

البته باید بیان کرد که برای کل دوره چهارساله بین سال‌های ۱۳۹۶-۱۳۹۹، رقم شاخص محیط کسب و کار برای استان کرمان برابر ۶/۰۹ بوده است که رتبه دهم را از نظر نامساعدترین شرایط فضای کسب و کار بین ۳۱ استان کشور را به خود اختصاص داده است. در طول این دوره چهار ساله، استان‌های آذربایجان غربی، گیلان و زنجان به ترتیب مساعدترین شرایط در فضای کسب و کار در کشور را داشتند.

از طرف دیگر نمودار (۵) نشان می‌دهد که در بین پنج استان منطقه و همسایه جغرافیایی، در سال ۱۳۹۹ استان کرمان با شاخص ۶/۲۴ بدترین وضعیت را در بحث فضای کسب و کار بین استان‌های منطقه داشته است و بعد از

استان کرمان، استان‌های سیستان و بلوچستان و هرمزگان به ترتیب با میانگین ۶/۲۳ و ۶/۰۸ بدترین عملکرد و استان یزد با میانگین ۵/۶۴ بهترین عملکرد فضای کسب و کار را در منطقه دارا می‌باشند.



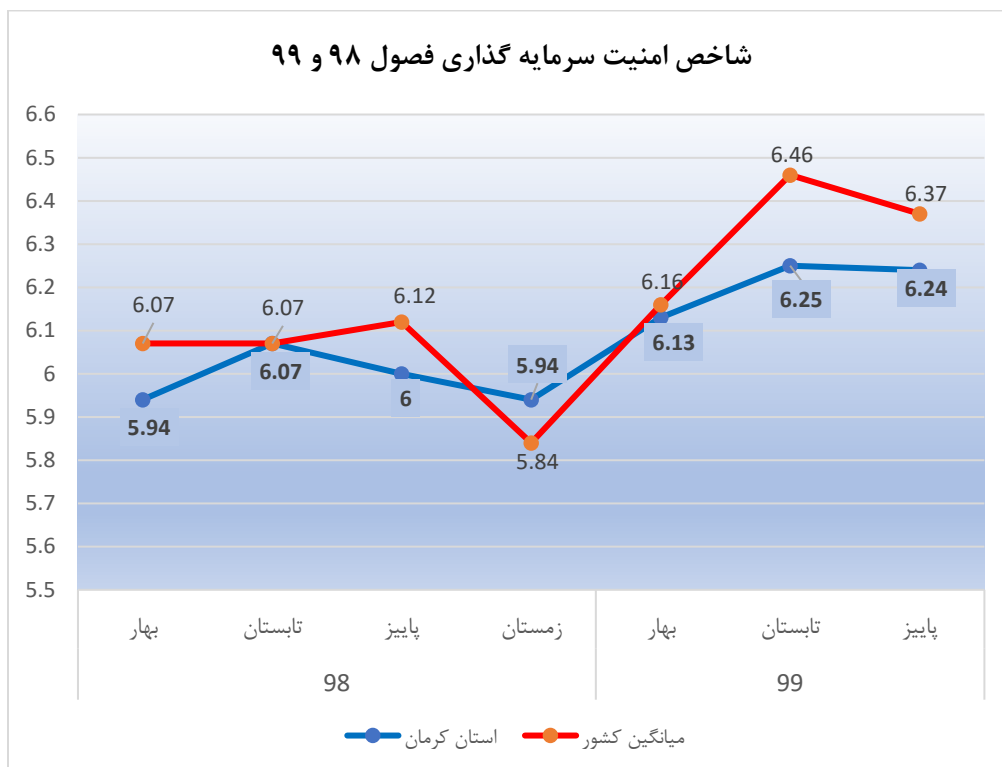
نمودار (۵): مقایسه شاخص محیط کسب و کار استان کرمان و استان‌های منطقه در سال ۱۳۹۹

## ۷/۱/۲ شاخص امنیت سرمایه گذاری

یکی از شاخص‌های مهم دیگری که در طی سال‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته است، شاخص پایش امنیت سرمایه‌گذاری است. این شاخص از سال ۱۳۹۷ به صورت فصلی و سالانه توسط مرکز پژوهش‌های مجلس منتشر می‌شود و گزارش‌های آن بر اساس اسناد رسمی و در دسترس و با استفاده از ابزار پرسشنامه تهیه می‌شود. این گزارش‌ها با روش‌های پیمایشی و آماری، نماگرها و مولفه‌های موثر در سرمایه‌گذاری استان‌ها و بخش‌های اقتصادی ایران را ارزیابی کرده و با تلفیق آن با روش‌های علمی، شاخص ملی امنیت سرمایه‌گذاری استخراج می‌شود. اعداد این شاخص رقمی ما بین ۱ تا ۱۰ است که ۱ نشان دهنده بهترین عملکرد و ۱۰ نشان دهنده بدترین عملکرد است. آنچه شاخص امنیت سرمایه‌گذاری مورد بررسی قرار می‌دهد بیشتر مربوط به ثبات قوانین و مقررات، سلامت اداری، تضمین حقوق مالکیت، فرهنگ وفای به عهد در بازارها و ... است که تحت تاثیر عوامل خارجی نیست و این شاخص زیرمجموعه‌ای از شاخص پایش ملی محیط کسب و کار است.

نمودار (۶) نشان می‌دهد که در بین فصول سال‌های ۱۳۹۸-۱۳۹۹ در اکثر دوره‌ها، میانگین شاخص امنیت سرمایه‌گذاری استان کرمان پایین‌تر از میانگین کشوری است که نشان دهنده وضعیت مطلوب امنیت سرمایه‌گذاری در

استان کرمان می‌باشد. به عنوان نمونه در پاییز سال ۱۳۹۹ میزان این شاخص برای استان کرمان ۶/۲۴ و برای کل کشور ۶/۳۷ برآورد شده است. به طور کلی این شاخص نشان می‌دهد که در کل فصول سال ۱۳۹۹ شاخص امنیت سرمایه‌گذاری در استان کرمان در وضعیت مناسب‌تری در مقایسه با کل کشور قرار داشته است.



نمودار (۶): مقایسه شاخص امنیت سرمایه‌گذاری استان کرمان و کل کشور

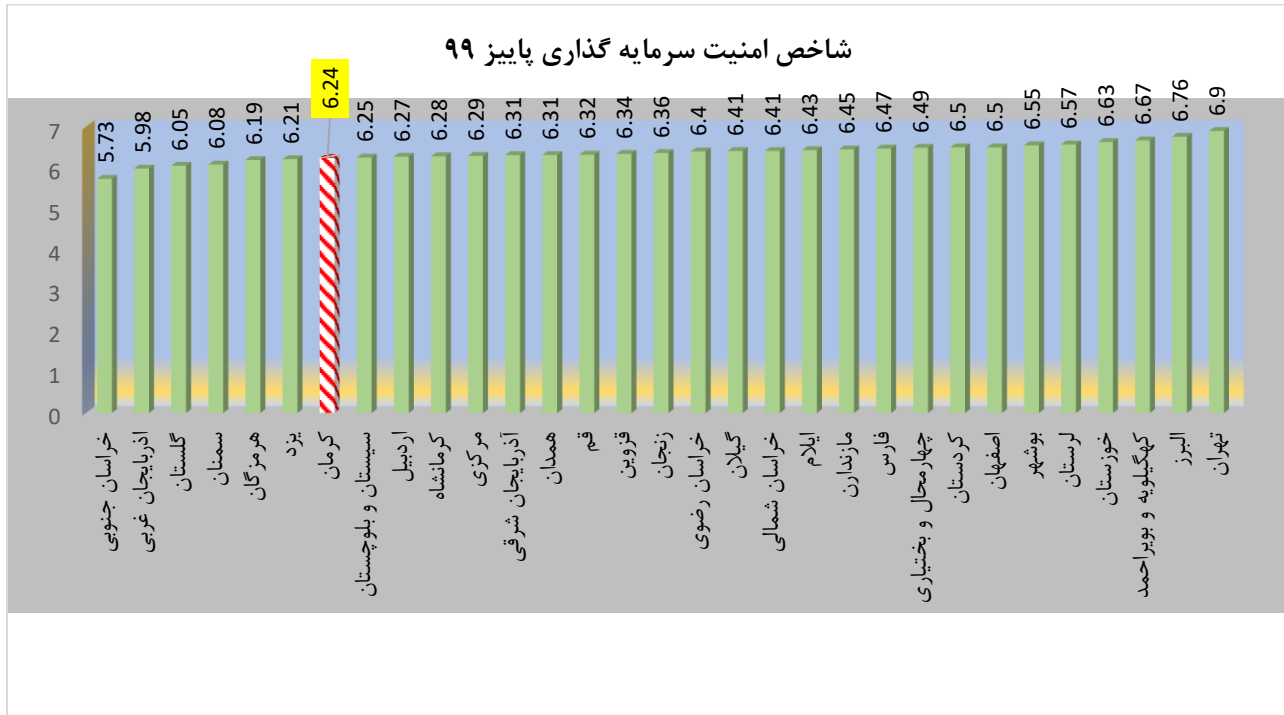
جدول (۵) نشان می‌دهد که از لحاظ عملکرد مطلوب، در تابستان و پاییز سال ۱۳۹۹ استان کرمان از لحاظ امنیت سرمایه‌گذاری به ترتیب جز ۴ و ۷ استان برتر کشور بوده است که نشان دهنده وضعیت مناسب استان کرمان در بحث امنیت سرمایه‌گذاری می‌باشد.

جدول (۵): رتبه استان کرمان از نظر شاخص امنیت سرمایه‌گذاری در میان کل استان‌های کشور

سال	بهار ۱۳۹۹	تابستان ۱۳۹۹	پاییز ۱۳۹۹	رتبه استان کرمان در میان ۳۱ استان کشور (از لحاظ عملکرد مناسب شاخص امنیت سرمایه‌گذاری)
سال ۱۳۹۸	۱۲	۴	۷	۱۱

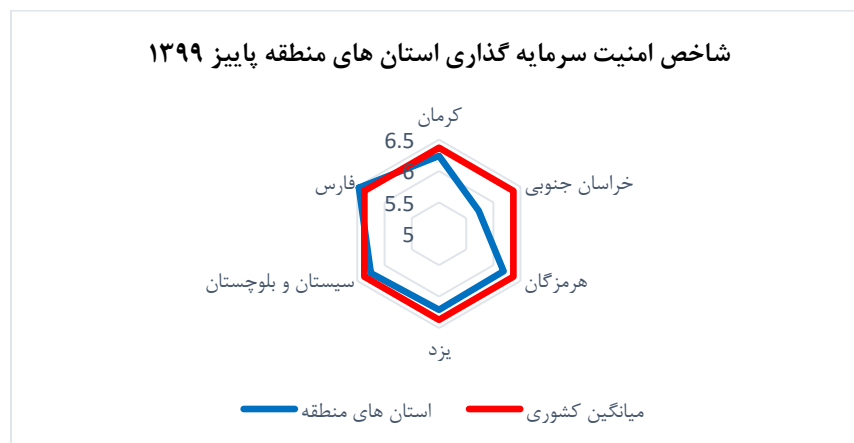
نمودار (۷) به مقایسه شاخص امنیت سرمایه‌گذاری استان‌های کشور در پاییز سال ۱۳۹۹ می‌پردازد. در این دوره استان کرمان با شاخص ۶/۲۴ جز هفت استان برتر کشور از لحاظ فضای مطلوب امنیت سرمایه‌گذاری است و در

این میان، استان‌های تهران و البرز بدترین عملکرد و استان‌های خراسان جنوبی، آذربایجان غربی و گلستان به ترتیب با شاخص ۵/۷۳، ۵/۹۸ و ۶/۰۵ بهترین عملکرد را در بحث فضای امنیت سرمایه گذاری در میان ۳۱ استان کشور را دارا می‌باشند.



نمودار (۷): شاخص امنیت سرمایه گذاری در استان‌های کشور در پاییز سال ۱۳۹۹

از طرف دیگر نمودار (۸) نشان می‌دهد که در استان‌های منطقه در پاییز سال ۱۳۹۹، استان‌های خراسان جنوبی، هرمزگان و یزد وضعیت مطلوب‌تری نسبت به استان کرمان در شاخص امنیت سرمایه گذاری داشتند و استان‌های سیستان و بلوچستان و فارس عملکرد نامطلوب‌تری داشتند.



نمودار (۸): مقایسه عملکرد استان‌های منطقه در شاخص امنیت سرمایه گذاری پاییز ۱۳۹۹

### ۷/۱/۳ شاخص مجوز سرمایه و جاذبه سرمایه‌گذاری

برای پیش‌بینی حرکت سرمایه در مناطق مختلف کشور، یکی از مهمترین شاخص، جوازهایی هستند که برای تاسیس و تولید واحدهای صنعتی صادر می‌شود و این شاخص نشان می‌دهد که کدام منطقه یا استان در کشور بیشترین جاذبه را برای سرمایه‌گذاران ایجاد کرده است. همچنین این شاخص نشان می‌دهد که کدام حوزه‌های صنعتی در طرح و برنامه برای سرمایه‌گذاری قرار گرفته است و این روند و پیش‌بینی‌ها می‌تواند دید روشنی از وضعیت تولیدات آتی و نقاط اشباع و پربازده اقتصادی در اختیار سیاست‌گذار قرار دهد.

بر اساس آمار مربوط به سازمان صنعت و معدن و تجارت، برای استان کرمان در سال ۱۳۹۹ حدود ۹۱۰ فقره جواز تاسیس واحدهای سرمایه‌ای با مجوز سرمایه بیش از ۴۵ هزار میلیارد تومان صادر شده است که نسبت به سال ۱۳۹۸، رشدی معادل ۱۵۸ درصدی در مجوز صادره در سرمایه را تجربه کرده است. همچنین این آمار نشان می‌دهد که از سال ۱۳۹۵ تا سال ۱۳۹۹ مجوز سرمایه صادره از ۳۶۰۰ میلیارد تومان به ۴۵ هزار میلیارد تومان افزایش یافته است که نشان دهنده رشد ۱۱۰۰ درصدی در سرمایه است و همچنین این رشد برای تعداد جواز صادره بیش از ۱۸۰ درصد می‌باشد.

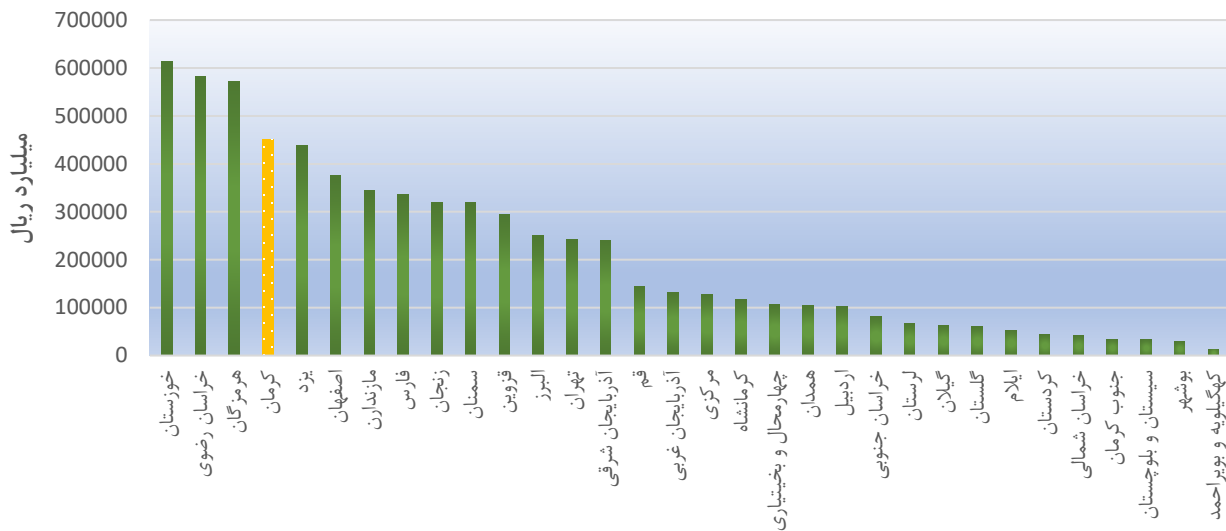
جدول (۶): جواز تاسیس واحدهای صنعتی استان کرمان

۱۳۹۹	۱۳۹۸	۱۳۹۷	۱۳۹۶	۱۳۹۵	
۴۵۰۳۴۰	۱۷۳۸۹۱	۹۴۰۴۶	۵۵۴۵۳	۳۶۸۴۲	مجوز سرمایه (میلیارد ریال)
۱۵۸٪	۸۴٪	۷۰٪	۵۰٪	-۴۹٪	رشد مجوز سرمایه
۹۱۰	۶۳۶	۵۰۶	۴۳۷	۳۲۲	تعداد جواز صادره
۴۳٪	۲۵٪	۱۵٪	۳۵٪	۸٪	رشد تعداد جواز صادره

همانطور که نمودار (۹) نشان می‌دهد، در مقایسه با استان‌های کشور در سال ۱۳۹۹، استان کرمان بعد از استان‌های خوزستان، خراسان رضوی و هرمزگان، چهارمین استان برتر کشور از لحاظ اخذ مجوز سرمایه صادره می‌باشد که از لحاظ نسبت سهم کل کشور، حدود ۶/۶۸ درصد از سهم کل مجوزهای سرمایه‌ای صادره در کشور را به خود اختصاص داده است. در این تحلیل استان خوزستان ۹/۱ درصد و استان خراسان رضوی نیز ۸/۶ درصد از سهم کل مجوزهای سرمایه صادره در کل کشور را به خود اختصاص داده‌اند. همچنین در این پیش‌بینی، استان‌های کهگیلویه و بویر احمد، بوشهر و سیستان و بلوچستان کمترین میزان از پیش‌بینی مجوز سرمایه را داشته‌اند.



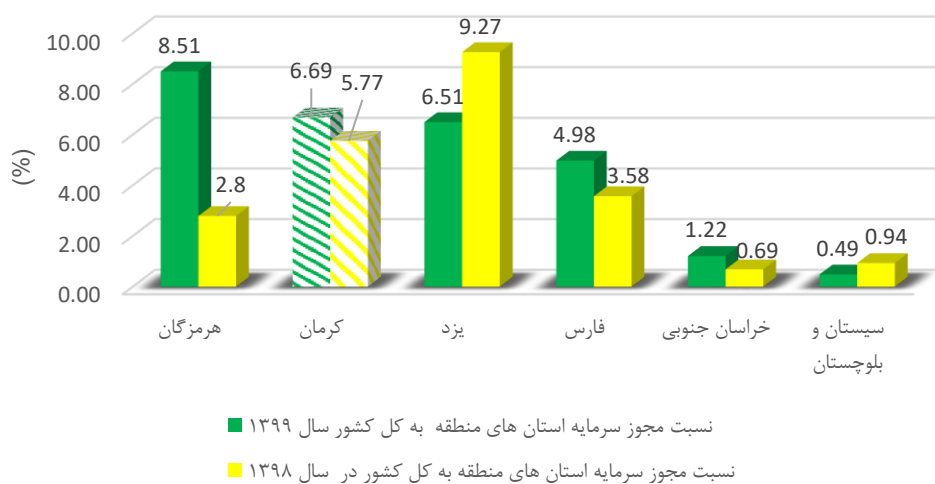
### مجوز سرمایه صادره سال ۱۳۹۹



نمودار(۹): پیش‌بینی مجوز سرمایه صادره سال ۱۳۹۹ در استان‌های کشور

نمودار(۱۰) نشان می‌دهد که در سال ۱۳۹۹ در منطقه، استان هرمزگان بیشترین جذابیت در سرمایه‌گذاری واحدهای صنعتی با سهم ۸/۵۱ درصد از کل کشور را داشته است و بعد از آن استان کرمان در رتبه دوم قرار دارد. همچنین در سال ۱۳۹۸ استان یزد بیشترین این نسبت با سهم ۹/۲۷ را از آن خود کرده است و مجدداً در این سال استان کرمان در جایگاه دوم منطقه قرار داشته است.

### نسبت مجوز سرمایه استان‌های منطقه به کل کشور ۱۳۹۸-۹۹



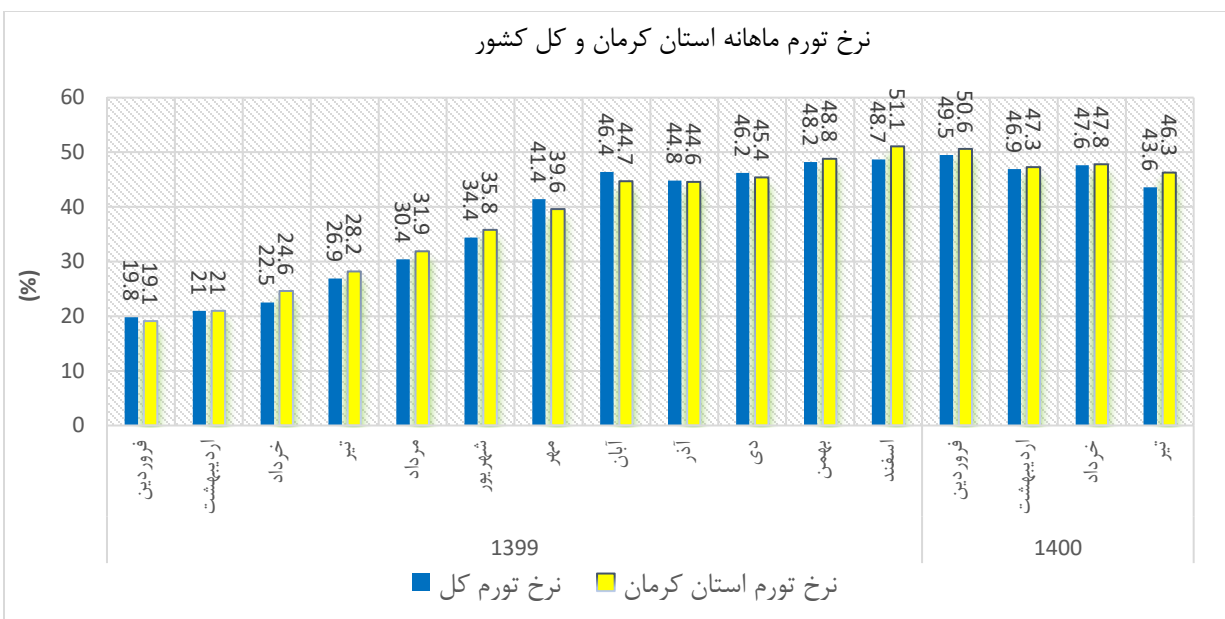
نمودار(۱۰): نسبت مجوز سرمایه صادره استان‌های منطقه ۱۳۹۹-۱۳۹۸

## ۷/۲ شاخص‌های کلان اقتصادی

### ۷/۲/۱ بررسی تورم و شاخص قیمتی مصرف کننده

عوامل مختلفی بر جذب سرمایه‌گذاری و کاهش فرار سرمایه در اقتصاد تاثیر گذار هستند که یکی از مهمترین این عوامل ثبات در سطح اقتصاد کلان است و یکی از معیارهای بررسی وجود ثبات یا بی‌ثباتی در سطح کلان اقتصادی، مشاهده روند تورم و نوسانات آن می‌باشد. به طوری که اگر قیمت‌ها دچار نوسان بالایی شوند عدم وجود ثبات در آن اقتصاد را نشان می‌دهد. نرخ تورم بالا از طریق کاهش اطمینان و اعتماد مردم و شرکت برای تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاری، منجر به کاهش جذب سرمایه و افزایش فرار سرمایه خواهد شد. سطح بالای تورم علاوه بر اختلال در نظام قیمتی، منجر به کاهش پس‌انداز و در نتیجه از بین رفتن انگیزه‌های سرمایه‌گذاری و فرار سرمایه از بخش‌های خصوصی و دولتی به سمت فعالیت‌های سفته‌بازی و دلالی می‌گردد و ریسک فعالیت‌های اقتصادی را افزایش می‌دهد. همچنین افزایش تورم، ارزش فعلی سرمایه‌گذاری‌هایی که با چند دوره تاخیر به بازدهی می‌رسند را کاهش می‌دهد و منجر به ضرر و زیان سرمایه‌گذاری‌های دیر بازده می‌شود. از این رو در این بخش به بررسی سطح تورم استان کرمان و مقایسه آن با سایر استان‌ها خواهیم پرداخت.

نرخ ماهانه تورم و روند آن از فروردین ۱۳۹۹ تا تیرماه ۱۴۰۰ در استان کرمان و مقایسه آن با میانگین کل کشور در نمودار (۱۱) نشان داده می‌شود. در چهار ماه اول سال ۱۴۰۰ نرخ تورم استان بیشتر از میانگین نرخ تورم کل کشور بوده است، به طوری که در فروردین همین سال ما شاهد تورم ۵۰/۶ درصد می‌باشیم که ۰/۹ درصد بیشتر از میانگین تورم کشور در این ماه بوده است. این روند در سال ۱۳۹۹ کمی متفاوت بوده است به طوری که برخی از ماه‌ها نرخ تورم استان کمتر از میانگین کشوری بوده است که می‌توان به ماه‌های فروردین (۱۹/۱)، مهر (۳۹/۶)، آبان (۴۴/۷) و همچنین آذر و دی اشاره کرد و در مابقی ماه‌های نیز تقریباً تورم استانی بیش از تورم کل کشور بوده است و در اسفند سال ۱۳۹۹ به اوج خود برابر ۵۱/۱ درصد رسید.



نمودار (۱۱): مقایسه نرخ تورم استان کرمان و نرخ تورم کل کشور

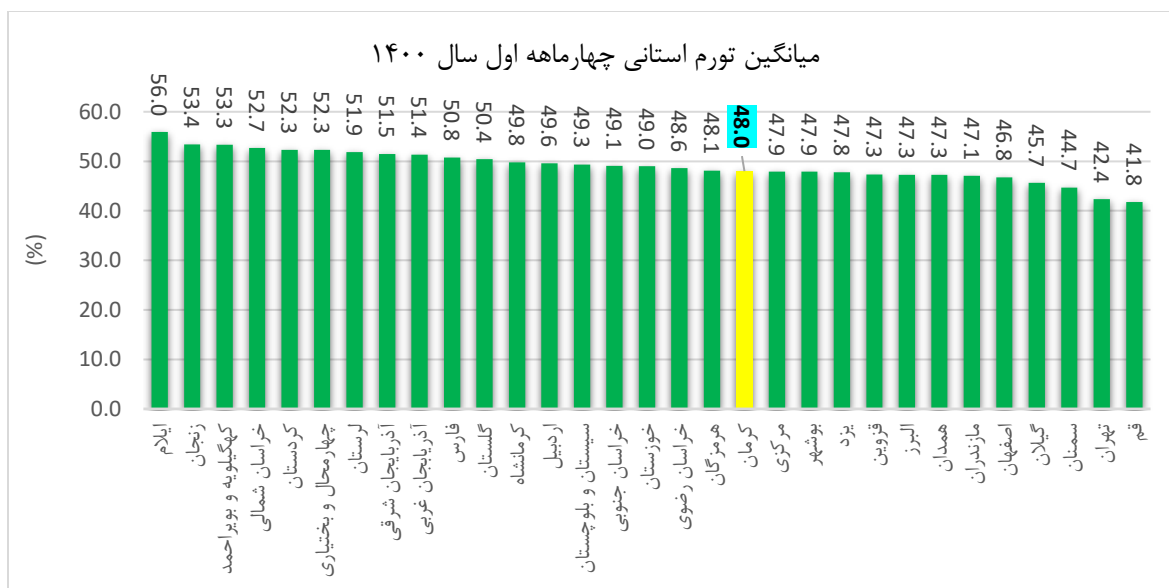
همانطور که از جدول (۷) مشخص است، در طی سال‌های ۱۳۹۹ تا ۱۴۰۰، میانگین نرخ تورم استان کرمان برابر ۳۹/۱ درصد بوده است که بیشترین از میانگین کل کشور که برابر ۳۸/۶ ثبت شد، می‌باشد. همچنین در طی این دوره بیشترین میزان تورم در استان برابر ۵۱/۱ و کمترین آن برابر ۱۹/۱ می‌باشد.

جدول (۷): آمار توصیفی تورم نقطه‌ای طی دوره ۱۳۹۹-۱۴۰۰

متغیر	میانگین	میانه	انحراف معیار	حداکثر	حداقل
تورم استان	۳۹/۱	۴۴/۶	۱۰/۹	۵۱/۱	۱۹/۱
تورم کل	۳۸/۶	۴۴/۲	۱۰/۹	۴۹/۵	۱۹/۸

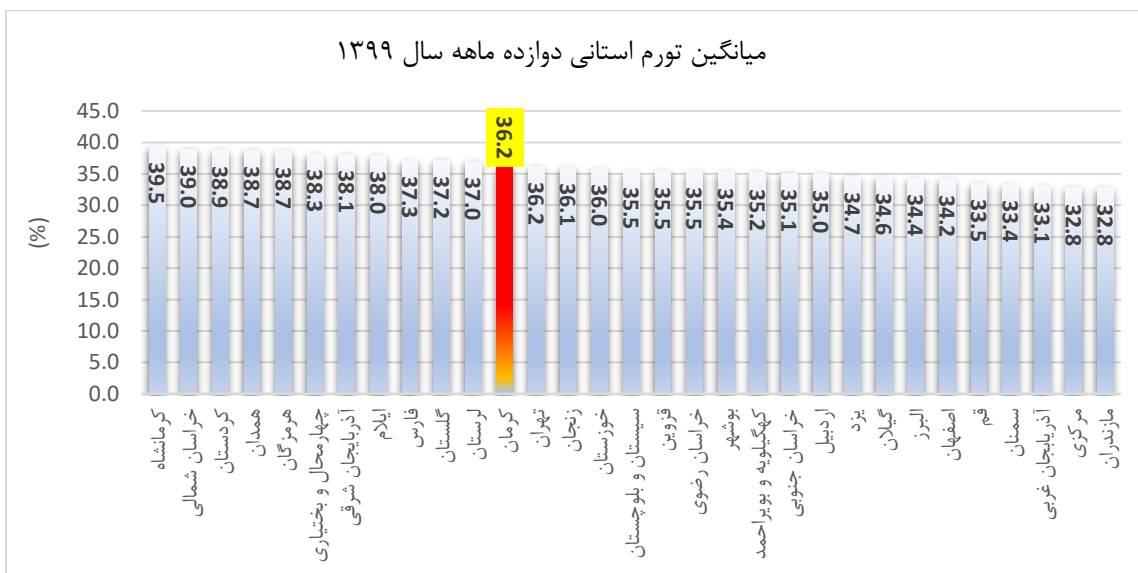
منبع: محاسبات محقق

از طرف دیگر بر اساس نمودار (۱۲)، ما به مقایسه میانگین تورم استان با سایر استان‌های کشور بر اساس آمار چهار ماهه اول سال ۱۴۰۰ پرداختیم. همان‌طور که از نمودار مشخص است، در چهارماهه اول سال ۱۴۰۰، استان‌های قم، تهران و سمنان به ترتیب دارای کمترین تورم و استان‌های ایلام و زنجان و کهگیلویه و بویراحمد، بالاترین تورم را به ثبت رساندند. در طول این دوره استان کرمان با میانگین نرخ تورم ۴۸ درصد رتبه سیزدهم با کمترین تورم را در میان ۳۱ استان به خود اختصاص داده است.



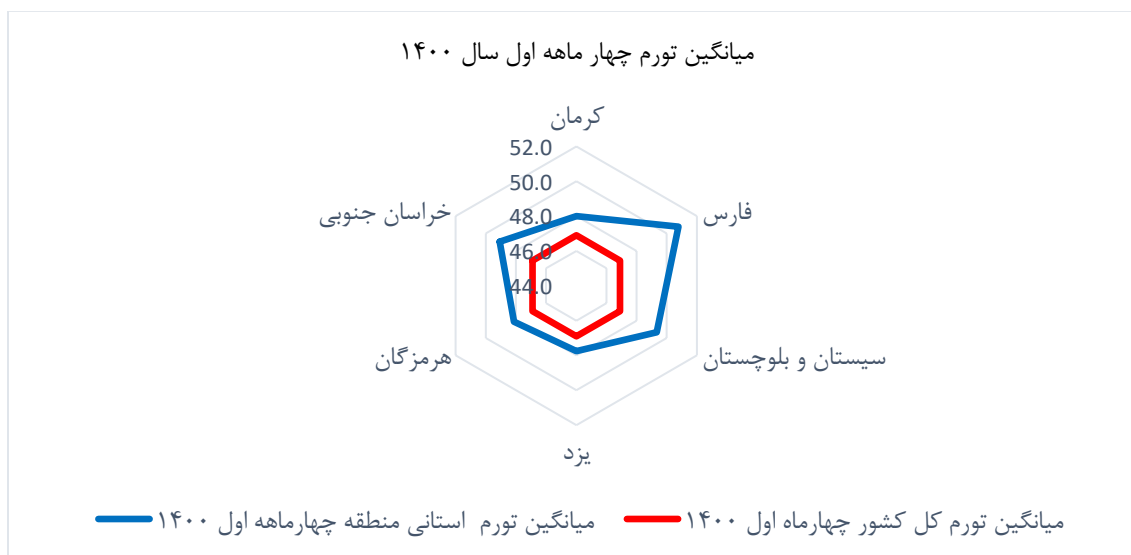
نمودار (۱۲): میانگین نرخ تورم استان‌ها در چهارماه اول سال ۱۴۰۰

از طرف دیگر این آمار برای دوازده ماهه سال ۱۳۹۹ نیز مورد بررسی قرار گرفته که بر اساس آن استان کرمان با میانگین نرخ تورم ۳۶/۲ جز دوازده استان اول کشور با بالاترین نرخ تورم در میان ۳۱ استان را به خود اختصاص داده است و نشان می‌دهد که وضعیت تورم استان در سال ۱۳۹۹ در وضعیت بدتری در میان استان‌های کشور نسبت به چهار ماهه اول سال ۱۴۰۰ مشاهده شد. در دوازده ماهه سال ۱۳۹۹، استان‌های مازندران، مرکزی و آذربایجان غربی به ترتیب کمترین نرخ تورم و استان‌های کرمانشاه، خراسان شمالی و کردستان به ترتیب بیشترین نرخ تورم را به ثبت رسانیده‌اند.



نمودار (۱۳): میانگین نرخ تورم استان‌ها در دوازده ماهه سال ۱۳۹۹

همچنین با توجه به نمودار (۱۴)، در بین استان‌های منطقه نیز در چهار ماه اول ۱۴۰۰ میانگین تورم استان کرمان با میانگین ۴۸ درصد کمتر از استان‌های خراسان جنوبی، هرمزگان، فارس و سیستان و بلوچستان بوده است و تنها استان یزد با میانگین ۴۷/۸ نرخ تورم کمتری از استان کرمان در این دوره داشته است. اما این آمار برای سال ۱۳۹۹ به این صورت است که نرخ تورم استان کرمان بیشتر از استان‌های یزد، خراسان جنوبی و سیستان و بلوچستان بوده است.



نمودار (۱۴): میانگین نرخ تورم استان کرمان و استان‌های منطقه در چهارماه اول سال ۱۴۰۰

## ۷/۲/۲ بررسی حساب‌های منطقه‌ای و استانی (به قیمت جاری)

یکی دیگر از متغیرهای تاثیر گذار بر جذب سرمایه و رشد سرمایه‌گذاری در هر منطقه، متغیر تولید ناخالص داخلی و اجزای آن می‌باشد که نقش مهمی می‌تواند در خروج فرار سرمایه ایفا کند. به طور کلی افزایش رشد اقتصادی و تولید در هر استان باعث افزایش جذب سرمایه می‌شود. زیرا افزایش رشد اقتصادی با حمایت دولت از سرمایه‌گذاران، اعطای تسهیلات به سرمایه‌گذاران، فراهم نمودن زیرساخت‌ها، تخصیص یارانه و کاهش بوروکراسی‌های اداری و بهبود فضای کسب و کار می‌تواند رونق اقتصادی را فراهم و از این طریق منجر به تشویق سرمایه‌گذاران به خصوص سرمایه‌گذاران بخش خصوصی برای سرمایه‌گذاری در منطقه شود.

جدول (۸) میزان تولید ناخالص داخلی به قیمت بازار (جاری) در طول دوره زمانی ۱۳۹۴-۱۳۹۸ را نشان می‌دهد. روند تولید نشان دهنده رشد و شکوفایی اقتصادی استان در طول سال‌های گذشته است به طوری که در طی این دوره پنج ساله، میانگین رشد اقتصادی استان بیش از ۲۴ درصد می‌باشد. همچنین در بین سال‌های ۱۳۹۷ الی

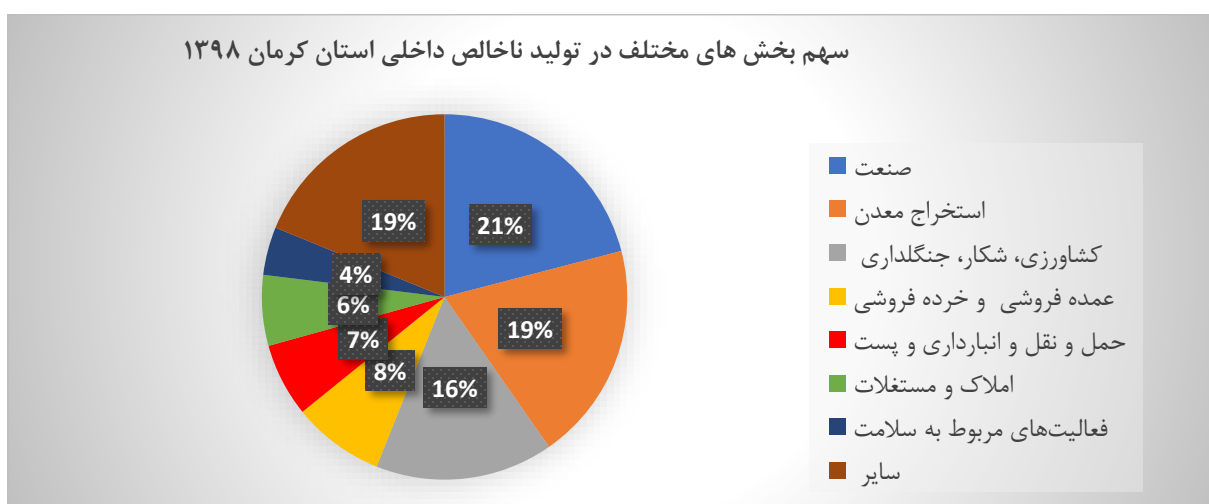
۱۳۹۸، سطح تولید ناخالص داخلی استان از ۷۶ هزار میلیارد تومان به بیش از ۱۰۳ هزار میلیارد تومان افزایش یافته است که نشان دهنده رشد بیش از ۳۶ درصد است.

جدول (۸): تولید ناخالص داخلی استان کرمان بین سال‌های ۱۳۹۴ الی ۱۳۹۸

۱۳۹۸	۱۳۹۷	۱۳۹۶	۱۳۹۵	۱۳۹۴	
۱۰۳۹۸۲۳	۷۶۱۴۱۶	۵۵۱۳۵۳	۴۴۱۵۰۱	۳۶۵۳۷۶	تولید ناخالص داخلی به قیمت بازار (میلیارد ریال)
۳۶/۵	۳۸	۲۴/۸	۲۰/۸	۳/۴	رشد تولید ناخالص داخلی (درصد)

منبع: مرکز آمار ایران و محاسبات محقق

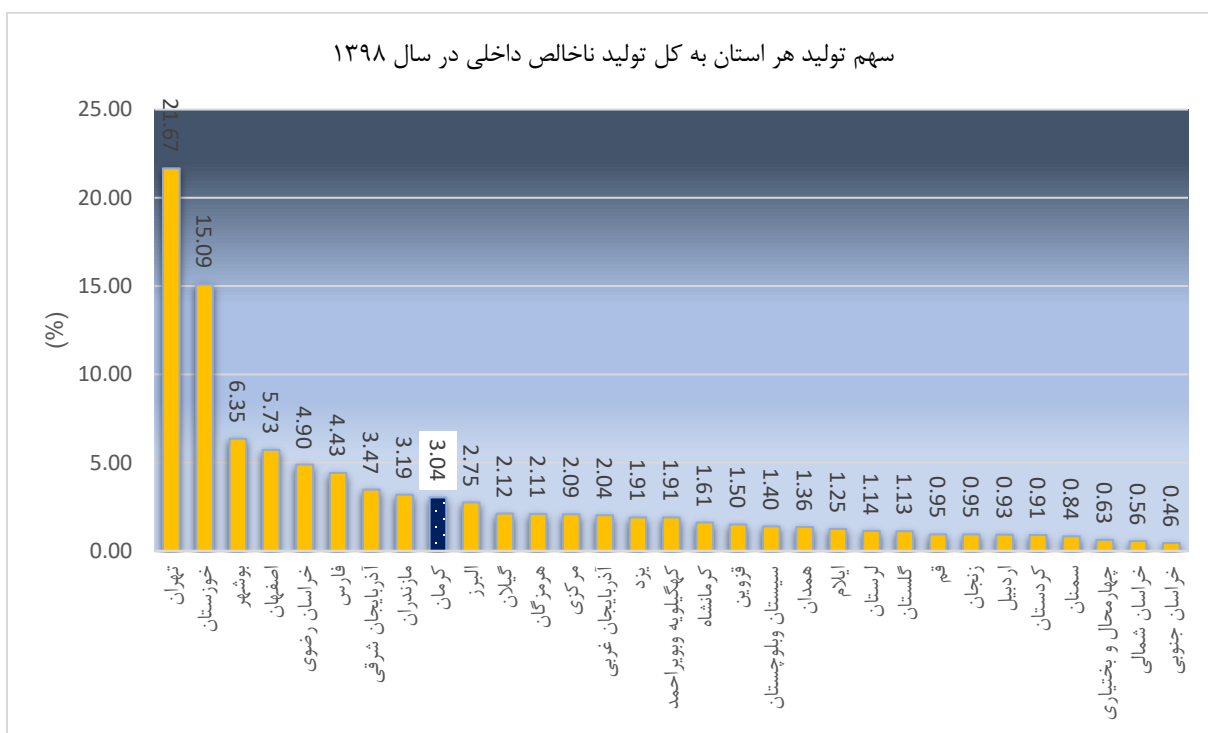
از طرف دیگر نمودار (۱۵)، سهم اقتصادی بخش‌های مختلف در تولید ناخالص داخلی استان در سال ۱۳۹۸ را نشان می‌دهد، به طوری که در این سال ارزش افزوده بخش صنعت با بیش از ۲۱ درصد (معادل ۲۲ هزار میلیارد تومان)، بیشترین سهم را در تولید ناخالص داخلی استان داشته است و بعد از آن، بخش‌های معدنی و کشاورزی به ترتیب با ۱۹ و ۱۶ درصد، رتبه دوم و سوم را در تولید استان به خود اختصاص داده‌اند.



جدول (۱۵): سهم ارزش افزوده بخش‌های مختلف در تولید ناخالص داخلی استان کرمان در سال ۱۳۹۸

نمودار (۱۶) به مقایسه سهم تولید هر استان به کل تولید ناخالص داخلی کشور در سال ۱۳۹۸ می‌پردازد. بر اساس نمودار در سال ۱۳۹۸ استان کرمان با بیش از ۳ درصد سهم در تولید ناخالص داخلی کشور، رتبه ۹ را در میان ۳۱ استان به خود اختصاص داده است. بر اساس این تحلیل، استان‌های تهران، خوزستان و بوشهر به ترتیب با

۲۱/۶، ۱۵ و ۶/۳۵ درصد بیشترین سهم و استان‌های خراسان جنوبی، خراسان شمالی کمترین سهم از تولید ناخالص داخلی کشور را دارا می‌باشند.



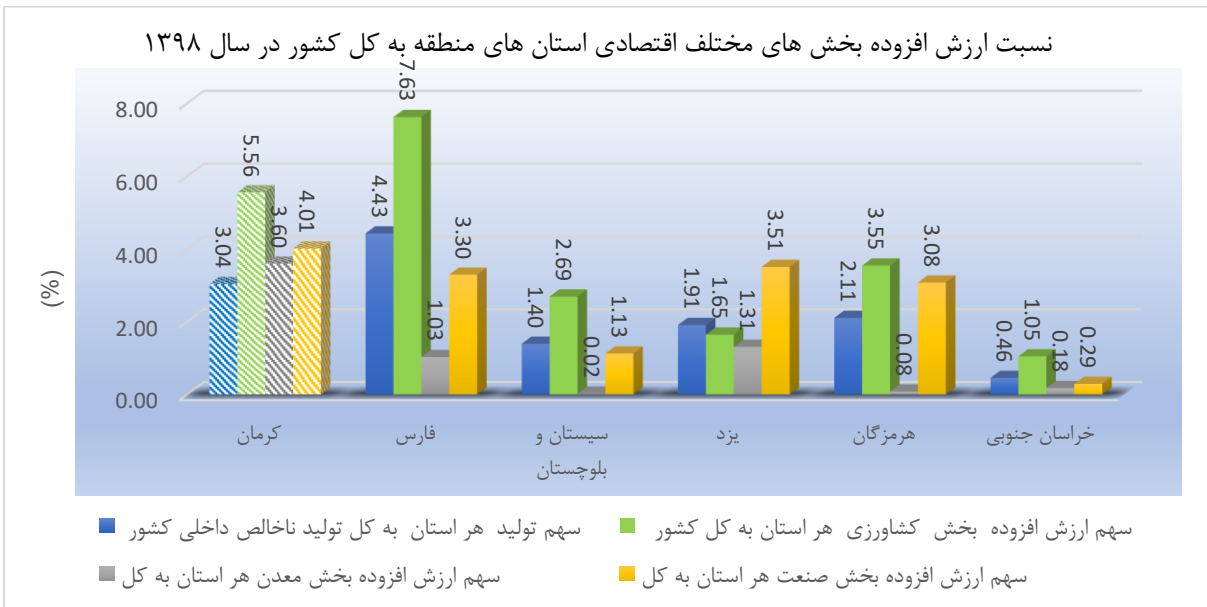
نمودار (۱۶): سهم تولید هر استان به کل تولید ناخالص داخلی در سال ۱۳۹۸

با توجه به جدول (۹) مقدار ارزش افزوده سه بخش مهم اقتصادی استان شامل بخش صنعت، معدن و کشاورزی نشان داده می‌شود. همان‌طور که مشخص است استان کرمان در سال ۱۳۹۸ در بخش ارزش افزوده بخش صنعت به کل کشور رتبه ۹، ارزش افزوده بخش معدن به کل کشور رتبه ۵ و همچنین در ارزش افزوده بخش کشاورزی به کل کشور رتبه ۵ را داراست.

جدول (۹): میزان ارزش افزوده سه بخش مهم اقتصادی استان و رتبه در کشور سال ۱۳۹۸

ارزش افزوده بخش کشاورزی و جنگلداری	ارزش افزوده بخش معدن	ارزش افزوده بخش صنعت	ارزش افزوده (میلیارد ریال)
۱۶۳۷۹۲	۲۰۱۳۳۸	۲۱۷۸۳۳	
۵/۵۵	۳/۶	۴/۰۱	درصد به کل کشور
۵	۵	۹	رتبه در کشور

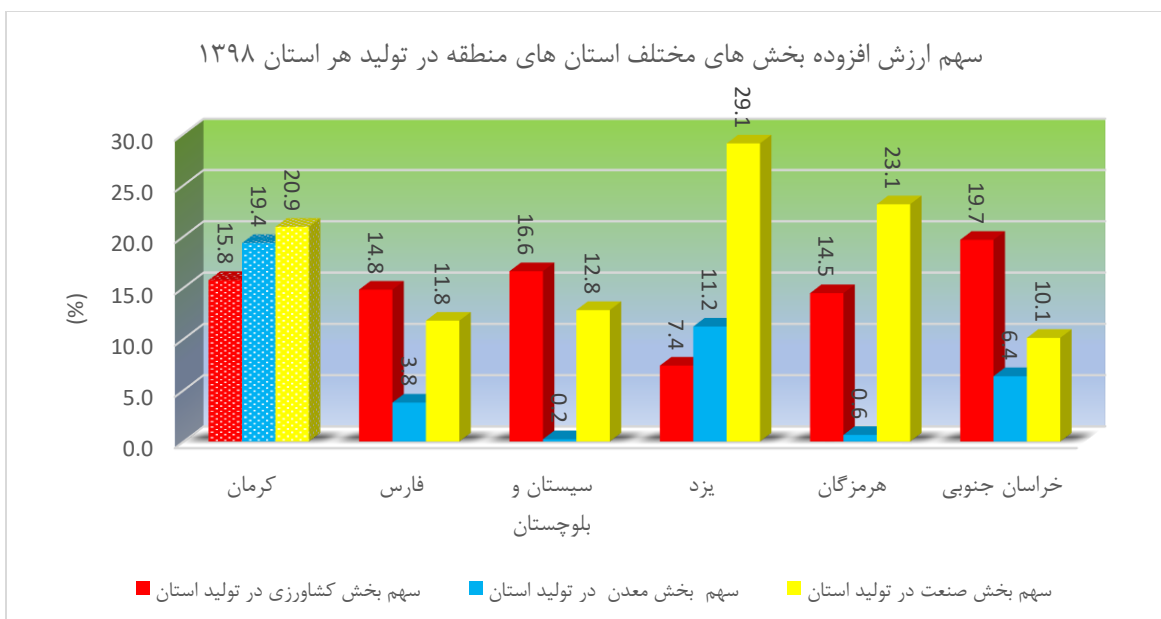
از طرف دیگر نمودار (۱۷) به مقایسه سطح تولید و اجزای آن با استان‌های منطقه می‌پردازد. با توجه به نمودار (۱۷) استان کرمان به ترتیب در بخش کشاورزی حدود ۵/۵ درصد از کل ارزش افزوده بخش کشاورزی کشور را به خود اختصاص داده است که از این حیث در منطقه بعد از استان فارس با ۷/۴ درصد رتبه دوم را به خود اختصاص داده است. همچنین استان کرمان در بخش معدن نیز حدود ۳/۶ درصد از سهم کل ارزش افزوده کشور را به خود اختصاص داده است که بالاترین این میزان در منطقه می‌باشد و در بخش صنعت هم با بیش از ۴ درصد بالاترین سهم را در منطقه دارد.



نمودار (۱۷): نسبت ارزش افزوده بخش‌های مختلف استان‌های منطقه

نمودار (۱۸) سهم ارزش افزوده بخش‌های مختلف استان در تولید کل همان استان در منطقه را نشان می‌دهد. بخش صنعت بیشترین سهم را در تولید استان‌های کرمان، یزد و هرمزگان دارا می‌باشد، به طوری که در استان یزد بیش از ۲۹ درصد از تولید ناخالص داخلی این استان وابسته به بخش صنعت است و این نسبت برای استان‌های هرمزگان و کرمان به ترتیب حدود ۲۳ و ۲۱ درصد می‌باشد. از طرفی دیگر در استان‌های فارس، سیستان و بلوچستان و خراسان جنوبی ارزش افزوده بخش کشاورزی بیشترین نقش را در تولید این استان‌ها دارند به طوری که در استان خراسان جنوبی حدود ۱۹/۷ درصد از تولید ناخالص داخلی وابسته به بخش کشاورزی و این نسبت برای استان‌های سیستان و بلوچستان و فارس به ترتیب ۱۶/۶ و ۱۴/۸ درصد می‌باشد.





نمودار (۱۸): سهم ارزش افزوده بخش های مختلف استان های منطقه در تولید هر استان ۱۳۹۸

### ۷/۲/۳ درآمدهای مالیاتی

به طور کلی مالیات مهمترین منبع درآمد دولت ها به شمار می آید و همچنین از مهمترین ابزارهای مهم برای به کارگیری سیاست های مالی دولت است. از آنجا که مالیات ها و درآمدهای ناشی از آن تخصیص منابع را تحت تاثیر قرار می دهد از این رو آثار مهمی بر متغیرهای واقعی اقتصادی خواهد داشت. بر اساس تئوری های اقتصادی افزایش در مالیات به خصوص مالیات بر شرکت ها می تواند بازده خالص سرمایه گذاری را کاهش داده و منجر به افزایش هزینه های استفاده از سرمایه گذاری شود و از این رو تاثیر منفی بر سرمایه گذاری و تولید دارد. همچنین می توان بیان کرد که افزایش مالیات به خصوص مالیات بر شرکت ها و پروژه های سرمایه گذاری می تواند تاثیر منفی بر نرخ بازگشت سرمایه و تخصیص منابع، کارایی و رفاه اقتصادی و در نتیجه سرمایه گذاری بخش خصوصی داشته باشد.

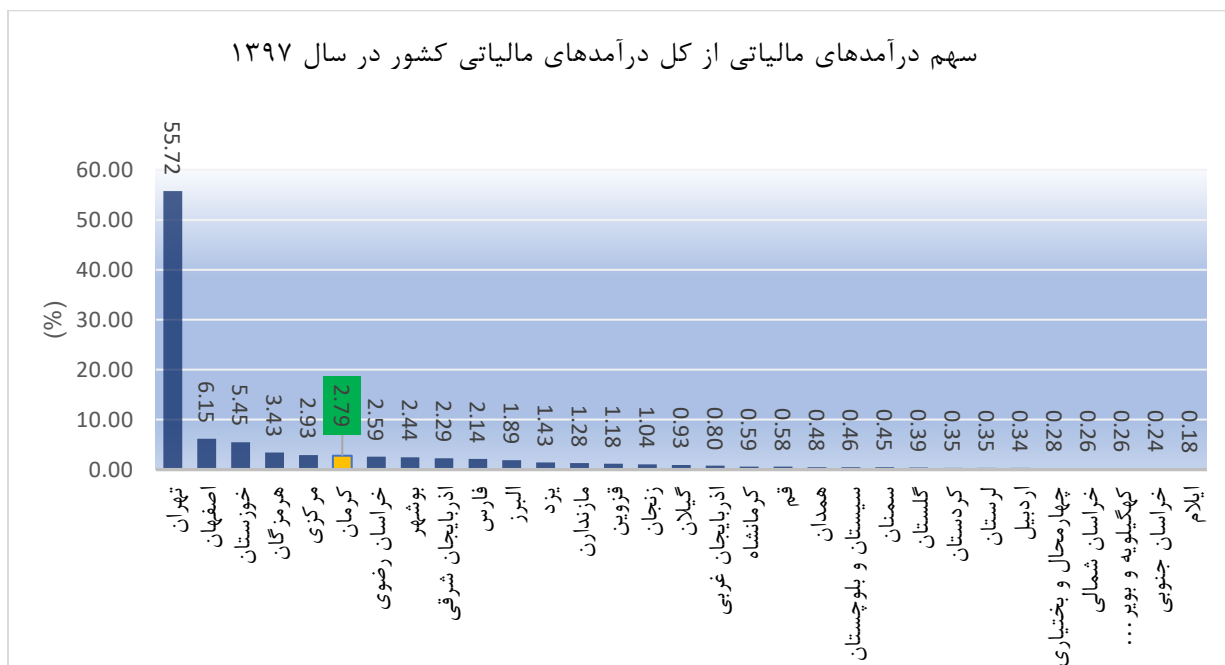
جدول (۱۰) نشان می دهد که در سال ۱۳۹۷ درآمدهای مالیاتی استان کرمان بیش از سه هزار میلیارد تومان برآورد شده است که از این نسبت بیش از ۵۷۰ میلیارد تومان از این درآمدهای مالیاتی ناشی از واردات بوده است. همچنین روند درآمدهای مالیاتی استان نشان می دهد که از سال ۱۳۹۴ تا سال ۱۳۹۷ نرخ رشد درآمدهای مالیاتی استان افزایش یافته است به طوری که از ۵/۱۴ درصد در سال ۱۳۹۴ به بیش از ۲۱ درصد در سال ۱۳۹۶ افزایش یافته است. اما نرخ رشد مالیات بر واردات روند نزولی را نشان می دهد، به طوری که از ۳۰/۵ درصد در سال ۱۳۹۴ به ۸/۴ درصد در سال ۱۳۹۸ کاهش یافته است.

جدول (۱۰): مالیات در استان کرمان بین سال‌های ۱۳۹۴ الی ۱۳۹۸

۱۳۹۸	۱۳۹۷	۱۳۹۶	۱۳۹۵	۱۳۹۴	
-	۳۰۴۱۴	۲۶۹۸۶	۲۲۲۵۰	۱۶۴۴۳	کل درآمدهای مالیاتی (میلیارد ریال)
-	۱۲/۷	۲۱/۲	۳۵/۳	۵/۱۴	رشد کل درآمدهای مالیاتی (درصد)
۶۲۰۴	۵۷۲۳	۷۵۹۴	۵۸۵۴	۳۶۷۳	مالیات بر واردات (میلیارد ریال)
۸/۴	-۲۴/۶	۲۹/۷	۵۹/۳	۳۰/۵	رشد مالیات بر واردات (درصد)

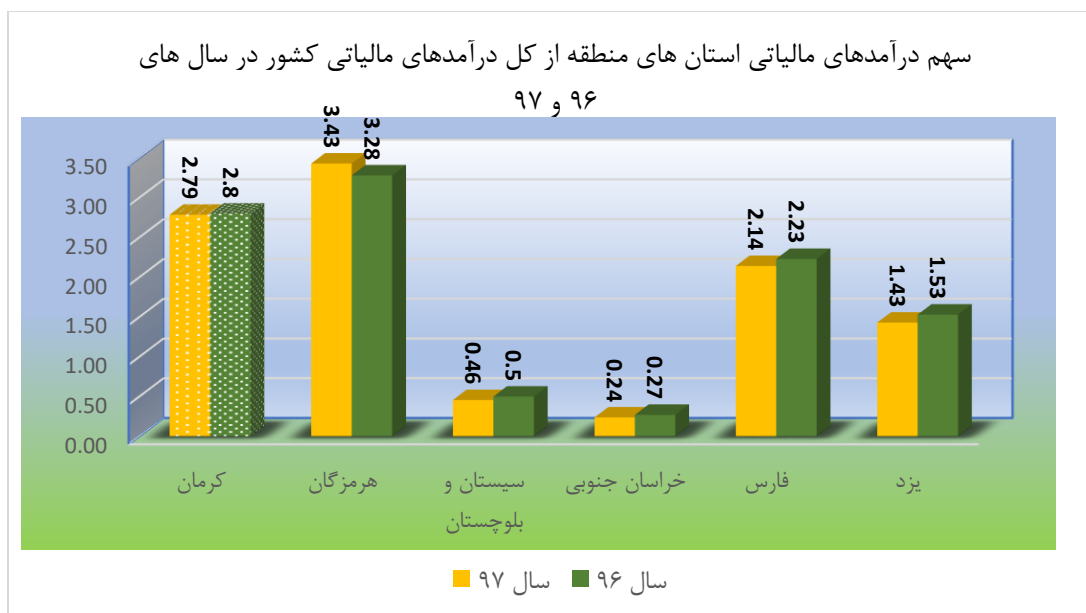
منبع: مرکز آمار ایران و محاسبات محقق

نمودار (۱۹) سهم درآمدهای مالیاتی هر استان در کل درآمدهای مالیاتی کشور را نشان می‌دهد. نتایج نشان می‌دهد که در سال ۱۳۹۷، سهم مالیات استان کرمان از کل درآمدهای مالیاتی کشور برابر ۲/۷۹ درصد برآورد شده که از این حیث جز شش استان اول کشور در زمینه سهم مالیاتی می‌باشد. همچنین بر اساس این نمودار استان‌های تهران، اصفهان و خوزستان بیشتر سهم مالیاتی کشور و استان‌های ایلام و خراسان جنوبی کمترین سهم را به خود اختصاص داده‌اند.



نمودار (۱۹): سهم درآمدهای مالیاتی از کل درآمدهای مالیاتی کشور در سال ۱۳۹۷

همچنین نمودار (۲۰) نشان می‌دهد که استان کرمان در سال‌های ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ با سهم درآمدهای مالیاتی ۲/۸ و ۲/۷۹، بعد از استان هرمزگان رتبه دوم از نظر سهم مالیاتی کل کشور را به خود اختصاص داده است و بعد از این دو استان، به ترتیب استان‌های فارس و یزد قرار دارند.



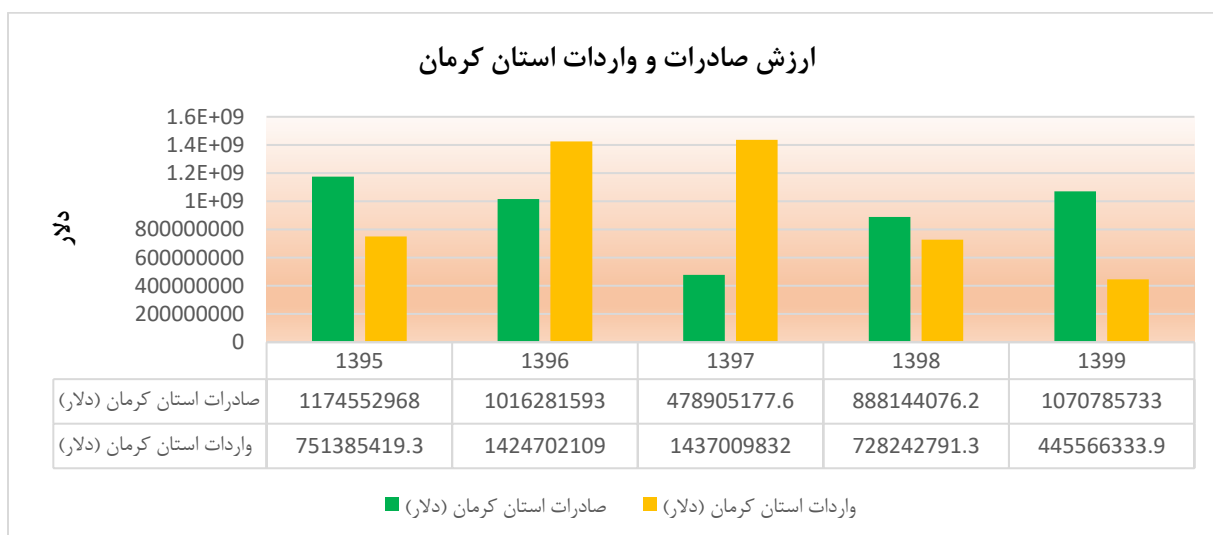
جدول (۲۰): سهم درآمدهای مالیاتی استان های منطقه از کل درآمدهای مالیاتی کشور در سال ۹۶ و ۹۷

#### ۷/۲/۴ صادرات و واردات استان

اجماع کلی در میان سیاست‌گذاران و اقتصاددانان آن است که رشد اقتصاد یک کشور یا منطقه به سطح توسعه تجارت خارجی آن منطقه وابسته است. تجارت علاوه بر موتور محرک بخش تولید، سبب انتقال دانش و علم و تعامل اقتصاد و فرهنگی نیز می‌شود و این موضوع در عصر جهانی شدن بسیار حائز اهمیت است. به عنوان نمونه توسعه صادرات نشان دهنده گرایش به آزادی در تجارت بین الملل است و این سیاست نشان می‌دهد یک منطقه و کشور تا چه میزان متوجه بازارهای خارجی و تابع نیاز آن‌ها است. سیاست‌ها در جهت توسعه صادرات باعث تقویت تجارت خارجی و منجر به تخصیص بهینه منابع و منجر به افزایش درآمدهای داخلی و تولید می‌شود و از این جهت می‌تواند منجر به کاهش بیکاری و افزایش اشتغال نیز گردد. همچنین با آزادسازی تجاری، از سوی واردات انتظار می‌رود تا از طریق واردات کالای سرمایه‌ای با فن‌آوری پیش رفته انتقال فن‌آوری به داخل کشور صورت گیرد.

نمودار (۲۱) ارزش صادرات و واردات استان کرمان طی سال‌های ۱۳۹۵-۱۳۹۹ را نشان می‌دهد. همان‌طور که از نمودار مشخص است طی این دوره روند نمودار نوسانی بوده به طوری که در سال‌های ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ ارزش واردات استان بیش از صادرات و ما شاهد تراز تجاری منفی بوده‌ایم و در طی مابقی سال‌های ارزش صادرات استان بیش از واردات آن مشاهده می‌شود. در سال ۱۳۹۹ ارزش صادرات استان بیش از یک میلیارد دلار برآورد شده است و در همین سال ارزش واردات استان برابر ۴۴۵ میلیون دلار ثبت گردید. همچنین در طی این دوره بیشترین

آمار واردات مربوط به سال‌های ۱۳۹۷ که بیش از یک میلیارد و چهارصد میلیون دلار و بیشترین آمار صادرات مربوط به سال ۱۳۹۵ با رقمی معادل یک میلیارد و صد و هفتاد میلیون دلار ثبت شد.



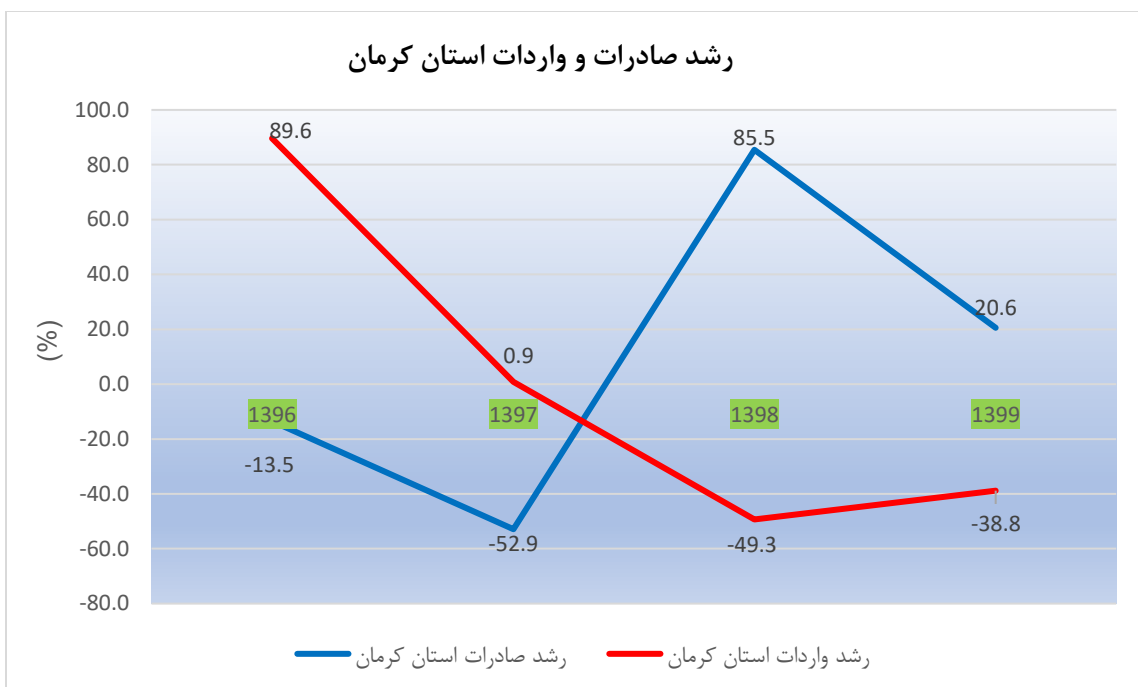
نمودار(۲۱): ارزش صادرات و واردات استان کرمان

از طرف دیگر جدول (۱۱) نشان می‌دهد که در طی سال‌های ۱۳۹۵ الی ۱۳۹۹، تراز تجاری استان در برخی از دوره‌ها از جمله سال‌های ۱۳۹۹، ۱۳۹۸ و ۱۳۹۵ مثبت بوده و بیشترین مازاد تجاری مربوط به سال ۱۳۹۹ معادل ۶۲۵ میلیون دلار می‌باشد. همچنین در سال‌های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۶ ما شاهد تراز تجاری منفی بوده‌ایم و در سال ۱۳۹۷ کسری حساب تجاری بیش از ۹۵۰ میلیون دلار تخمین زده شده است.

جدول(۱۱): تراز تجاری استان کرمان (اختلاف صادرات از واردات)

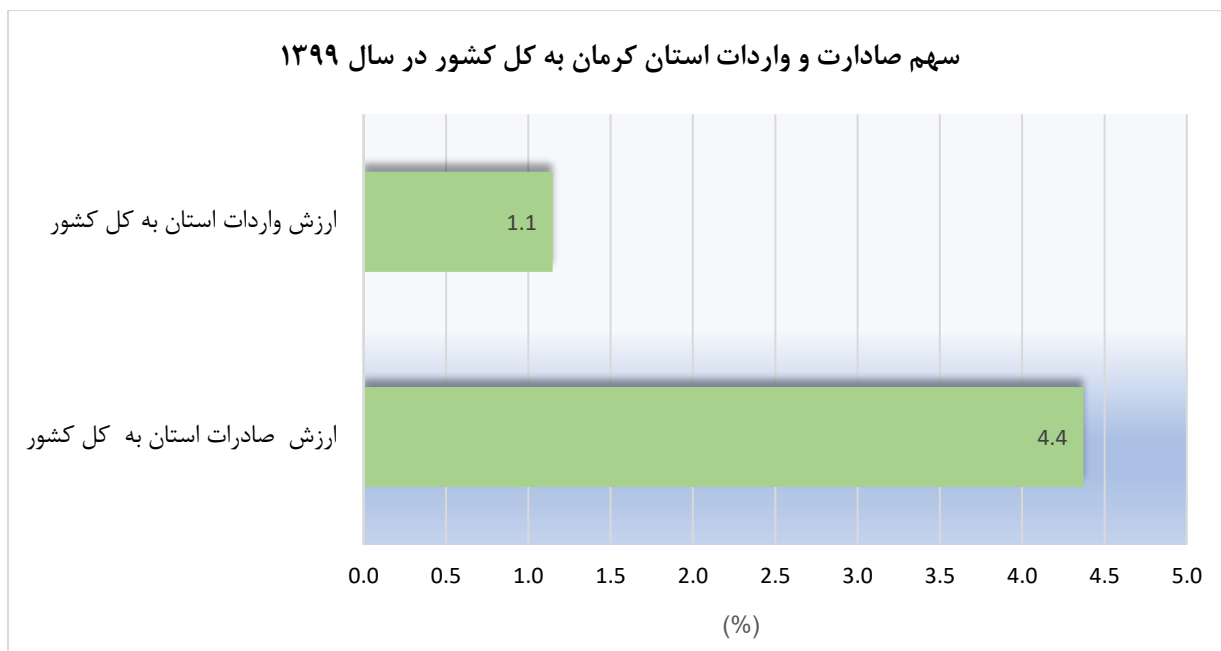
۱۳۹۹	۱۳۹۸	۱۳۹۷	۱۳۹۶	۱۳۹۵	
۶۲۵۲۱۹۳۹۹	۱۵۹۹۰۱۲۸۴	-۹۵۸۱۰۴۶۵۴	-۴۰۸۴۲۰۵۱۶	۴۲۳۱۶۷۵۴۸	تراز تجاری استان کرمان (دلار)
+	+	-	-	+	تراز تجاری

نمودار (۲۲) رشد صادرات و واردات استان کرمان در طی سال‌های گذشته را نشان می‌دهد. بر اساس این آمار دو متغیر تجارت روند متفاوتی طی کردند به طوری که رشد صادرات استان در سال‌های ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ منفی و به ترتیب برابر ۱۳- و ۵۲- درصد می‌باشد در حالی که در سال ۱۳۹۸ ما شاهد رشد قابل قبول ۸۵ درصد بوده ایم و مجدداً در سال ۱۳۹۹ این رشد به ۲۰ درصد کاهش یافت. همچنین روند واردات نیز رشد نزولی را نشان می‌دهد به طوری رشد واردات استان کرمان از ۸۹ درصد در سال ۱۳۹۶ به ۳۸- درصد در سال ۱۳۹۹ رسیده است.



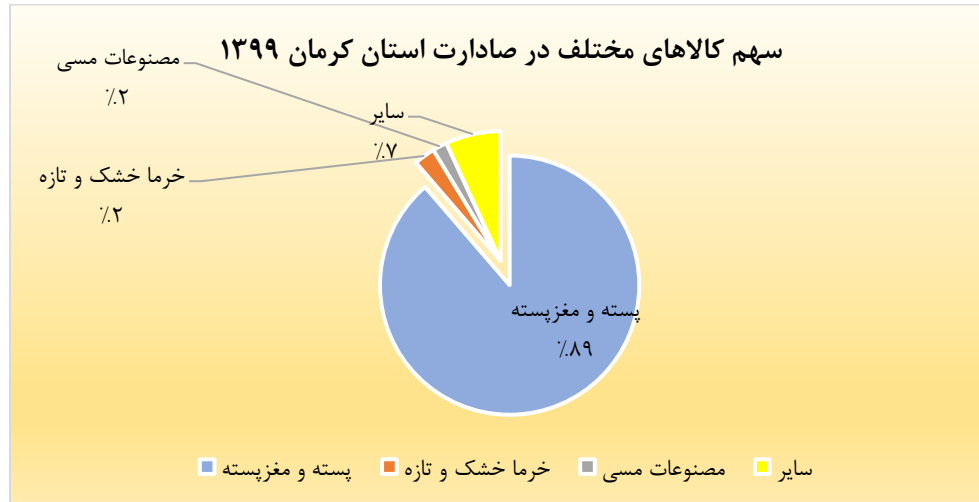
نمودار(۲۲): رشد صادرات و واردات استان کرمان

نمودار (۲۳) سهم صادرات و واردات استان کرمان به کل کشور را نشان می‌دهد به طوری که در سال ۱۳۹۹ سهم صادرات استان کرمان به کل صادرات کشور برابر ۴/۴ درصد و همچنین سهم واردات استان از کل واردات کشور معادل ۱/۱ درصد بوده است.



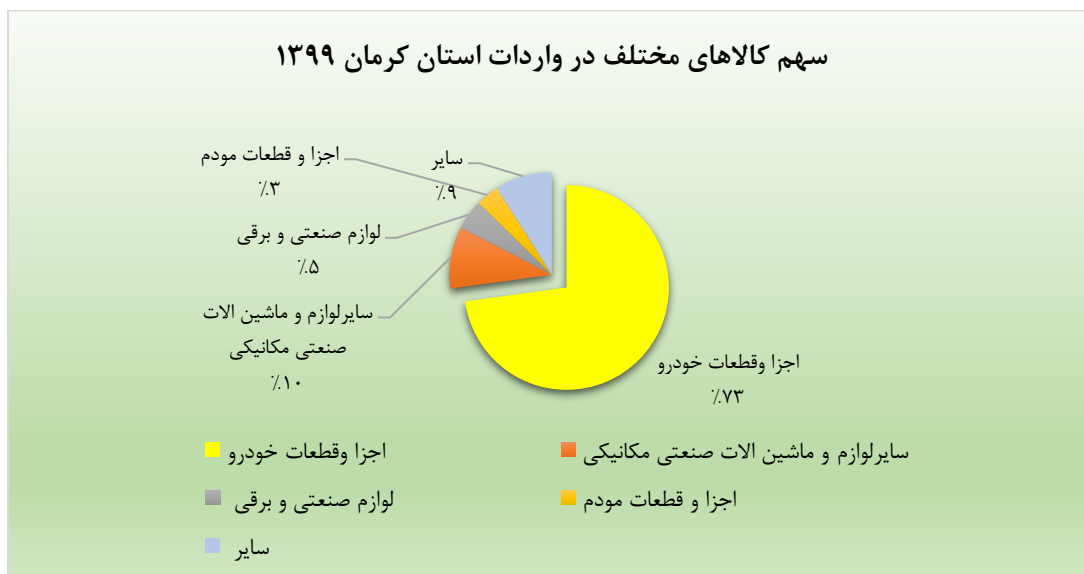
نمودار(۲۳): سهم صادرات و واردات استان کرمان به کل کشور ۱۳۹۹

از طرف دیگر نمودار (۲۴) نشان می‌دهد که عمده اقلام صادراتی استان کرمان در سال ۱۳۹۹ محصول پسته می‌باشد که این محصول ۹۰ درصد از سهم صادرات استان را تشکیل می‌دهد و بعد از آن خرما و مصنوعات مسی هر کدام سهمی ۲ درصدی در صادرات استان داشته‌اند.



نمودار (۲۴): سهم کالاهای مختلف در صادرات استان کرمان سال ۱۳۹۹

نمودار (۲۵) عمده‌ترین اقلام وارداتی استان کرمان در سال ۱۳۹۹ را نشان می‌دهد که بر اساس آن اجزا و قطعات خودرو با بیش از ۷۳ درصد بیشترین سهم از اقلام وارداتی استان را به خود اختصاص داده و بعد از آن ماشین آلات صنعتی با حدود ۱۰ درصد، لوازم صنعتی برقی با ۵ درصد و قطعات مودم با ۳ درصد در رتبه‌های بعدی قرار گرفتند.

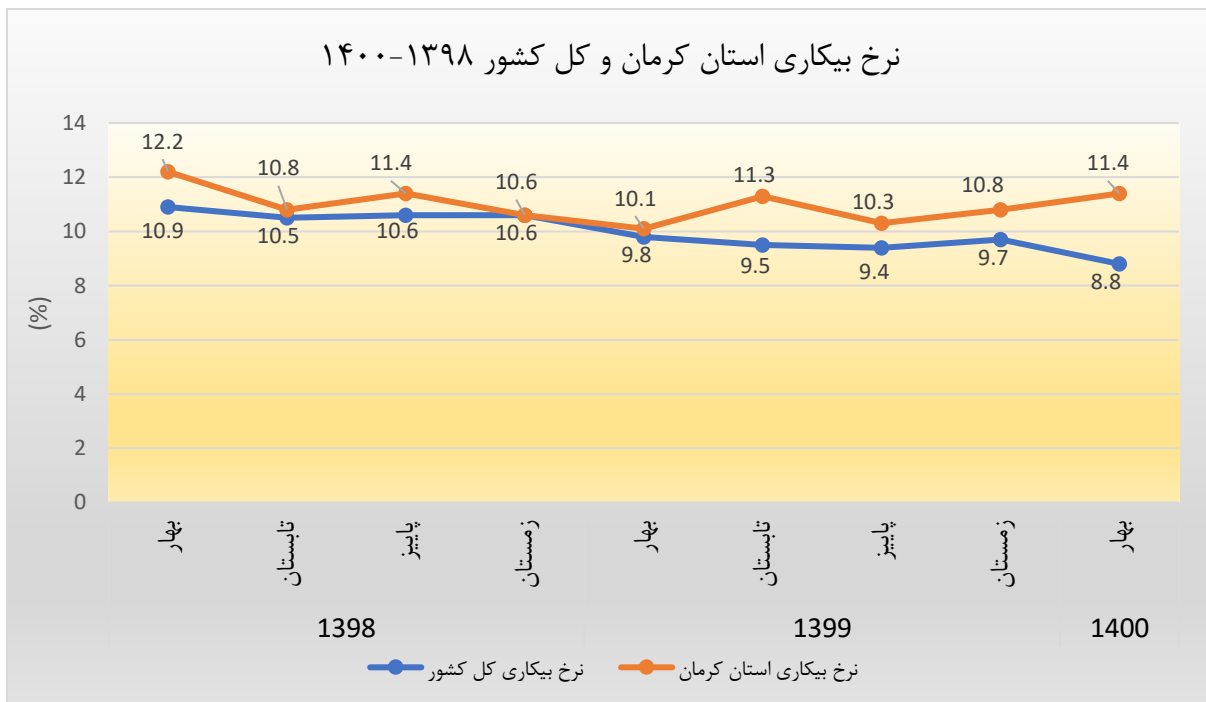


نمودار (۲۵): سهم کالاهای مختلف در واردات استان کرمان سال ۱۳۹۹

## ۷/۲/۵ نرخ بیکاری

بیکاری یکی از مهمترین چالش‌های پیش روی کشورهای در حال توسعه است که تأثیرات منفی زیادی را نیز در اقتصاد داشته است و از این رو معضل بیکاری و رفع آن یکی از مهمترین اهداف سیاستگذاران اقتصادی هر کشور به شمار می‌آید و از این رو سرمایه‌گذاری در جهت اشتغال‌زایی امری امکان‌ناپذیر است. فرار سرمایه در هر اقتصادی می‌تواند از طریق کاهش در سرمایه‌گذاری و کاهش در ایجاد فرصت‌های شغلی منجر به کاهش اشتغال و افزایش در بیکاری می‌شود.

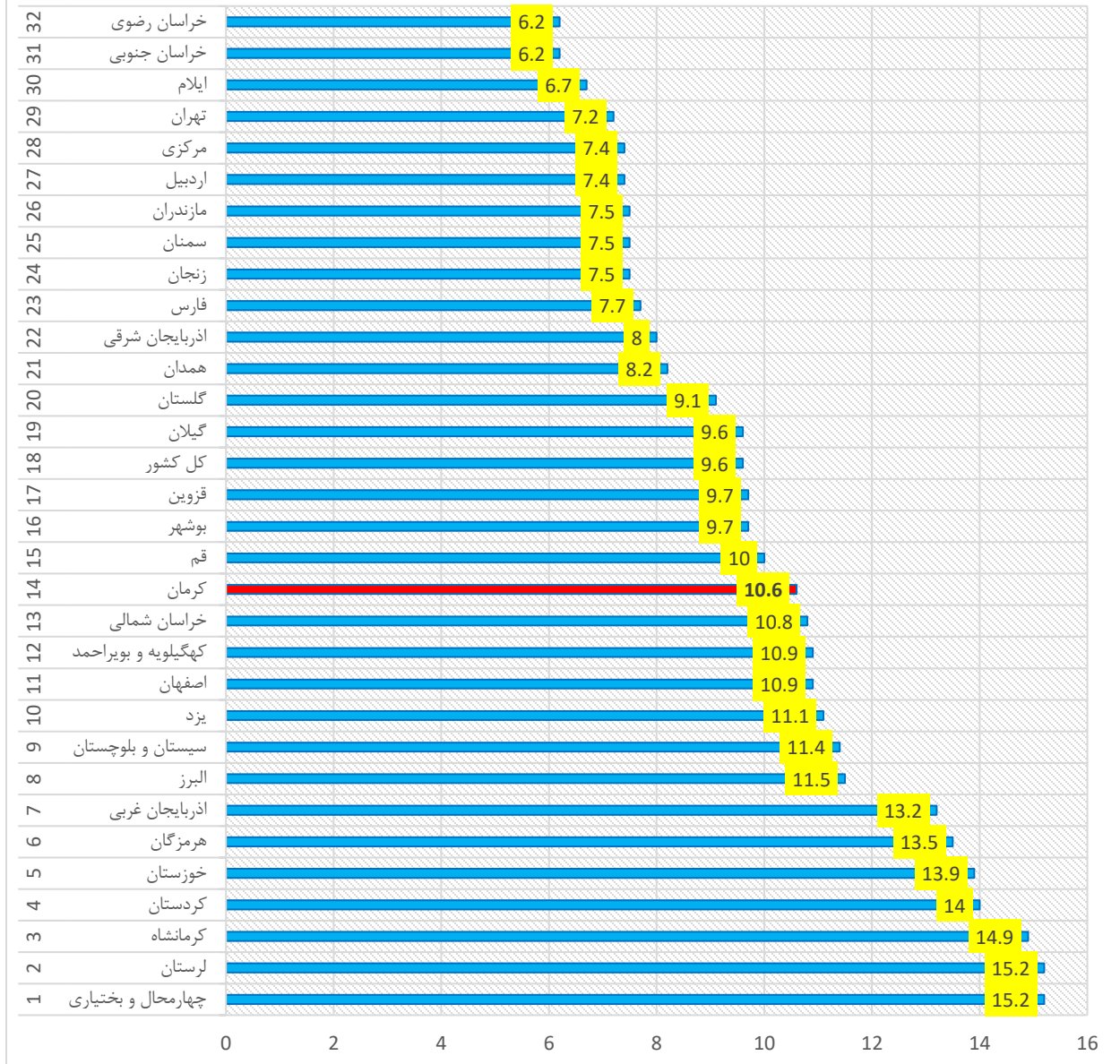
نمودار (۲۶) به بررسی و مقایسه نرخ بیکاری استان کرمان و کل کشور برای دوره فصلی ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۰ می‌پردازد. همانطور که از نمودار مشخص است در اکثر تمامی فصول در این دوره نرخ بیکاری در استان کرمان بیشتر از نرخ بیکاری کل کشور است. در بهار ۱۴۰۰ نرخ بیکاری استان ۱۱/۴ برآورد شده است که در حداکثر اختلاف خود در طی این دوره با میانگین نرخ بیکاری کشور بوده است که معادل ۸/۸ می‌باشد.



نمودار (۲۶): نرخ بیکاری استان کرمان و کل کشور ۱۳۹۸-۱۴۰۰

در سال ۱۳۹۹ استان کرمان با میانگین نرخ بیکاری ۱۰/۶ رتبه ۱۴ ام را در میان ۳۱ استان کشور از نظر بالاترین نرخ بیکاری را به خود اختصاص داده است. در این دوره کمترین نرخ بیکاری مربوط به استان‌های خراسان جنوبی و خراسان رضوی و بیشترین نرخ بیکاری مربوط به استان‌های چهارمحال و بختیاری و لرستان می‌باشد.

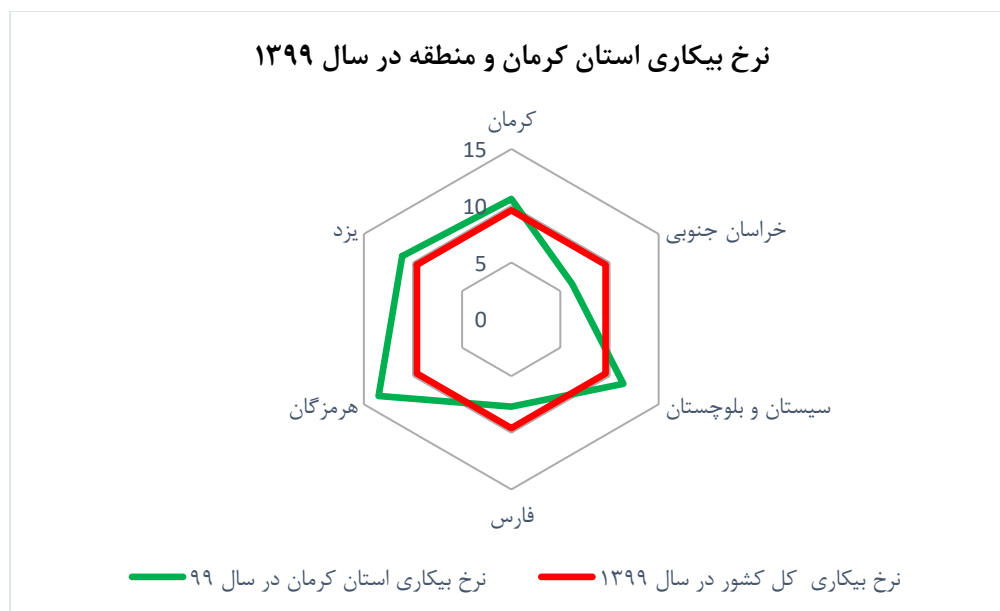
نرخ بیکاری سال ۱۳۹۹ به تفکیک استان ها



نمودار (۲۷): نرخ بیکاری سال ۱۳۹۹ به تفکیک استان ها

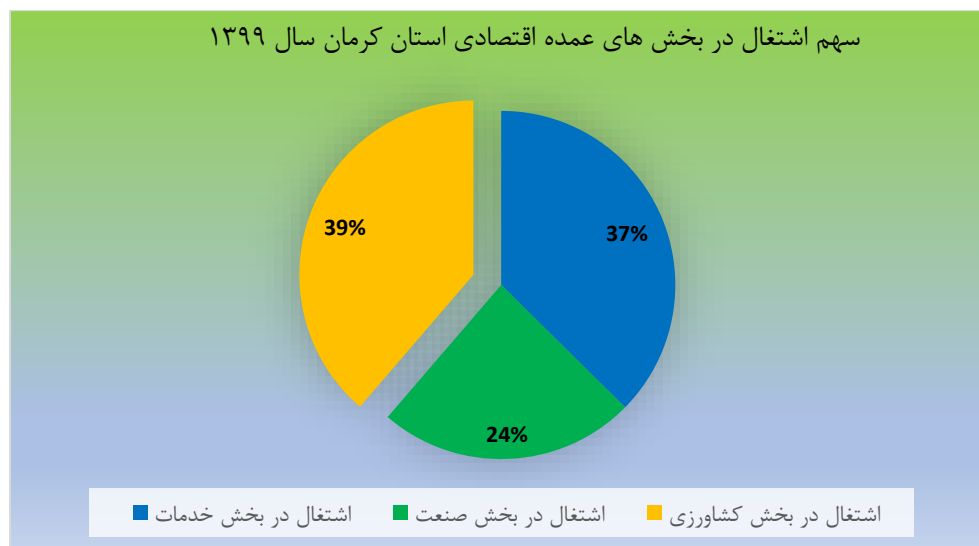
از طرف دیگر نمودار (۲۸) نشان می‌دهد که در سال ۱۳۹۹ در میان استان‌های منطقه، استان کرمان بعد از استان‌های سیستان و بلوچستان، یزد و هرمزگان، چهارمین استان از نظر نرخ بیکاری بالا را دارد. همچنین در این سال استان‌های خراسان جنوبی و فارس کمترین نرخ بیکاری را رقم زده اند.





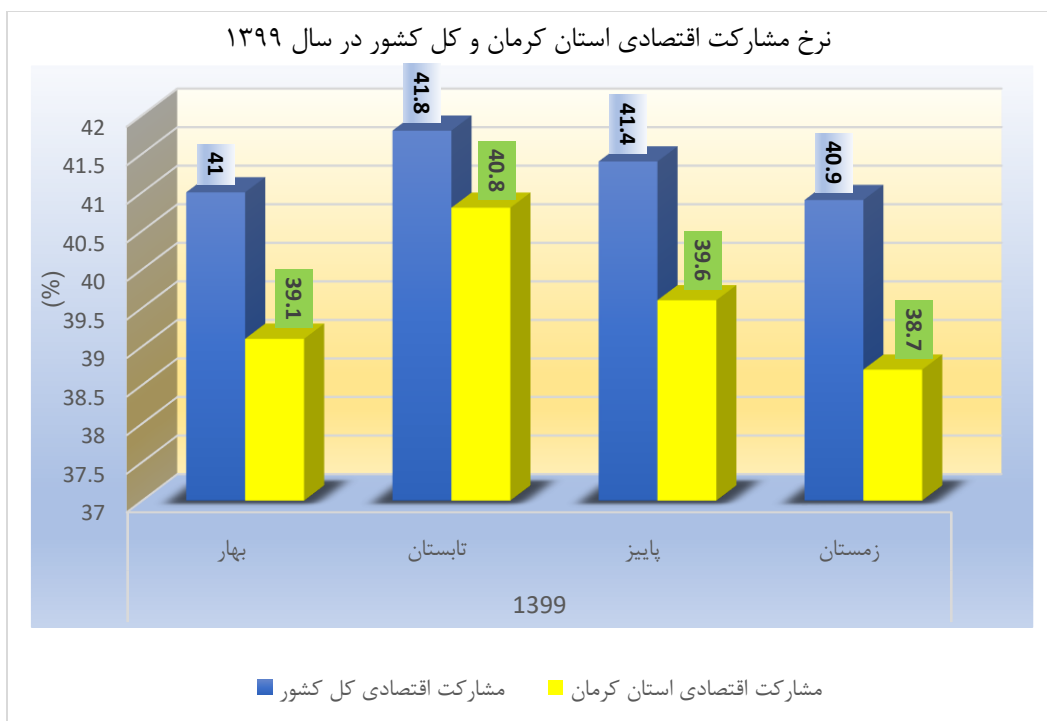
نمودار(۲۸): نرخ بیکاری استان کرمان و منطقه در سال ۱۳۹۹

نمودار (۲۹) سهم اشتغال در بخش‌های عمده اقتصادی در استان را نشان می‌دهد. با توجه به نمودار اشتغال در بخش کشاورزی با ۳۹ درصد بیشترین سهم را در اشتغال فعالیت‌های استانی داشته‌اند و بعد از آن به ترتیب اشتغال در بخش‌های خدمات و صنعت با نسبت ۳۷ و ۳۴ درصد قرار دارند.



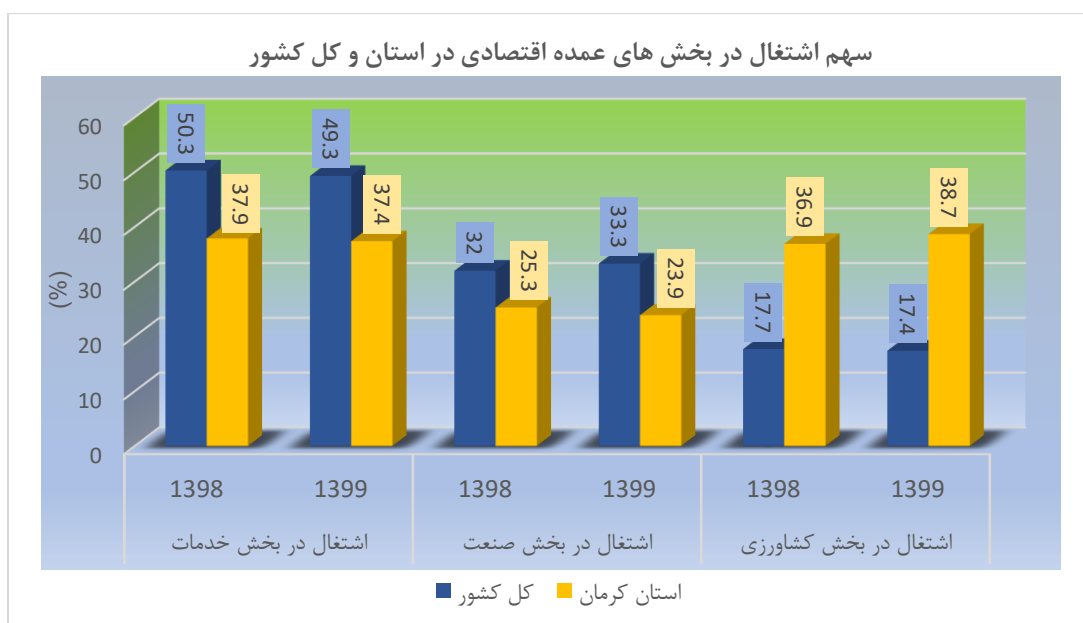
نمودار(۲۹): سهم اشتغال در بخش‌های عمده اقتصادی استان کرمان سال ۱۳۹۹

نمودار زیر نرخ مشارکت اقتصادی در استان کرمان کل کشور را در فصول سال ۱۳۹۹ نشان می‌دهد. همانطور که مشخص است نرخ مشارکت اقتصادی در استان پایین‌تر از میانگین کل کشور است.



نمودار (۳۰): نرخ مشارکت اقتصادی استان کرمان و کل کشور در سال ۱۳۹۹

نمودار (۳۱) نشان می‌دهد در کل کشور بیشترین سهم اشتغال در سال‌های ۱۳۹۸ و ۹۹ به ترتیب مربوط به بخش خدمات، صنعت و کشاورزی بوده است و اما برای استان کرمان به ترتیب بخش‌های کشاورزی، خدمات و صنعت بیشترین سهم را در اشتغال استان داشته‌اند.



نمودار (۳۱): سهم اشتغال در بخش‌های عمده اقتصادی در استان و کل کشور

## ۷/۳ شاخص‌های نابرابری و هزینه‌ای خانوار

### ۷/۳/۱ ضریب جینی

امروزه بحث توزیع نابرابری درآمد و شکاف طبقاتی یکی از معضلات مهم کشورهای در حال توسعه و توسعه نیافته است به طوری می‌تواند اثرات منفی بر رشد و توسعه اقتصادی داشته باشد. در سطحی از درآمد ملی، هر چه توزیع درآمد ناعادلانه‌تر باشد میزان فقر بیشتر می‌شود و از این رو منجر به کاهش انگیزه برای کار، تنش‌ها و درگیری‌های سیاسی و فساد گسترده می‌شود. معمولاً در کشورها و مناطقی که شکاف طبقاتی و فقر مشاهده می‌شود به دلیل عدم توسعه نیافتگی سبب می‌شود منجر به ایجاد فضای نااطمینان در آن کشور شود و سرمایه‌گذاری با بی‌ثباتی و عدم اطمینان مواجه است و خروج سرمایه را در پی دارد. همچنین سطح بالایی از نابرابری درآمد می‌تواند از طریق میل نهایی به مصرف منجر به تغییر در مصرف و پس‌انداز و در نتیجه سرمایه‌گذاری داشته باشد. همچنین کشورها و مناطقی که پس‌انداز ملی کم دارند یکی از بهترین روش‌ها برای سرمایه‌گذاری، جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی است که تاثیرات مثبت و منفی بر کشور میزبان دارد. از این رو کشورهایی که دارای سرمایه لازم نبوده از حرکت به سمت توسعه عقب می‌مانند و این مهم سبب رواج فقر و رکود اقتصادی و بیکاری می‌شود.

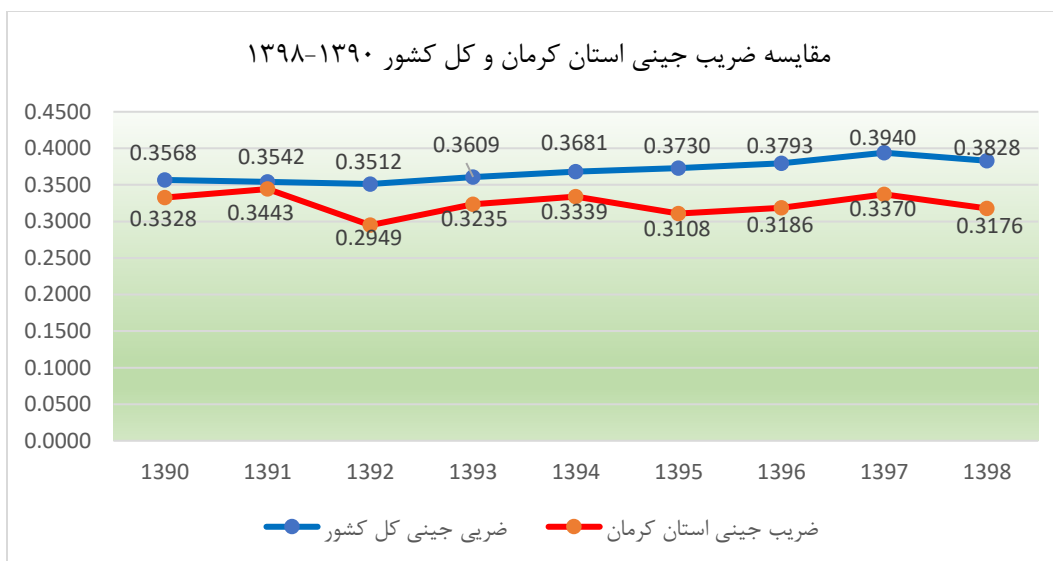
جدول (۱۲) به بررسی ضریب جینی استان کرمان در طی دوره ۱۳۹۰-۱۳۹۸ می‌پردازد. میانگین ضریب جینی در طول دوره این دوره برابر ۰/۳۲ می‌باشد و حداکثر مقدار آن برابر ۰/۳۴۴ که مربوط به سال ۱۳۹۱ و کمترین آن مربوط به سال ۱۳۹۲ با رقم ۰/۲۹۴ است.

جدول(۱۲): آمار توصیفی ضریب جینی استان کرمان ۱۳۹۰-۱۳۹۸

متغیر	میانگین	میانه	انحراف معیار	حداکثر	حداقل
ضریب جینی	۰/۳۲۳	۰/۳۲۳	۰/۰۱	۰/۳۴۴	۰/۲۹۴

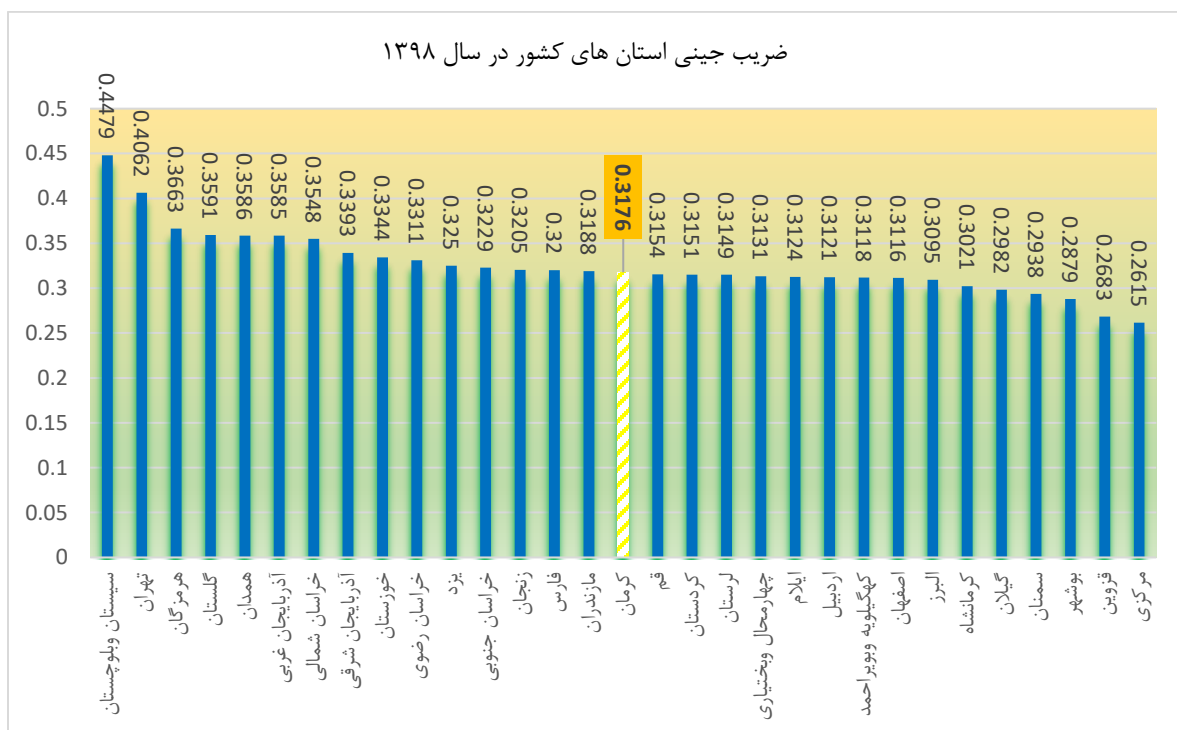
منبع: محاسبات محقق

همچنین نمودار (۳۲) نشان می‌دهد که در طی این دوره زمانی، میزان ضریب جینی برای استان کرمان کمتر از کل کشور بوده است.



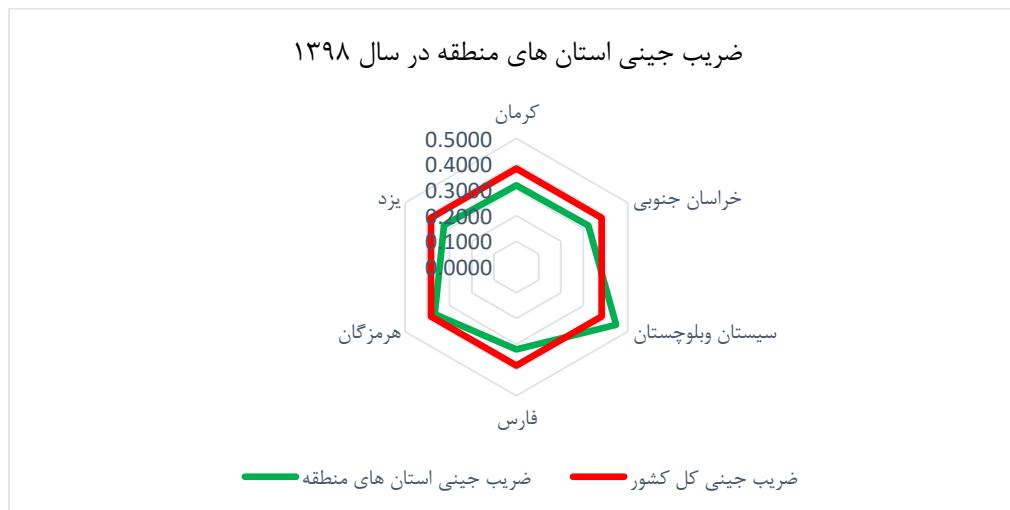
نمودار(۳۲): مقایسه ضریب جینی استان کرمان و کل کشور ۱۳۹۰-۱۳۹۸

نمودار (۳۳) نشان می‌دهد که در سال ۱۳۹۸ ضریب جینی استان کرمان برابر ۰/۳۱۷ بوده است که بر اساس رتبه، در رتبه ۱۶ام از لحاظ بیشترین ضریب جینی در کل استان‌های کشور بوده است و تقریباً در رتبه میانه‌ی کشور قرار دارد. همچنین در این سال، استان‌های سیستان و بلوچستان، تهران و هرمزگان دارای بیشترین سطح نابرابری و ضریب جینی را دارا می‌باشند و استان‌های مرکزی، قزوین و بوشهر پایین‌ترین ضریب جینی را داشته‌اند.



نمودار(۳۳): ضریب جینی استان‌های کشور در سال ۱۳۹۸

با توجه به نمودار (۳۴)، در بین استان‌های منطقه در سال ۱۳۹۸، استان کرمان پایین‌ترین سطح از ضریب جینی را داشته است و بعد از آن استان‌های فارس (۰/۳۲) و یزد (۰/۳۲۵) قرار دارند که همگی این استان‌ها، ضریب جینی پایین‌تری از میانگین کشوری در طول این سال دارا می‌باشند.



نمودار(۳۴): ضریب جینی استان‌های منطقه در سال ۱۳۹۸

## ۷/۳/۲ هزینه و درآمد خانوار

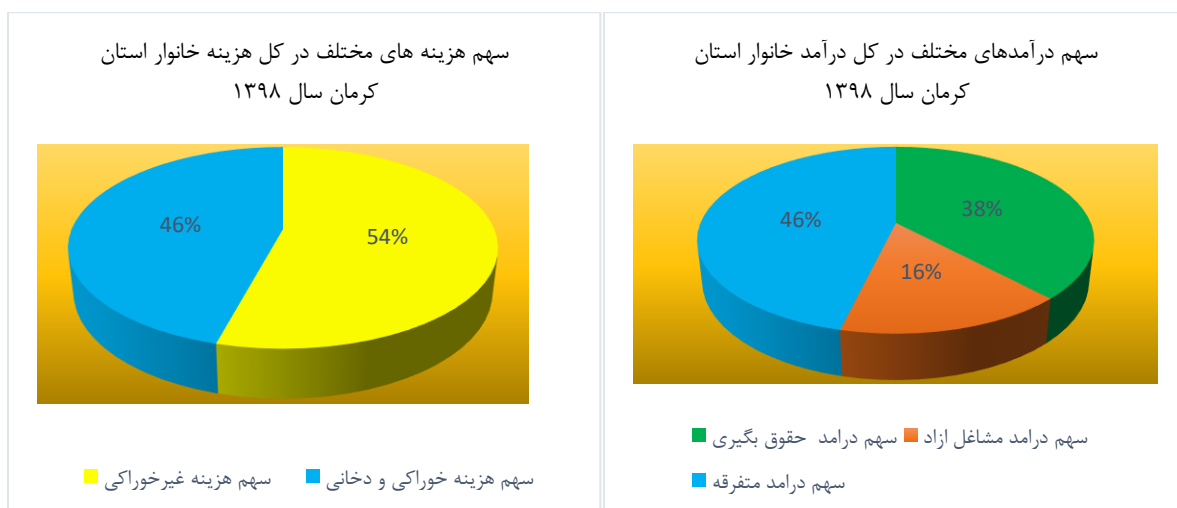
آمار مربوط به متوسط هزینه خانوار استان کرمان نشان می‌دهد مجموع متوسط هزینه هر خانوار شهری و روستایی از ۲۵ میلیون تومان در سال ۱۳۹۵ به حدود ۶۱ میلیون تومان در سال ۱۳۹۹ افزایش یافته است و همین‌طور متوسط کل درآمد نیز از ۳۳ میلیون تومان در سال ۱۳۹۵ به ۸۶ میلیون تومان در سال ۱۳۹۹ افزایش یافته است. همچنین آمار مربوط به نسبت هزینه به درآمد کل خانوار در طی این دوره روند نوسانی طی کرده است به طوری از سال ۱۳۹۵ تا سال ۱۳۹۸ این نسبت از ۷۶ درصد به ۸۸ درصد افزایش یافته است و در سال ۱۳۹۹ این نسبت دوباره به ۷۱ درصد کاهش یافته است. همچنین در تمامی سال‌ها متوسط هزینه و درآمد شهری بیش از روستایی بوده است. متوسط کل درآمد خانوار در سال ۱۳۹۹ نسبت به سال ۱۳۹۸ حدود ۶۰ درصد رشد داشته است اما این نسبت برای هزینه‌ها در همین دوره ۲۷ درصد رشد را تجربه کرده است.

جدول(۱۳): هزینه و درآمد خانوار استان کرمان بین سال‌های ۱۳۹۵-۱۳۹۹

	۱۳۹۵	۱۳۹۶	۱۳۹۷	۱۳۹۸	۱۳۹۹	رشد ۹۹ به ۹۸
شهری	۱۶۳۰۵۶	۱۹۲۳۲۸	۲۳۷۴۱۴	۲۸۵۵۹۱	۳۷۶۴۵۶	۳۲٪
روستایی	۹۴۰۶۳	۱۰۵۵۴۲	۱۲۵۱۹۷	۱۹۵۰۱۶	۲۳۷۷۹۰	۲۲٪
مجموع	۲۵۷۱۱۹	۲۹۷۸۷۰	۳۶۲۶۱۱	۴۸۰۶۰۷	۶۱۴۲۴۶	۲۷٪
متوسط کل هزینه (هزار ریال)						

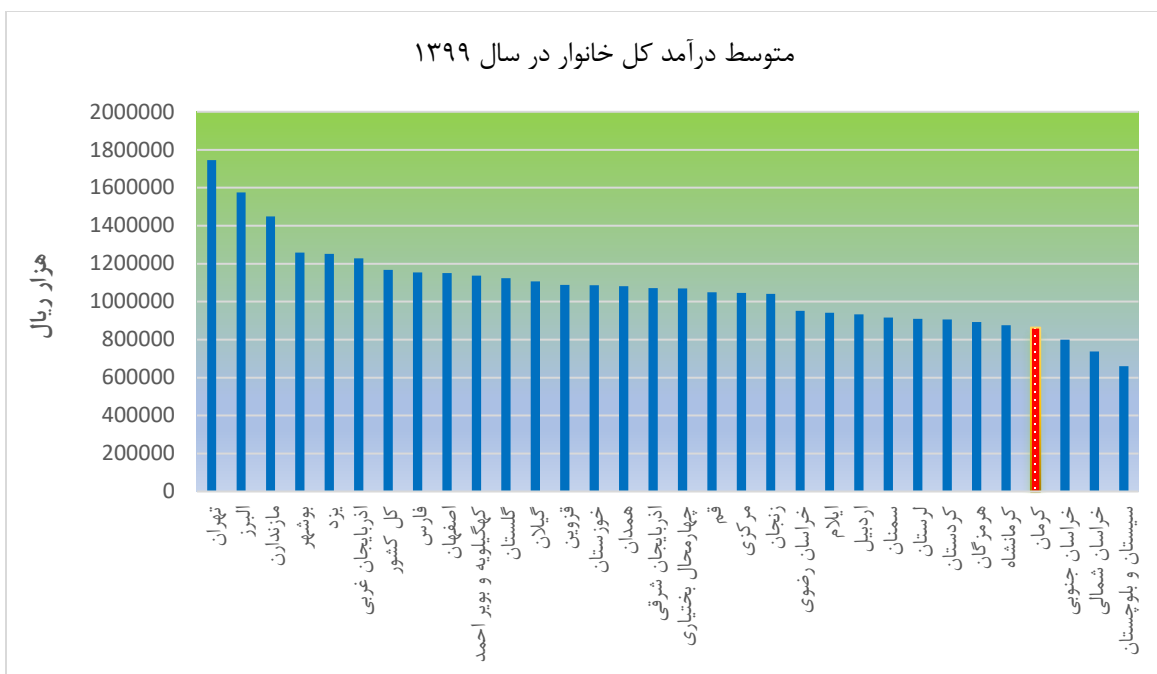
۵۰٪	۵۱۱۸۱۱	۳۴۰۸۸۹	۳۰۰۷۱۱	۲۵۰۸۸۰	۲۱۳۸۹۰	شهری	متوسط کل درآمد (هزار ریال)
۷۴٪	۳۵۱۳۵۹	۲۰۱۹۱۷	۱۵۷۴۱۳	۱۳۹۸۳۸	۱۲۲۰۶۹	روستایی	
۵۹٪	۸۶۳۱۷۰	۵۴۲۸۰۶	۴۵۸۱۲۴	۳۹۰۷۱۸	۳۳۵۹۵۹	مجموع	
-۲۳٪	۷۱٪	۸۸٪	۷۹٪	۷۶٪	۷۶٪	مجموع	نسبت هزینه به درآمد خانوار

نمودار (۳۵) نشان می‌دهد که در سال ۱۳۹۸ سهم هزینه‌های غیرخوراکی از کل هزینه خانوار ۵۴ درصد بوده است و مابقی هزینه حدود ۴۶ درصد مربوط به هزینه‌های خوراکی و دخانی شامل می‌شود. همچنین در بخش درآمدها نیز بیشترین سهم از درآمد خانوار به ترتیب شامل درآمدهای متفرقه، درآمد حقوق بگیری و درآمد مشاغل آزاد بوده است.



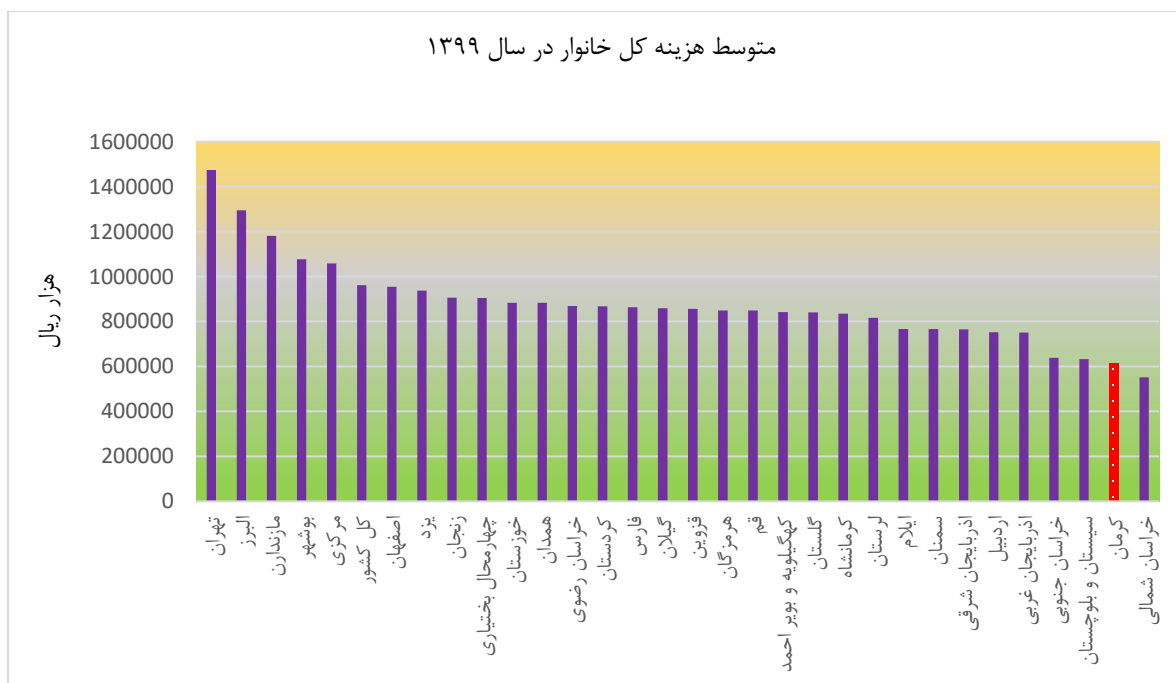
نمودار (۳۵): سهم درآمدها و هزینه‌های مختلف در کل درآمد هزینه خانوار استان کرمان

نمودار (۳۶) به مقایسه متوسط درآمد کل خانوار در سال ۱۳۹۹ در بین استان‌های کشور می‌پردازد. با توجه به نمودار استان کرمان بعد از استان‌های سیستان و بلوچستان، خراسان شمالی و خراسان جنوبی، پایین‌ترین سطح از درآمد خانوار را در بین ۳۱ استان کشور را به خود اختصاص داده است و استان‌های تهران، البرز و مازندران بیشترین سطح از درآمد را دارند.



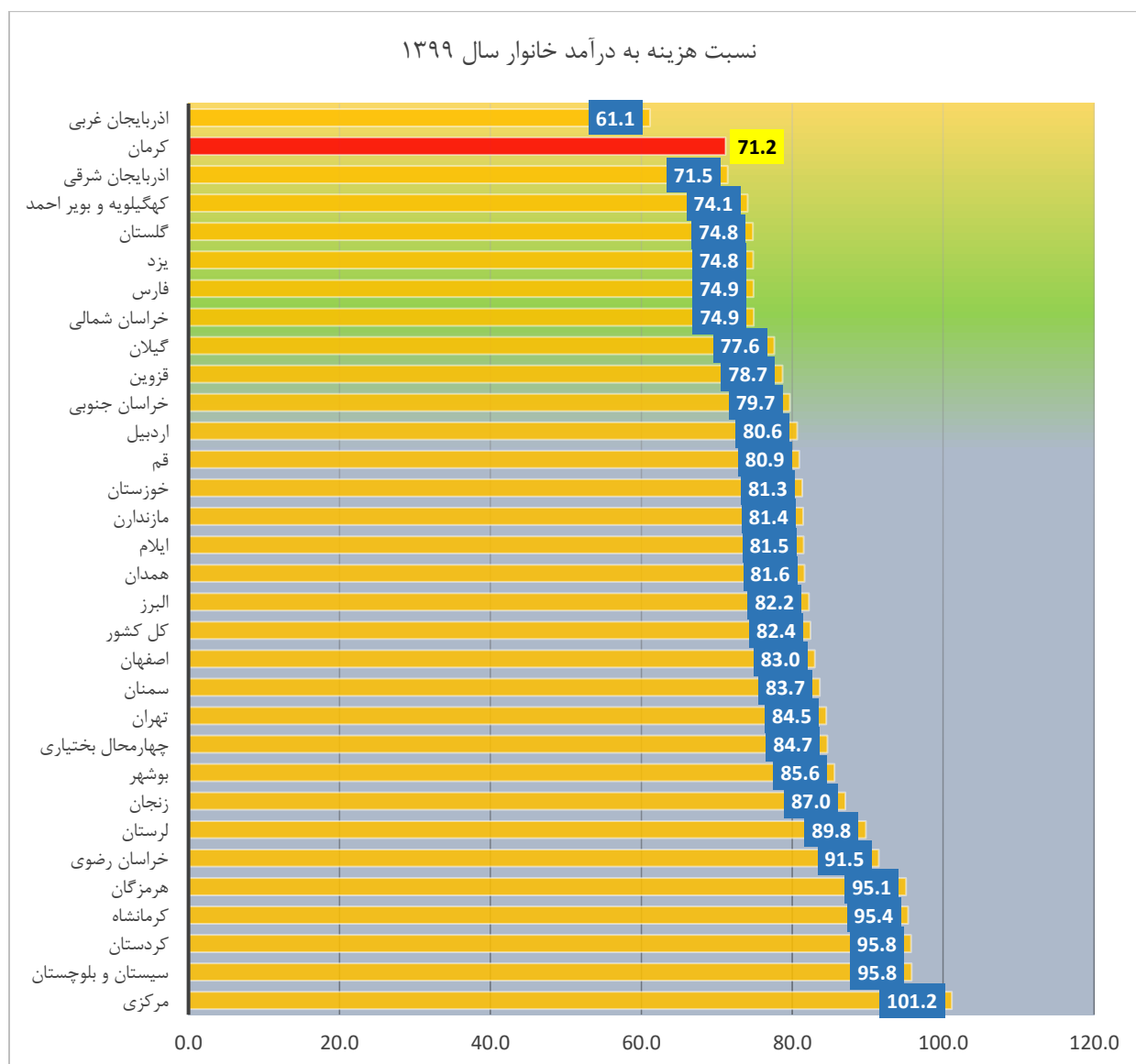
نمودار(۳۶): مقایسه میانگین درآمد خانوارها استان‌های کشور سال ۱۳۹۹

همچنین نمودار(۳۷) مقایسه بین متوسط هزینه خانوار در بین استان کشورها را نشان می‌دهد که بر اساس آن استان کرمان در سال ۱۳۹۹ بعد از استان خراسان شمالی پایین‌ترین سطح از هزینه خانوار را داشته است و استان تهران، البرز و مازندران در بالاترین رتبه قرار داشته‌اند.



نمودار(۳۷): مقایسه میانگین هزینه خانوارها استان‌های کشور سال ۱۳۹۹

از طرف دیگر نمودار (۳۸) به بررسی نسبت هزینه به درآمد خانوارها در استان‌های مختلف کشور در سال ۱۳۹۹ پرداخته است که بر اساس آن استان کرمان بعد از استان آذربایجان غربی با نسبت ۷۱/۲ درصد پایین‌ترین نسبت را در میان ۳۱ استان کشور به خود اختصاص داده است و از این حیث استان‌های مرکزی، سیستان و بلوچستان، و کردستان بیشترین نسبت هزینه به درآمد خانوار را به خود اختصاص داده‌اند.



نمودار (۳۸): نسبت هزینه به درآمد خانوار استان‌های ایران سال ۱۳۹۹

در یک نگاه کلی، استان کرمان هم از جنبه درآمد خانوار و هم از جنبه هزینه خانوار جز دو یا سه استان پایین از این لحاظ بوده است. همچنین آمار نشان می‌دهد که در سال ۱۳۹۸ تعداد خانوار برابر ۹۷۱۸۹۵ و در سال ۱۳۹۹



حدود ۹۸۱۶۱۴ بوده است که با ضرب این ارقام، کل درآمدهای مازاد استان که صرف هزینه نشده است برابر ۱۲ هزار میلیارد تومان در سال ۱۳۹۸ و ۲۴ میلیارد تومان در سال ۱۳۹۹ است.

جدول (۱۴): رتبه استان کرمان در میان ۳۱ استان کشور از جنبه درآمد و هزینه خانوار

سال	۱۳۹۸	۱۳۹۹
رتبه درآمد کل خانوار استان کرمان در بین ۳۱ استان کشور (از بیشترین به کمترین)	۳۰	۲۸
رتبه هزینه کل خانوار استان کرمان در بین ۳۱ استان کشور (از بیشترین به کمترین)	۳۱	۳۰
رتبه نسبت درآمد به هزینه کل خانوار استان کرمان در بین ۳۱ استان (از بیشترین به کمترین)	۲۸	۳۰
تفاوت بین درآمد کل از هزینه کل خانوار (هزار ریال)	۱۲۳۵۴۴	۲۴۸۹۲۴
کل درآمدهای مازاد بر هزینه در کل خانوارهای استان کرمان (میلیارد تومان)	۱۲۰۰۷	۲۴۴۳۴

## ۷/۴ سایر شاخص ها

### ۷/۴/۱ بودجه عمومی استان

دولت‌ها در بسیاری از کشورهای در حال توسعه نقش مهم و قابل توجهی در اهدافی همانند رشد، توسعه و ثبات اقتصادی دارند و در این میان دولت از بودجه خود به عنوان یک اهرمی قدرتمند در جهت دستیابی به این اهداف استفاده می‌کند. سیاست‌های مالی دولت در چارچوب بودجه سالانه بر بسیار از متغیرهای اقتصادی از جمله رشد و سرمایه‌گذاری تأثیر مهمی دارد. تئوری‌های اقتصادی نشان می‌دهد که سیاست‌های مالی دولت در قالب هزینه‌های جاری و عمرانی می‌تواند زیرساخت‌های لازم برای بخش خصوصی را فراهم نماید و از این رو منجر به افزایش سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و در نتیجه رشد اقتصادی شود. از طرف دیگر افزایش مخارج دولت می‌تواند در قالب تقاضا برای کالاهای مختلف وارد بازار شود و از این طریق هم می‌تواند سبب افزایش سطح تولید، درآمد و در نتیجه سرمایه‌گذاری شود. بر اساس دیدگاه اقتصاددانان، سرمایه‌گذاری دولت می‌تواند به سرمایه‌گذاری برای زیربناها، تحصیل، بهداشت، ساخت سد و غیره اختصاص یابد و سبب تسهیل محیط کسب و کار و درست‌رسی آسان به بازار می‌شود.

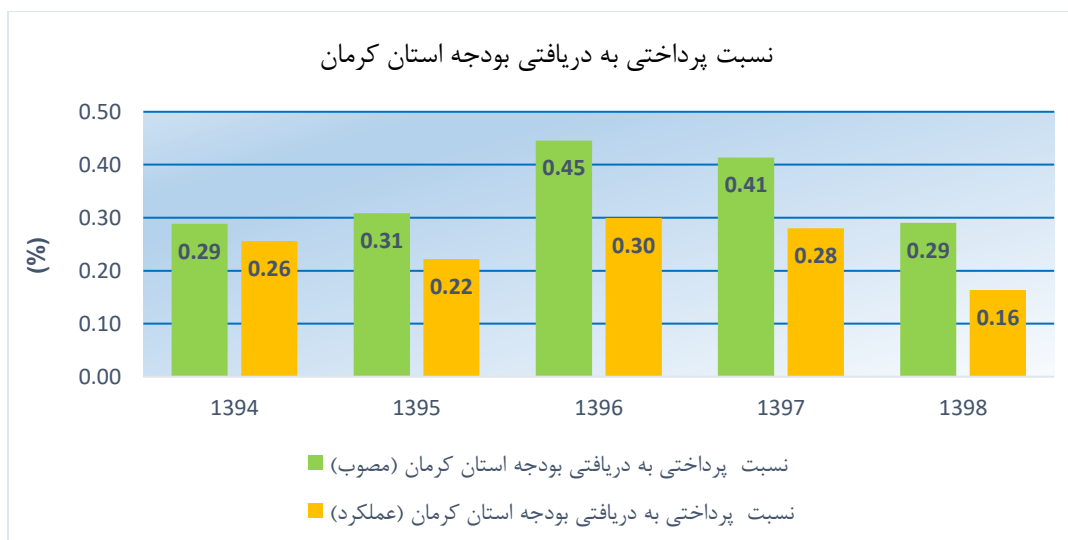
جدول (۱۵) بودجه عمومی استان شامل دریافتی‌ها و پرداختی‌ها براساس عملکرد و مصوب بودجه عمومی را نشان می‌دهد. بر اساس آمار، روند دریافتی‌های بودجه عمومی استان در طی سال‌های اخیر رشد قابل توجهی چه در بودجه مصوب و چه در بخش عملکرد داشته است، اما پرداختی‌های بودجه‌ای روندی نزولی طی کرده است. به عنوان نمونه از سال ۱۳۹۷ تا ۱۳۹۸ مصوبه‌ی دریافتی بودجه استان رشدی ۴۴ درصد (معادل ۳۷۰۰ میلیارد تومان) را تجربه کرده است اما پرداختی‌های مصوب از ۶۵ درصد رشد در سال ۱۳۹۶ به ۱ درصد رشد در سال

۱۳۹۸ رسیده است. همچنین بر اساس عملکرد نیز از سال ۱۳۹۷ تا ۱۳۹۸ دریافتی‌های بودجه‌ای استان از ۳۱۶۰ میلیارد تومان به رقمی بیش از ۴۷۷۰ میلیارد تومان افزایش داشته است که نشان دهنده یک رشد ۵۰ درصدی می باشد، اما عملکرد در پرداختی‌های بودجه‌ای استان در طی همین دوره رشد منفی ۱۲ درصد را تجربه کرده است.

نمودار(۱۵): بودجه عمومی استان کرمان ۱۳۹۴-۱۳۹۸ (میلیون ریال)

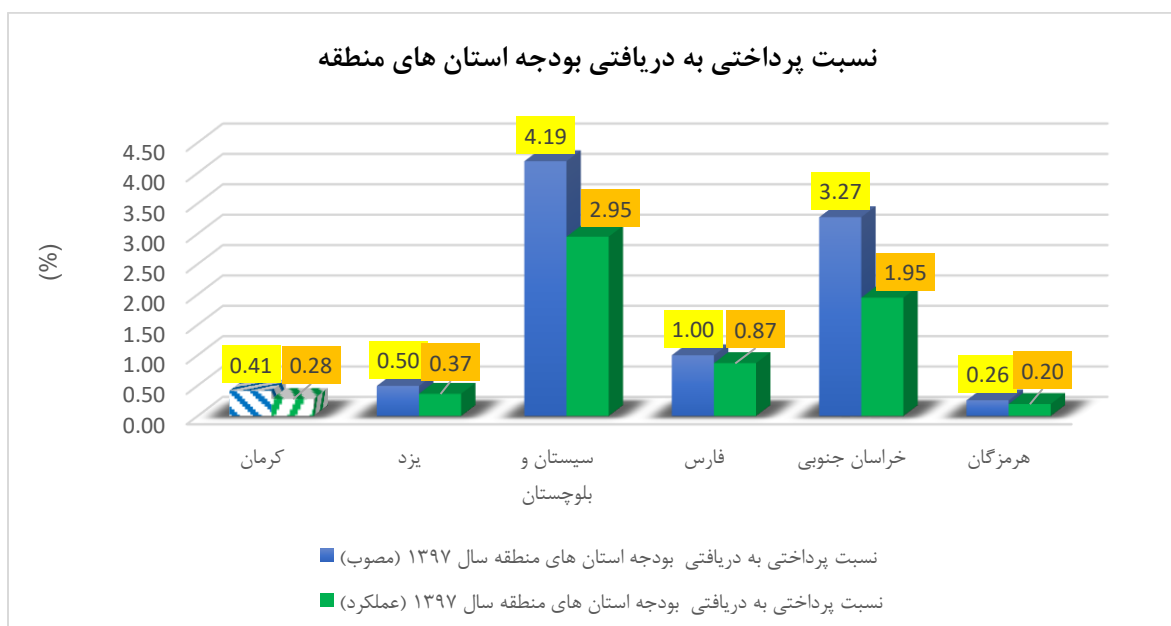
۱۳۹۸	۱۳۹۷	۱۳۹۶	۱۳۹۵	۱۳۹۴		
۳۷۶۸۶۳۳۱	۲۶۱۰۶۳۱۵	۲۳۷۶۰۴۸۱	۲۰۷۱۹۴۵۶	۱۷۸۵۹۰۹۱	دریافتی	مصوب بودجه
(.۴۴)	(.۱۰)	(.۱۴)	(.۱۶)			(رشد نسبت به سال قبل)
۱۰۹۵۱۲۶۷	۱۰۸۰۳۷۶۰	۱۰۵۸۲۰۸۰	۶۳۸۵۶۱۲	۵۱۴۹۳۷۵	پرداختی	
(.۱)	(.۳)	(.۶۵)	(.۲۴)			
۴۷۷۱۸۳۳۳	۳۱۶۸۹۴۱۰	۲۸۲۶۶۱۱۷	۲۳۳۱۹۴۳۰	۱۹۴۸۱۷۸۰۹	دریافتی	عملکرد بودجه
(.۵۰)	(.۱۲)	(.۲۱)	(.۲۰)			(رشد نسبت به سال قبل)
۷۸۰۷۱۵۰	۸۸۸۱۹۰۲	۸۴۷۰۴۸۷	۵۱۷۴۴۶۷	۴۹۸۶۱۸۰	پرداختی	
(-.۱۲)	(۵٪)	(.۶۳)	(.۳)			

با توجه به نمودار (۳۹)، در تمامی سال‌های تحت بررسی، نسبت پرداختی به دریافتی عملکرد بودجه‌ای استان به طور قابل ملاحظه‌ای پایین‌تر از بودجه مصوب عمومی استان بوده است. همچنین به نظر می‌رسد که نسبت پرداختی‌ها به دریافتی‌های بودجه‌ای استان بسیار پایین می‌باشد، به طوری که در سال ۱۳۹۸ تنها ۱۶ درصد از دریافتی بودجه صرف هزینه‌های جاری و عمرانی در استان شده است که این میزان پایین‌تر از مقدار مصوب آن که حدود ۲۹ درصد بوده می‌باشد. همچنین روند پرداختی‌ها به دریافتی‌ها نشان می‌دهد که در سال ۱۳۹۸ ما شاهد پایین‌ترین سطح از نسبت پرداختی به دریافتی بودجه استان که معادل ۱۶ درصد است می‌باشیم.



نمودار (۳۹): نسبت پرداختی به دریافتی بودجه استان

با نگاهی به نمودار (۴۰) مشاهده می‌کنیم که با توجه به اطلاعات در دسترس، در سال ۱۳۹۷ استان کرمان بعد از استان هرمزگان، پایین‌ترین نسبت پرداختی به دریافتی بودجه‌ای چه بر اساس عملکرد و چه بر اساس مصوب را داشته است. نکته جالب این است که در استان سیستان و بلوچستان و استان خراسان جنوبی میزان پرداخت‌های بودجه‌ای به ترتیب بیش از ۴ و ۳ برابر دریافتی‌های بودجه‌ای در این استان‌ها هستند.



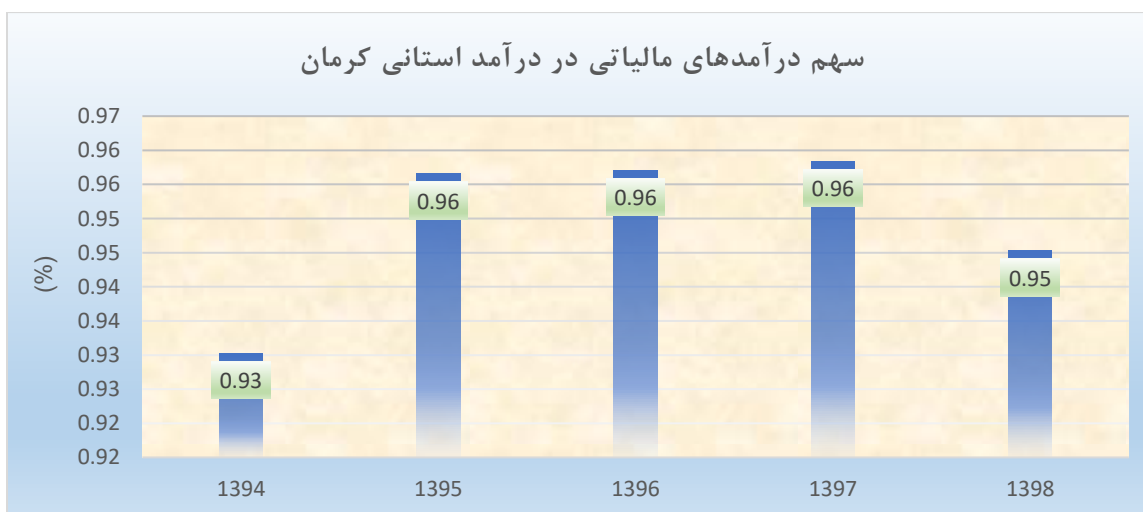
نمودار (۴۰): نسبت دریافتی به پرداختی بودجه استان‌های منطقه سال ۱۳۹۷

جدول (۱۶) نشان می‌دهد که در سال‌های اخیر به طور میانگین سهم درآمدهای استانی در کل دریافتی بودجه‌ای استان بیش از ۹۸ درصد بوده است و همچنین مابقی دریافتی‌ها مربوط به درآمدهای ملی می‌باشد. از طرف دیگر در بخش پرداختی نیز به طور میانگین بیش از ۶۰ درصد از پرداختی‌ها استان مربوط به هزینه‌های جاری و مابقی آن مربوط به هزینه‌های عمرانی می‌باشد. به عنوان نمونه در سال ۱۳۹۸ سهم هزینه جاری در کل پرداختی ۷۵ درصد و سهم تملک دارایی سرمایه‌ای ۲۵ درصد بوده است.

جدول (۲۰): سهم بخش‌های مختلف در دریافتی و پرداختی بودجه استان

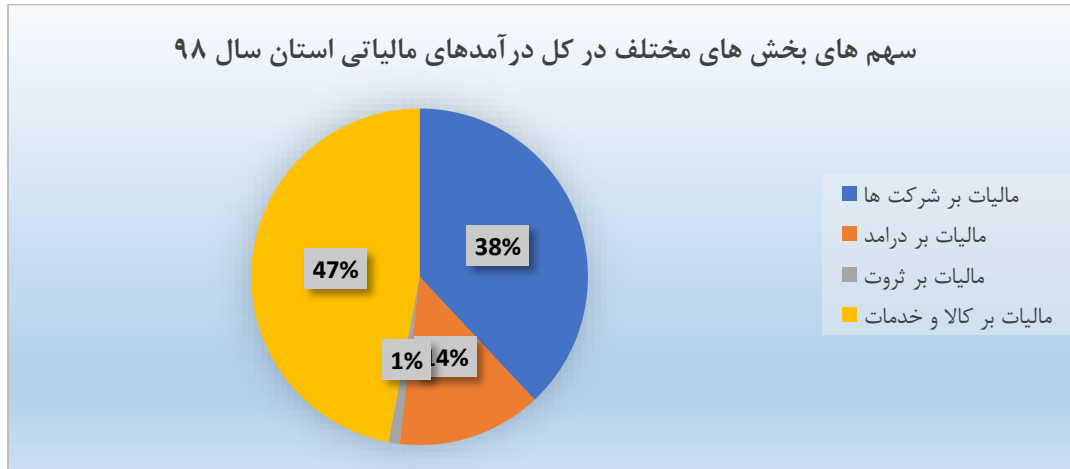
۱۳۹۸	۱۳۹۷	۱۳۹۶	۱۳۹۵	۱۳۹۴	
۹۹٪	۹۷٪	۹۹٪	۹۸٪	۸۸٪	سهم درآمد استانی از کل درآمد بودجه استان
۱٪	۳٪	۱٪	۲٪	۱۲٪	سهم درآمد ملی از کل درآمد بودجه استان
۷۵٪	۵۴٪	۵۰٪	۶۸٪	۶۵٪	سهم هزینه‌های پرداختی در کل پرداختی‌ها
۲۵٪	۴۶٪	۵۰٪	۳۲٪	۳۵٪	سهم تملک دارایی در کل پرداختی‌ها

نمودار (۴۱) نشان می‌دهد که در سال‌های اخیر بیش از ۹۵ درصد از کل درآمدهای استانی مربوط به درآمدهای مالیاتی است. به عنوان نمونه در سال ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ سهم درآمدهای مالیاتی در کل درآمدهای استان به ترتیب ۹۶ و ۹۵ درصد مشاهده می‌شود.



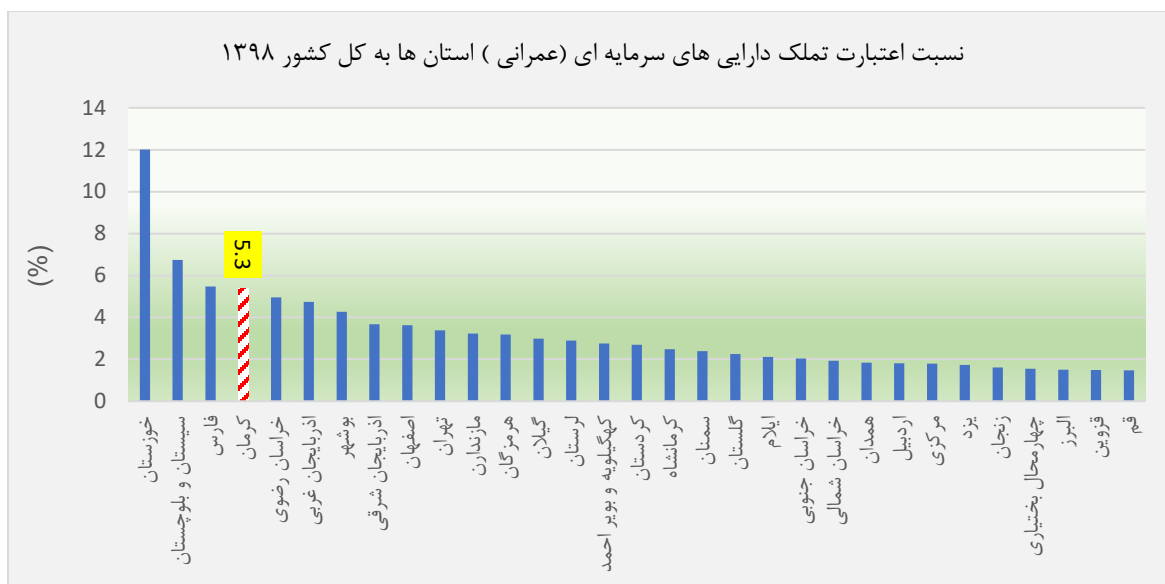
نمودار (۴۱): سهم درآمدهای مالیاتی در درآمد استان کرمان

همچنین با توجه به نمودار (۴۲) بیشترین سهم از درآمدهای مالیاتی استان در سال ۱۳۹۸، به ترتیب مربوط به مالیات بر کالا و خدمات (۴۸ درصد)، مالیات بر شرکت‌ها (۳۸ درصد)، مالیات بر درآمد (۱۴ درصد) و مالیات بر ثروت (۱ درصد) بوده است.



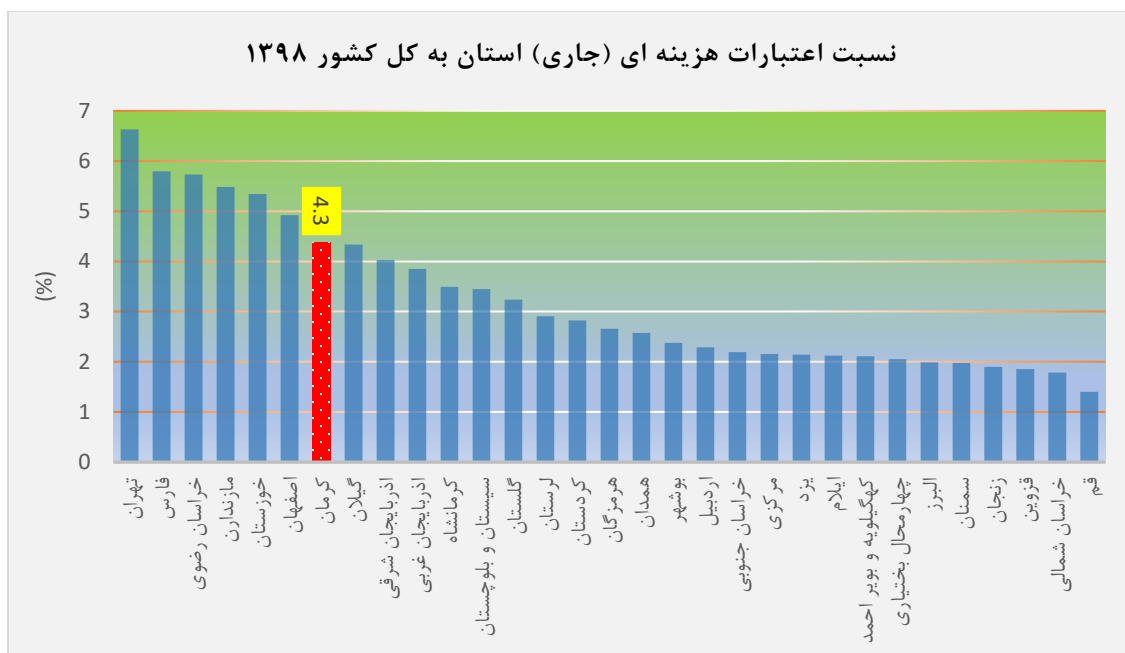
نمودار(۴۲): سهم بخش های مختلف در درآمدهای مالیاتی استان کرمان

با توجه به نمودار (۴۳)، در سال ۱۳۹۸ استان کرمان با رقم ۱۸۷ میلیارد تومان و با نسبت ۵/۳ درصد به کل کشور بعد از استان‌های خوزستان، سیستان و بلوچستان و فارس در رتبه چهارم از لحاظ نسبت عملکرد اعتبارات تملک دارایی سرمایه (عمرانی) به کل را داشته است. همچنین در این میان استان‌های قم، قزوین و البرز پایین‌ترین میزان از نسبت عملکرد اعتبارات تملک دارایی سرمایه به کل کشور را داشته‌اند. البته میزان رقم عملکرد اعتبارات تملک دارایی استان کرمان در سال ۱۳۹۷ استان کرمان بالغ بر ۳۴۸ میلیارد تومان بوده است که نشان می‌دهد در سال ۱۳۹۸ این رقم به شدت کاهش یافته و به رقم ۱۸۷ میلیارد تومان رسیده است. در بین استان‌های منطقه نیز استان کرمان بعد از استان فارس در جایگاه دوم بالاترین نسبت هزینه های عمرانی به کل کشور را دارا است.



نمودار (۴۳): نسبت اعتبارات تملک دارایی های سرمایه ای (عمرانی) استان ها به کل کشور ۱۳۹۸

از طرف دیگر، میزان عملکرد اعتبارات هزینه (جاری) استان کرمان در سال ۱۳۹۸ بالغ بر ۵۹۳ میلیارد تومان بوده است که این میزان معادل ۴/۳ درصد از کل اعتبارات هزینه ای جاری کشور است و از این منظر استان کرمان در رتبه هفتم در میان استان های کشور با بالاترین عملکرد اعتبارات هزینه جاری قرار دارد. در این میان استان های تهران، فارس و خراسان رضوی در بالاترین رتبه و استان های قم، خراسان شمالی و قزوین کمترین سهم از اعتبارات هزینه ای جاری کل کشور را به خود اختصاص داده اند. همچنین در میان استان های منطقه نیز استان کرمان بعد از استان فارس در جایگاه دوم بالاترین سهم اعتبارات هزینه ای جاری به کل کشور قرار دارد. عملکرد اعتبارات هزینه ای جاری استان کرمان در سال ۱۳۹۸ نسبت به سال قبل آن ۲۲ درصد رشد داشته است.



نمودار (۴۴): نسبت اعتبارات هزینه ای (جاری) استان به کل کشور ۱۳۹۸

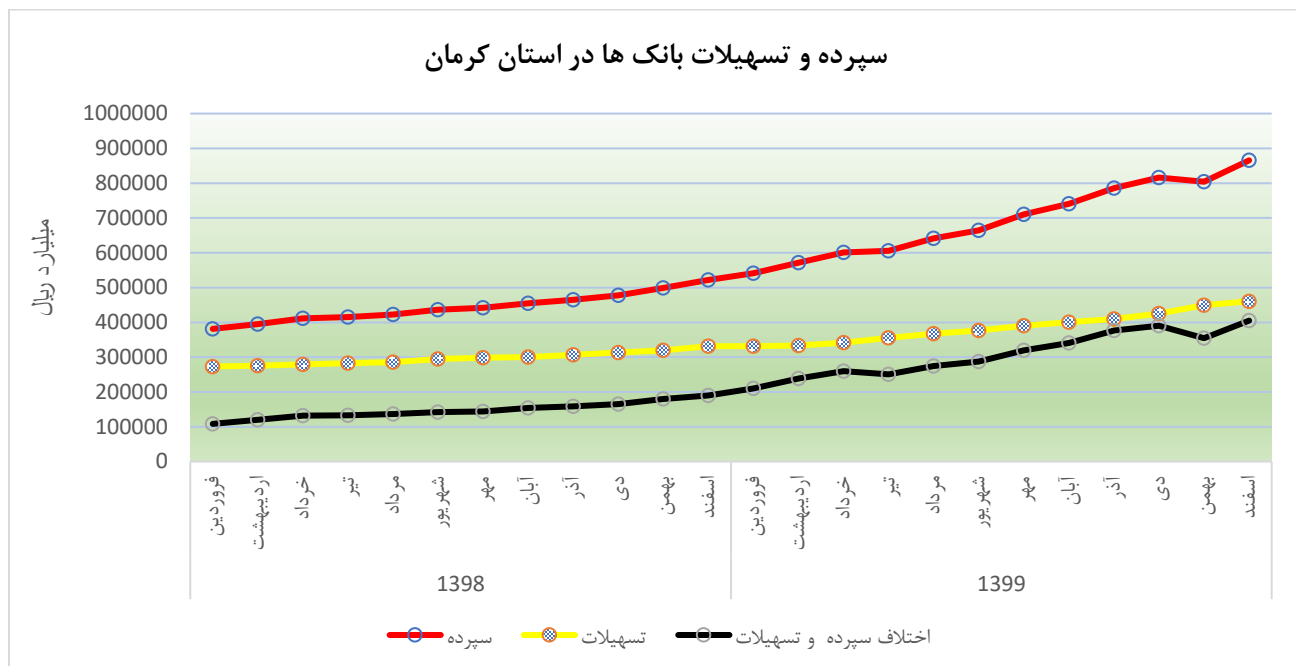
### ۷/۴/۲ نسبت تسهیلات به سپرده شبکه بانکی

استان کرمان علیرغم داشتن قابلیت‌های مهمی چون ذخایر معدنی فراوان، زیر ساخت مناسب حمل و نقل، شهرک‌های صنعتی متنوع، داشتن صنایع بزرگ و مادر و پتانسیل‌های کشاورزی و برقی، از شرایط نامناسب تامین مالی برای پروژه‌های خود رنج می‌برد و مسئله تامین مالی، یکی از اصلی‌ترین دغدغه‌های فعالین اقتصادی استان است. یکی از نسبت‌های کاربردی و مهم بانکداری شاخص نسبت تسهیلات به سپرده است که از قدیم مورد استفاده و استناد قرار می‌گرفته است. این نسبت نشان می‌دهد چه میزان از سپرده‌های جذب شده توسط بانک به صورت تسهیلات در اختیار مردم و مشتریان بانک قرار گرفته است. روند نزولی نسبت تسهیلات به سپرده نشان می‌دهد که قدرت تسهیلات دهی بانک‌ها در سال‌های اخیر کاهش یافته است. این علامت بدی است و نشان می‌دهد بانک کار اصلی‌اش را که همان اعطای تسهیلات و تامین مالی است انجام نمی‌دهد و از این رو سرمایه‌گذاری‌ها با مشکلات متعددی مواجه می‌شوند.

اطلاعات مربوط به سپرده و تسهیلات نظام بانکی استانی از سایت بانک مرکزی ایران استخراج شده است که مربوط به بانک‌های دولتی، خصوصی شده، خصوصی و همچنین مؤسسات اعتباری غیربانکی دارای مجوز نزد بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. از طرف دیگر عمده ارقام سپرده‌های ریالی بخش غیردولتی نزد بانک‌ها و مؤسسات اعتباری شامل سپرده‌های دیداری، قرض‌الحسنه پس‌انداز، سپرده سرمایه‌گذاری کوتاه مدت و بلندمدت، پیش دریافت‌های غیردولتی و بستانکاران موقت ریالی و سپرده‌های ارزی شامل سپرده‌های دیداری، مدت‌دار، پس‌انداز و پیش دریافت اعتبارات اسنادی غیردولتی و بستانکاران موقت ارزی می‌باشد. از طرف دیگر ارقام

تسهیلات شامل مطالبات از دولت، خالص تسهیلات اعطایی اعم از ریالی و ارزی و مطالبات سررسید گذشته، معوق و مشکوک الوصول است.

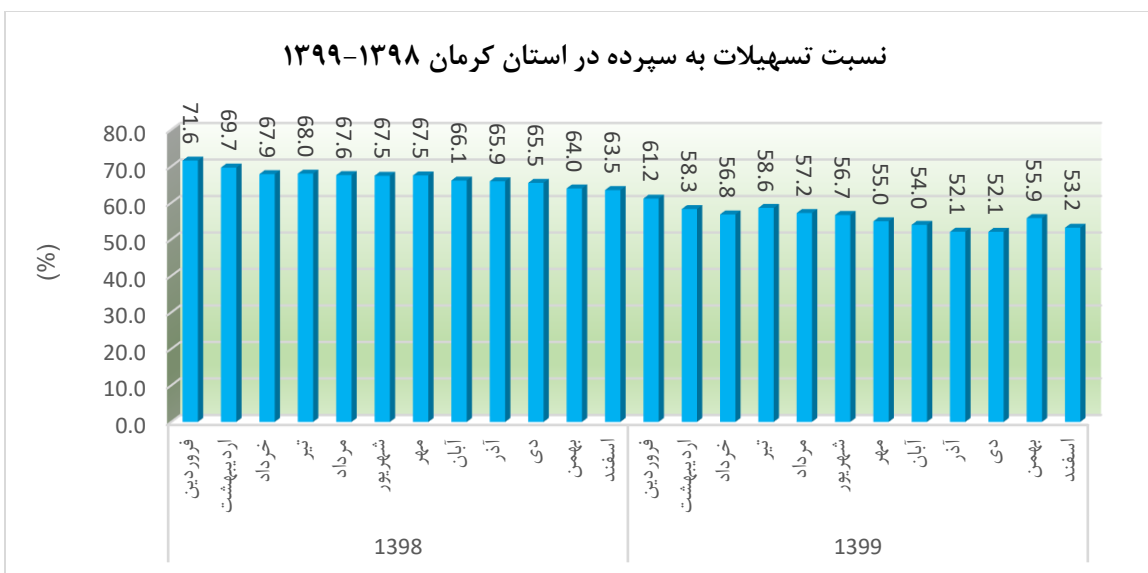
نمودار (۴۵) نشان می‌دهد که در طی دوازده ماه سال ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹، میزان سطح سپرده استان بیش از میزان تسهیلات ارائه شده توسط سیستم بانکی بوده است و این اختلاف در طول زمان در حال افزایش است. میزان سپرده از ۳۸ هزار میلیارد تومان در فروردین سال ۱۳۹۸ به ۸۶ هزار میلیارد تومان در اسفند سال ۱۳۹۹ افزایش یافته است و همچنین در این مدت تسهیلات از ۲۷ میلیارد تومان به ۴۶ میلیارد تومان افزایش یافت. همچنین در طول این دوره اختلاف بین سپرده و تسهیلات نیز از ۱۱ میلیارد تومان به ۴۰ میلیارد تومان افزایش داشت.



نمودار(۴۵): سپرده و تسهیلات استان کرمان در سال ۱۳۹۸-۱۳۹۹

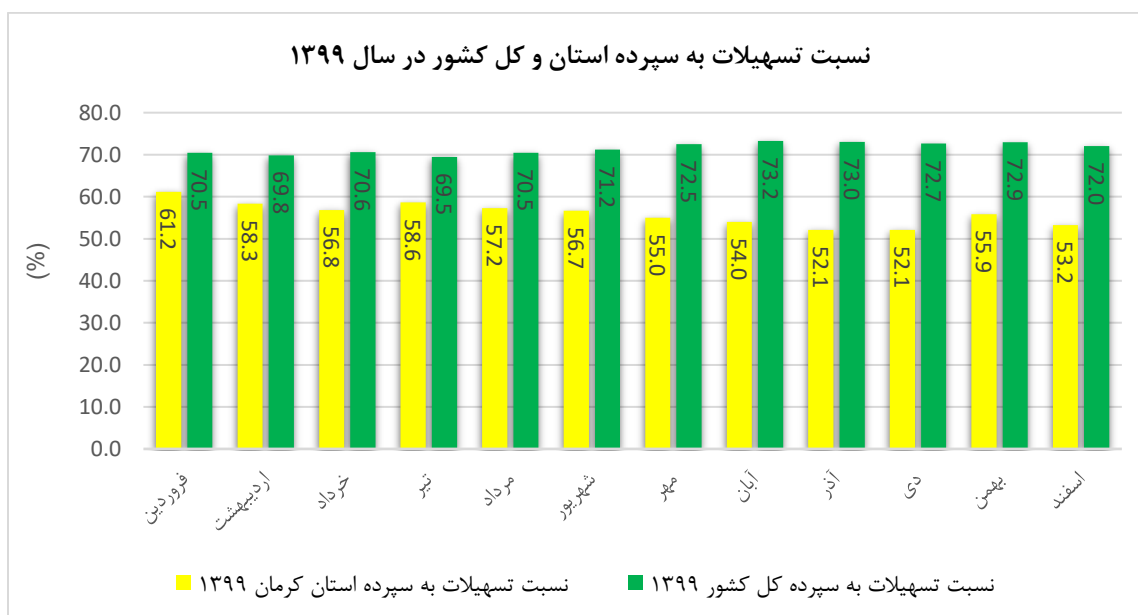
همچنین نمودار (۴۶) نشان می‌دهد که نسبت تسهیلات به سپرده استان در طول سال‌های ۱۳۹۸ تا ۱۳۹۹ روند نزولی را طی کرده است. میزان این شاخص در فروردین ۱۳۹۸ برابر ۷۱/۶ درصد بوده است اما در اسفند ۱۳۹۹ این رقم به ۵۳ درصد کاهش پیدا کرده است و همانطور که نمودار نشان می‌دهد این روند در طول این دوره کاملاً نزولی بوده است.





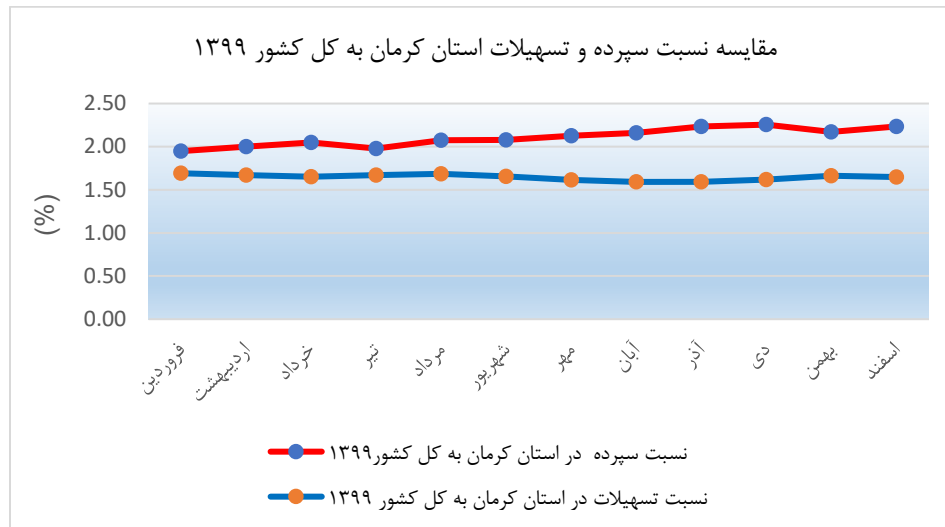
نمودار (۴۶): نسبت تسهیلات به سپرده در استان کرمان ۱۳۹۸-۱۳۹۹

از طرف دیگر نمودار (۴۷) به مقایسه نسبت تسهیلات به سپرده استان کرمان و کل کشور پرداخته است که نشان می‌دهد این نسبت برای استان کرمان به طور قابل توجهی کمتر از میانگین کشوری است. به عنوان نمونه در بسیار از ماه‌های سال ۱۳۹۹ این نسبت برای کل کشور بیش از ۷۰ درصد اما برای استان کرمان به طور میانگین ۵۵ درصد ثبت شده است.



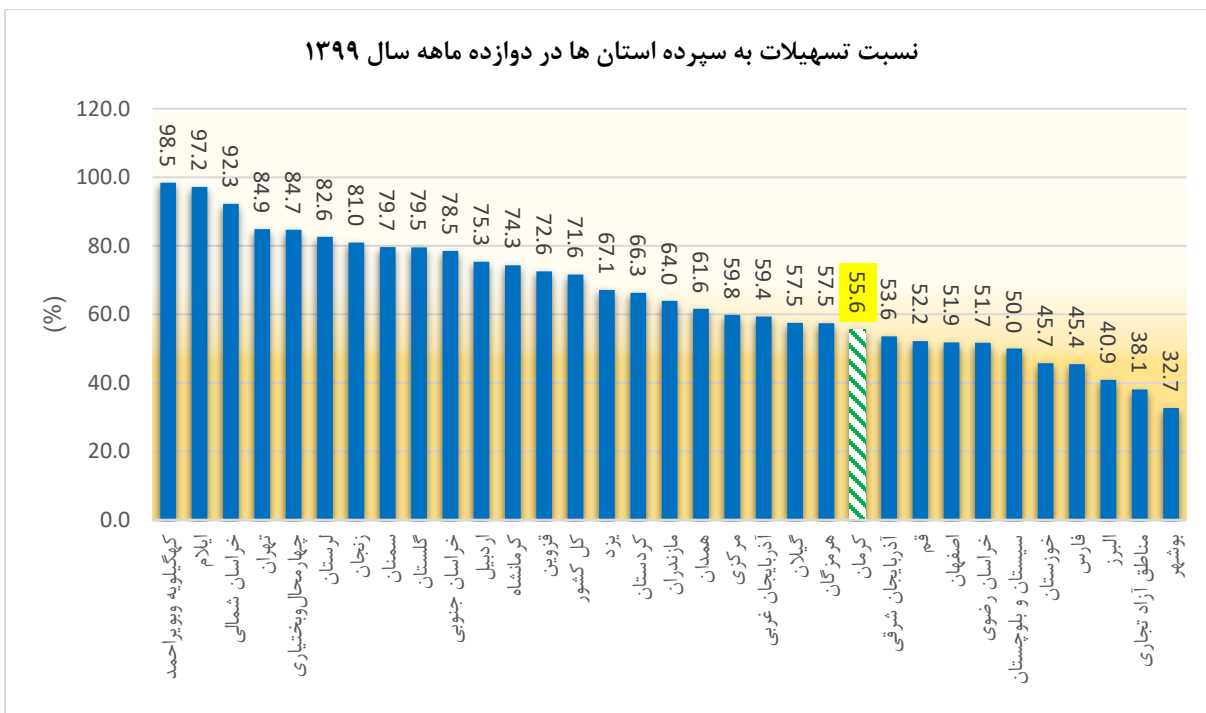
نمودار (۴۷): نسبت سپرده به تسهیلات استان و کل کشور در سال ۱۳۹۹

نمودار (۴۸) نشان می‌دهد که به طور متوسط نسبت سپرده استان کرمان به کل کشور در سال ۱۳۹۹ برابر ۲/۱۱ درصد و همین نسبت برای تسهیلات برابر ۱/۵۶ مشاهده شد.



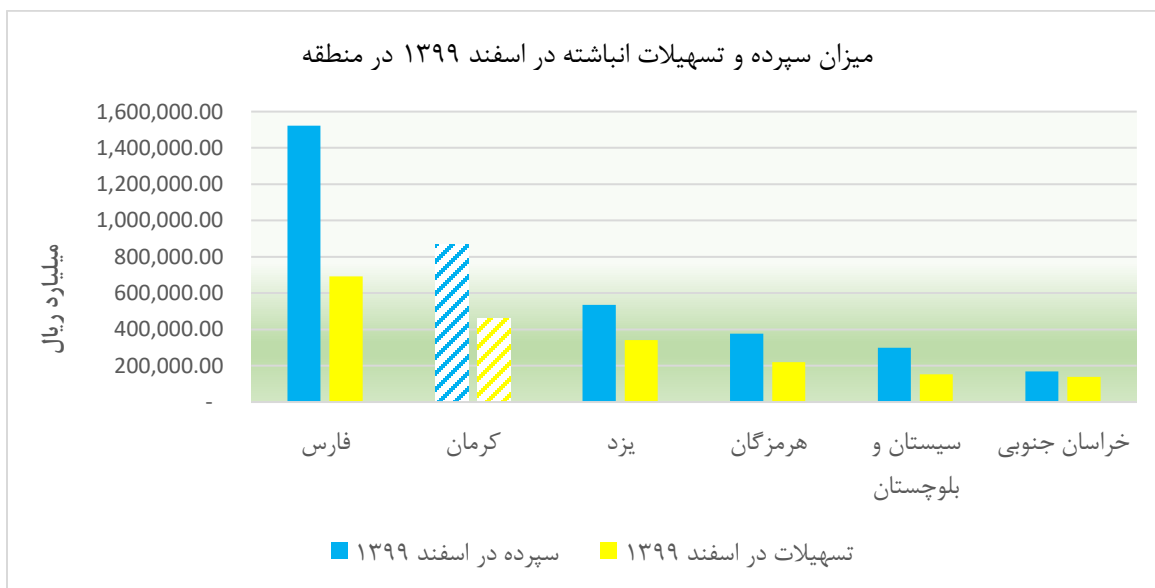
نمودار(۴۸):مقایسه نسبت سپرده و تسهیلات استان کرمان به کل کشور ۱۳۹۹

نسبت تسهیلات به سپرده در ۳۱ استان کشور در نمودار (۴۹) نشان داده می‌شود. استان کرمان با سهم ۵۵/۶ درصد از نسبت تسهیلات به سپرده در سال ۱۳۹۹ جز ۱۱ استان با پایین‌ترین این شاخص قرار دارد. استان‌های کهگیلویه و بویر احمد با ۹۸/۵ و استان ایلام با ۹۷/۲ و خراسان شمالی ۹۲/۳ درصد در رتبه‌های اول تا سوم از لحاظ بالاترین این شاخص قرار دارند و استان‌های بوشهر و البرز در پایین‌ترین این رتبه قرار گرفته‌اند.



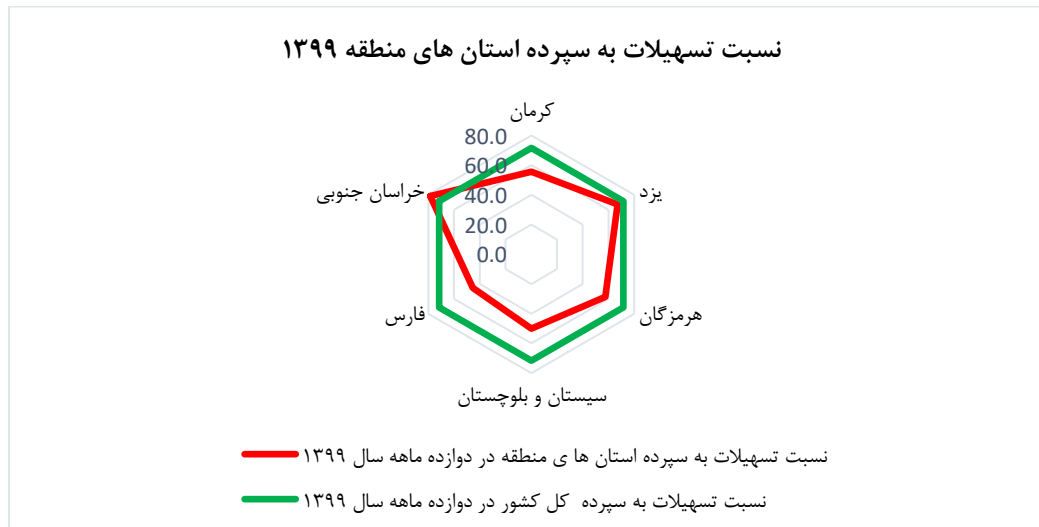
نمودار (۴۹): نسبت تسهیلات به سپرده استان ها در دوازده ماهه سال ۱۳۹۹

نمودار (۵۰) تسهیلات و سپرده انباشته استان های منطقه در اسفند ماه سال ۱۳۹۹ را نشان می دهد. استان کرمان بعد از استان فارس در رتبه دوم قرار دارد. مجموع سپرده انباشته استان کرمان در اسفند سال ۱۳۹۹ برابر ۸۶ هزار میلیارد تومان و تسهیلات برابر ۴۶ هزار میلیارد تومان است. همچنین برای استان فارس این رقم برای سپرده برابر ۱۵۲ هزار میلیارد تومان و برای تسهیلات ۷۰ هزار میلیارد تومان است.



نمودار (۵۰): مجموع تسهیلات و سپرده استان های منطقه در اسفند سال ۱۳۹۹

نمودار (۵۱) نشان می‌دهد که استان کرمان با نسبت ۵۵/۶ بعد از استان‌های فارس و سیستان و بلوچستان پایین‌ترین سطح از میزان نسبت تسهیلات به سپرده در منطقه را دارا می‌باشد. در این میان استان خراسان جنوبی با ۷۸ درصد بالاترین نسبت را دارد که از میانگین کل کشور که برابر ۷۱/۶ درصد است نیز بالاتر می‌باشد.

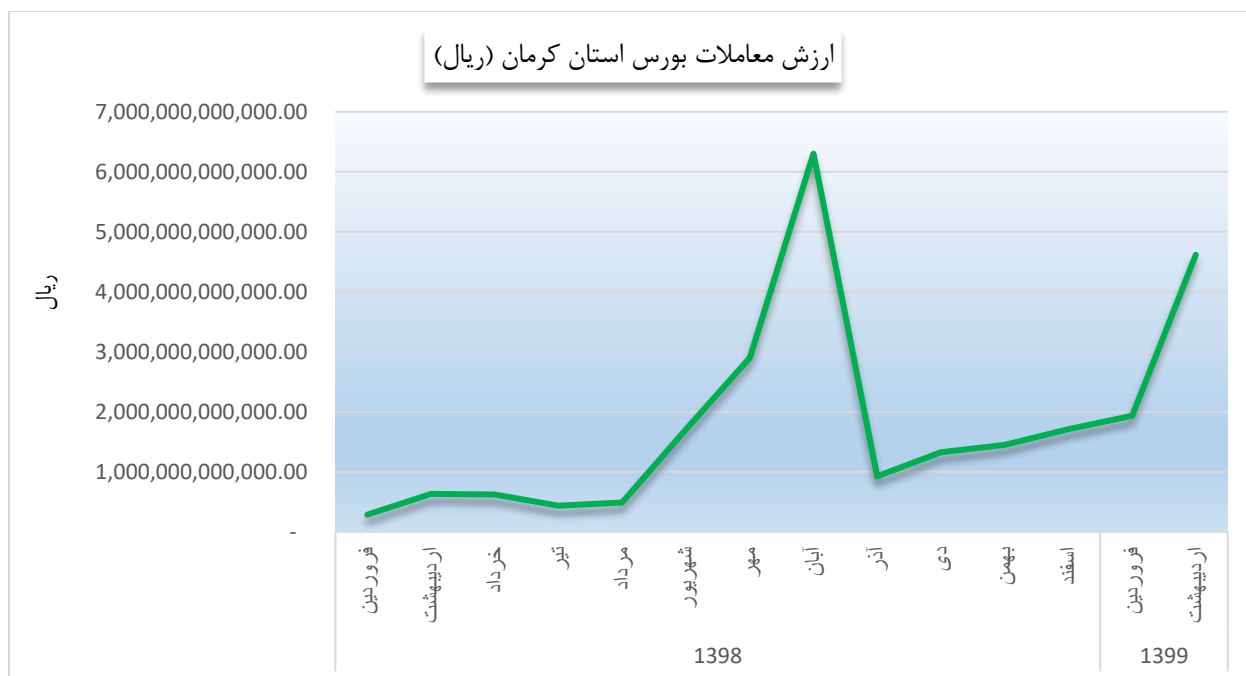


نمودار (۵۱): نسبت تسهیلات به سپرده استان‌های منطقه ۱۳۹۹

### ۷/۴/۳ ارزش معاملات بورس

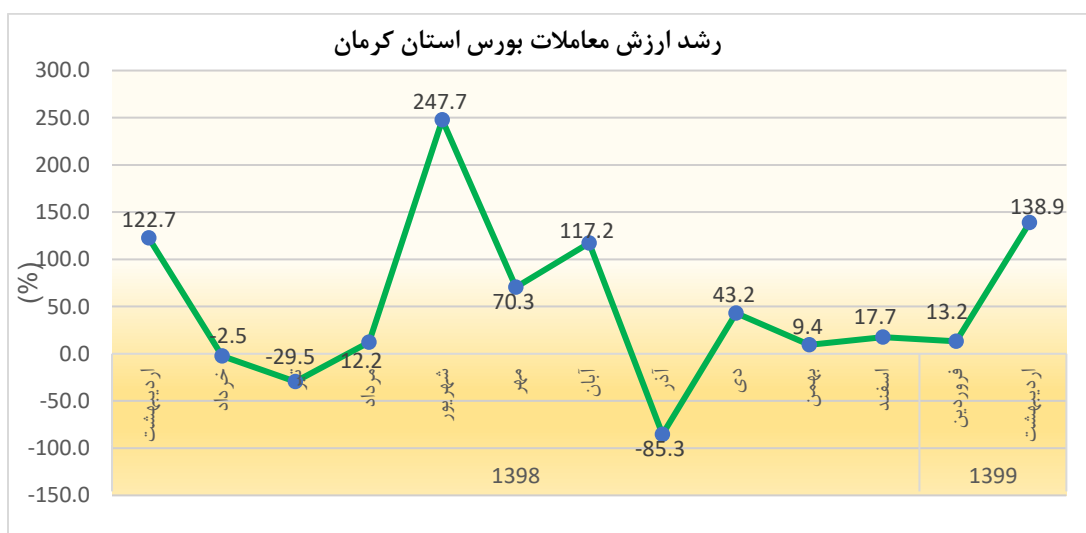
بر اساس دیدگاه مکاتب اقتصادی، یکی از مولفه‌های اصلی رشد اقتصادی هر کشور تعمیق بازار سرمایه از جمله بازار بورس است. در ارتباط با رابطه بین توسعه و تعمیق بازار مالی و رشد اقتصادی می‌توان بیان کرد که توسعه مالی از جمله توسعه بازار سرمایه می‌تواند هزینه لازم برای تشکیل سرمایه را کاهش دهد، و خود منجر به افزایش بهره‌وری و افزایش نسبت پس‌انداز و از این رو محرکی برای رشد اقتصادی در نظر گرفته شود. همچنین توسعه مالی می‌تواند از طریق تسهیل مدیریت ریسک، مشخص کردن پروژه‌های دارای بازدهی بالا و تسهیل مبادله کالا و خدمات، با ارتقاء تخصیص بهینه سرمایه موجب بهبود بهره‌وری عوامل کل تولید و به تبع آن افزایش رشد اقتصادی گردد.

از این رو ارزش معاملات بورس استان کرمان نشان می‌دهد که از فروردین سال ۱۳۹۸ تا آبان همین سال ارزش معاملات از ۲۸ میلیارد تومان به رقمی معادل ۶۳۰ میلیارد تومان افزایش یافت که نشان دهنده یک رشد قابل توجه ۲۱۱۰ درصدی (بیش از ۲۱ برابر) بوده است. سپس در آذر همین سال ارزش معاملات به ۹۱ میلیارد تومان کاهش یافت و در نهایت در اردیبهشت سال ۱۳۹۹ این رقم به ۴۶۱ میلیارد تومان رسید.



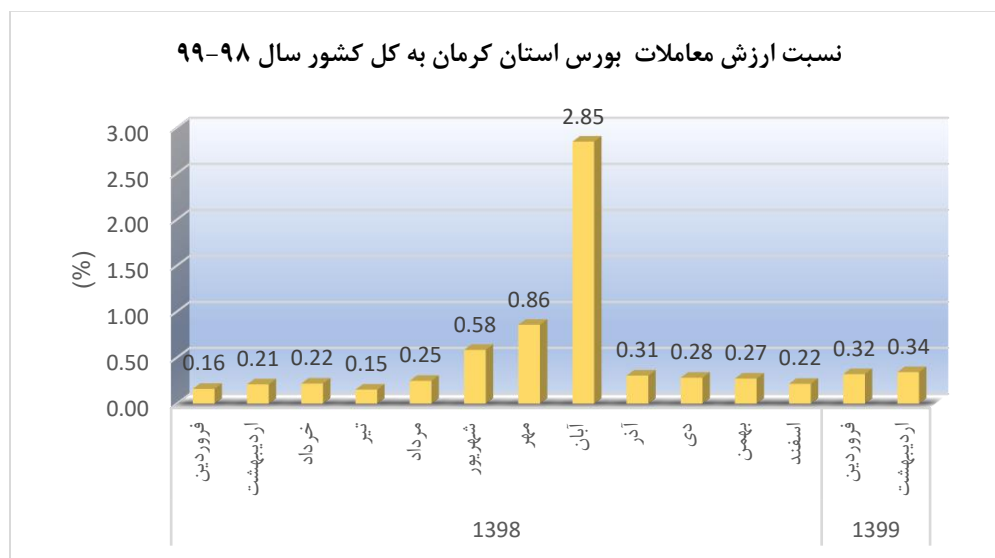
نمودار(۵۱): ارزش معاملات بورس استان کرمان در سال ۱۳۹۸-۱۳۹۹

در طی این دوره بیشترین رشد ماهانه در ارزش معاملات مربوط به شهریور سال ۱۳۹۸ که معادل ۲۴۷ درصد و کمترین مربوط به آذر ماه ۱۳۹۸ با منفی ۸۵ درصد مشاهده شد. کل ارزش معاملات بورس استان کرمان در سال ۱۳۹۷ برابر ۵۶۹ میلیارد تومان، سال ۱۳۹۸ برابر ۱۸۷۰ میلیارد تومان و در دو ماهه اول سال ۱۳۹۹ برابر ۶۵۴ میلیارد تومان برآورد شده است.



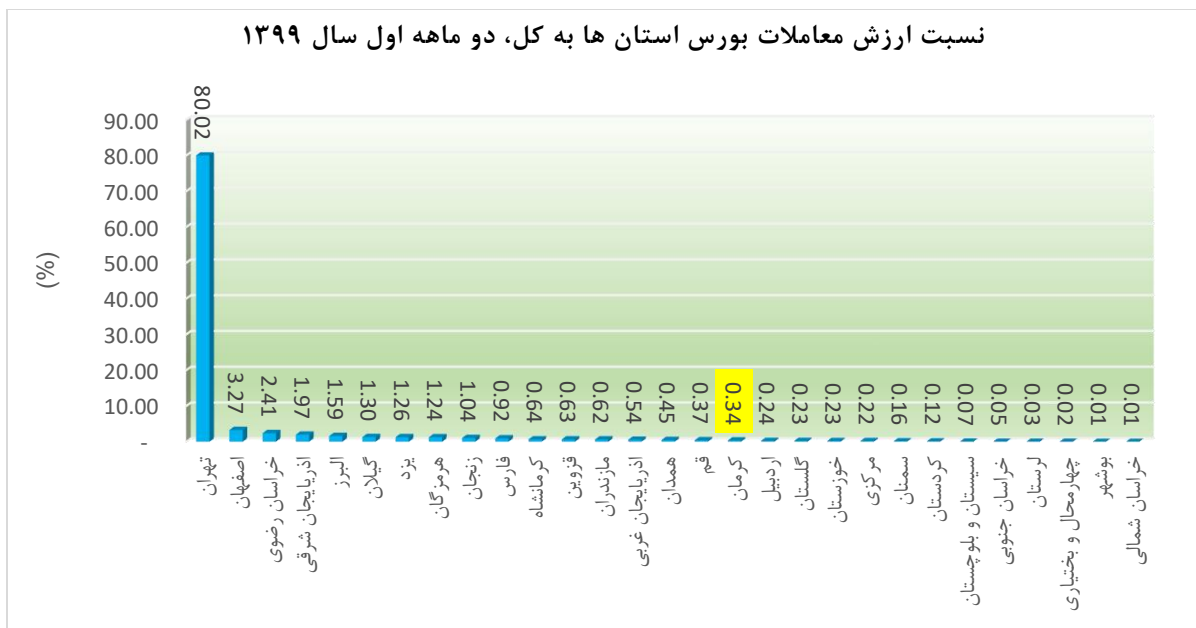
نمودار(۵۲): رشد ارزش معاملات بورس استان کرمان ۱۳۹۸-۱۳۹۹

نسبت ارزش معاملات بورس استان کرمان به کل معاملات در نمودار (۵۳) مشاهده می‌شود. به طوری کلی در بسیاری از ماه‌ها، این نسبت برای استان کرمان بسیار اندک بوده است به طوری که در اوایل سال ۱۳۹۸ این نسبت کمتر از ۰/۲ درصد برآورد شد و در دومایه اول سال ۱۳۹۹ حدود ۰/۳۳ درصد می‌باشد. یعنی کمتر از نیم درصد از ارزش کل معاملات کشور را به خود اختصاص داده است. همچنین بیشترین این نسبت مربوط به آبان ۱۳۹۸ می‌باشد که در این ماه نسبت ارزش معاملات بورس استان کرمان به کل کشور ۲/۵۸ درصد برآورد شد.



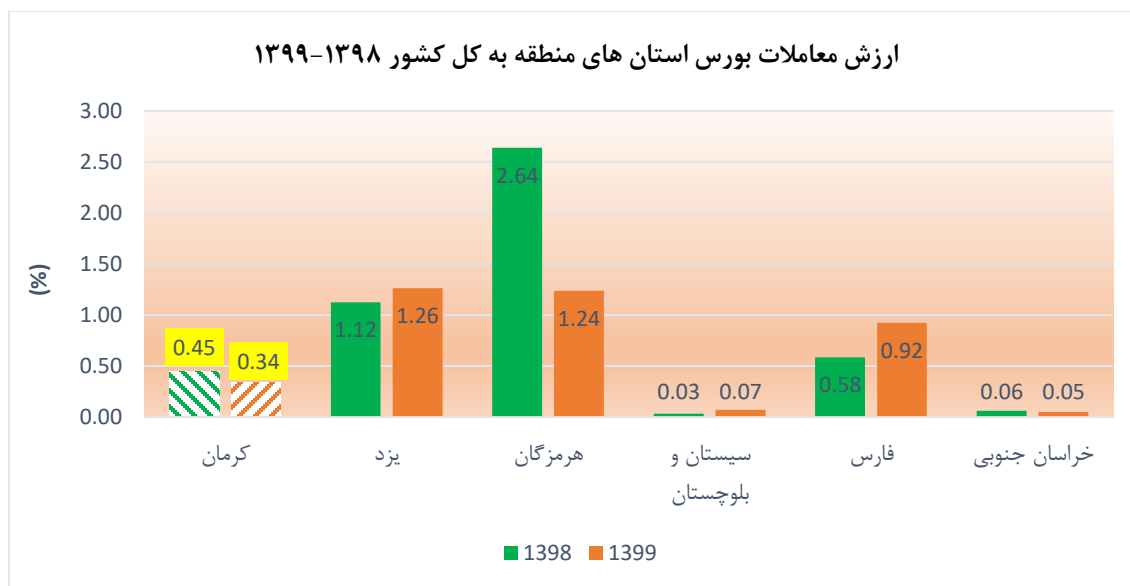
نمودار(۵۳): نسبت ارزش معاملات بورس استان کرمان به کل کشور

همانطور که نمودار (۵۴) نشان می‌دهد، در دومایه اول سال ۱۳۹۹ ارزش معاملات استان کرمان به کل کشور حدود ۰/۳۴ درصد است که جز ۱۳ استان با کمترین میزان ارزش معامله می‌باشد. در این دوره استان تهران با اختلاف قابل توجهی و با ارزش حدود ۸۰ درصد در رتبه اول و استان‌های اصفهان و خراسان رضوی در رتبه‌های بعدی قرار دارند. همچنین استان‌های خراسان شمالی و بوشهر در پایین رتبه قرار گرفته‌اند.



نمودار (۵۴): نسبت ارزش معاملات بورس استان های کشور به کل

همچنین نمودار (۵۵) نشان می دهد که در ارتباط با نسبت ارزش معاملات بورس استان های منطقه به کل کشور، استان کرمان در سال های ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ به ترتیب با نسبت ۰/۴۵ و ۰/۳۴ بعد از استان های هرمزگان، یزد و فارس در رتبه چهارم منطقه و بالاتر از استان های خراسان جنوبی و سیستان و بلوچستان قرار دارد.



نمودار (۵۵): ارزش معاملات بورس استان های منطقه به کل کشور ۱۳۹۸-۱۳۹۹

## ۷/۴/۴ سود خالص ۸ شرکت بزرگ بورسی استان کرمان

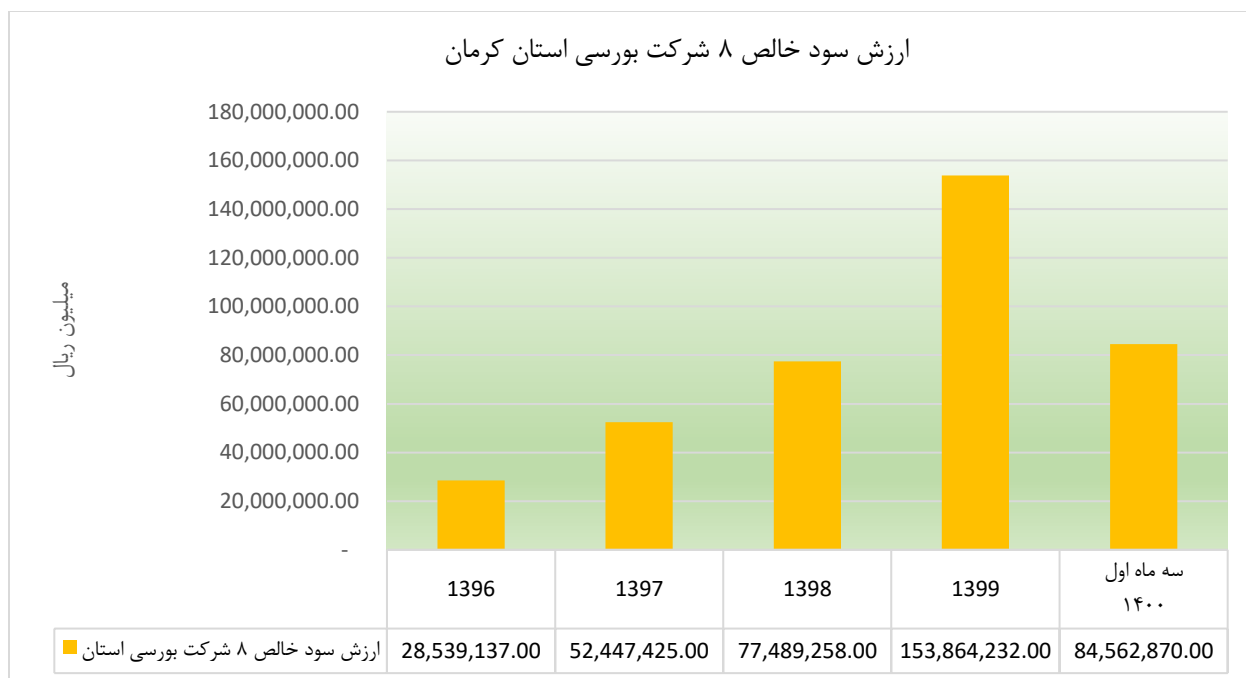
در یک نگاه دیگر، در این بخش به بررسی سود خالص ۸ شرکت بزرگ بورسی استان کرمان خواهیم پرداخت. با توجه به جدول (۲۱) در سال ۱۳۹۹ نماد کگل (معدنی و صنعتی گل گهر) با ارزش خالص سود بیش از ۱۳ هزار میلیارد تومان بیشترین سود را در میان شرکت‌های بورسی استان به خود اختصاص داده است و بعد از آن نیز گروه صنعتی بارز (پکرمان) با رقمی بیش از ۷۰۰ میلیارد و فباهنر با رقم سودی بیش از ۶۰۰ میلیارد تومان در رتبه‌های بعدی قرار داشته‌اند. همچنین بیشترین تغییر سود از سال ۱۳۹۸ تا سال ۱۳۹۹ مربوط به نماد پکرمان با ۲۸۸ درصد و فباهنر با ۱۲۴ درصد در رتبه بعدی قرار داشته است. نماد خکرمان و کرمان به ترتیب با ۴۸ میلیارد و ۱۲۰ میلیارد کمترین سود را در میان شرکت‌های بورسی استان به خود اختصاص داده‌اند.

جدول (۲۱): سود خالص ۸ شرکت بزرگ بورسی استان کرمان

سهام	نماد	ارزش سود خالص ۱۳۹۹ (میلیون ریال)	ارزش سود خالص ۱۳۹۸ (میلیون ریال)	تغییرات سال ۱۳۹۹ به ۱۳۹۸
معدنی و صنعتی گل گهر	کگل	۱۳۱,۰۷۰,۰۵۵	۶۵,۳۱۰,۰۵۸	۱۰۰٪
صنایع مس شهید باهنر	فباهنر	۶,۳۷۵,۷۷۶	۲,۸۴۴,۱۰۹	۱۲۴٪
سیمان ممتازان	سمتاز	۱,۷۲۰,۳۲۶	۹۲۷,۱۷۰	۸۵٪
سرمایه گذاری توسعه و عمران کرمان	کرمان	۱,۲۱۸,۵۷۶	۸۷۶,۱۴۴	۳۹٪
گروه صنایع سیمان کرمان	سکرما	۱,۸۱۸,۹۹۳	۸۲۰,۹۰۹	۱۲۱٪
گروه صنعتی بارز	پکرمان	۷,۱۸۵,۷۸۵	۱,۸۵۰,۰۱۰	۲۸۸٪
شرکت مس سرچشمه	سرچشمه	۳,۹۹۱,۰۱۹	۳,۱۴۸,۱۳۲	۲۶٪
کرمان خودرو	خکرمان	۴۸۳,۷۰۲	۱,۷۱۲,۷۲۶	-۷۱٪

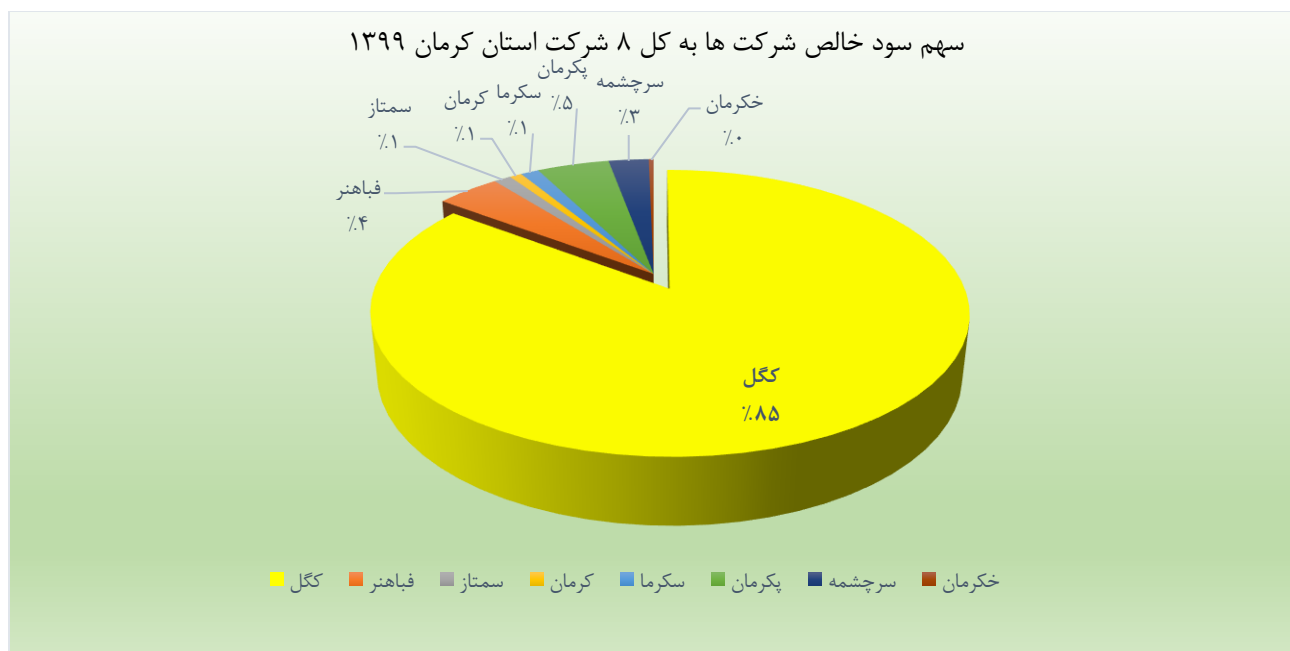
بر اساس نمودار (۵۶) ارزش سود خالص ۸ شرکت بورسی استان در سال ۱۳۹۹ بیش از ۱۵ هزار میلیارد تومان برآورد شده است و در سه ماهه اول سال ۱۴۰۰ این رقم برابر ۸۴۰۰ میلیارد تومان می‌باشد. همچنین سود خالص سال ۱۳۹۸ بالغ بر ۷۷۰۰ میلیارد تومان است که نشان دهنده یک رشد ۱۰۰ درصدی بین سال‌های ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ را شاهد هستیم.





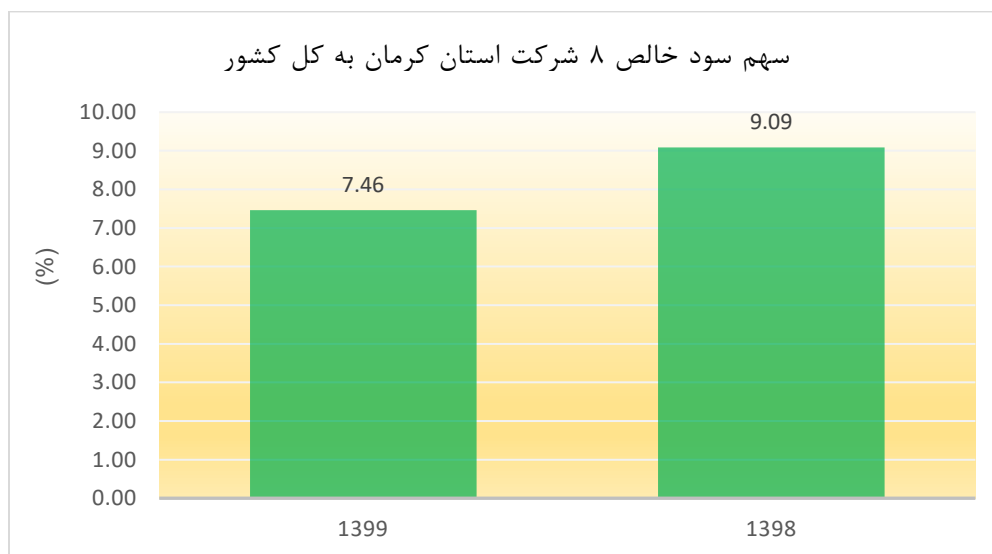
نمودار (۵۶): ارزش سود خالص ۸ شرکت بورسی استان کرمان

نمودار (۵۷) سهم سود خالص شرکت‌های به کل ۸ شرکت استان کرمان در سال ۱۳۹۹ را نشان می‌دهد. بر اساس این آمار بیشترین این نسبت متعلق به نماد کگل است که بیش از ۸۵ درصد از کل سود خالص ۸ شرکت را به خود اختصاص داده است. بعد از آن سهم‌های پکرمان با ۵ درصد، فباهر با ۴ درصد و سرچشمه با ۳ درصد در رتبه‌های بعدی قرار دارند.



نمودار(۵۷): نسبت سود خالص هر شرکت بورس به کل شرکت های استان سال ۱۳۹۹

نمودار (۵۸) نشان می دهد که در سال ۱۳۹۹ حدود ۷ درصد از کل ارزش سود شرکت های بورسی ایران متعلق به ۸ شرکت بورسی استان کرمان است و این رقم در سال ۱۳۹۸ بیش از ۹ درصد می باشد.



نمودار(۵۸): سهم سود خالص ۸ شرکت بورسی استان به کل کشور

## ۸. خلاصه ای از شاخص‌های اقتصاد کلان استان کرمان و عوامل موثر بر فرار سرمایه

در این بخش به طور خلاصه به بررسی شاخص‌ها مورد مطالعه در قسمت‌های قبل خواهیم پرداخت تا وضعیت استان کرمان را در شاخص‌های مختلف با کل کشور و استان‌های منطقه مقایسه نماییم.

در ارتباط با شاخص‌های فضای سرمایه‌گذاری، یافته‌ها نشان می‌دهد که استان کرمان در ارتباط با شاخص محیط کسب و کار در وضعیت مطلوبی قرار ندارد به طوری که در این شاخص در رتبه ۳۰ام کشور و آخر منطقه قرار دارد و بیان می‌شود که بر اساس این فاکتور، زمینه برای فرار سرمایه در استان فراهم می‌باشد و سرمایه‌گذار با توجه به وجود محیط کسب و کار نامناسب در استان، تمایل کمتری به سرمایه‌گذاری در استان کرمان را دارد. اما در دو شاخص امنیت سرمایه‌گذاری و مجوز صادره برای سرمایه‌گذاری استان کرمان نسبتاً وضعیت مطلوب و مناسبی هم در مقایسه با استان‌های منطقه و هم در کشور دارد. به طوری که در سال ۱۳۹۹ در شاخص امنیت سرمایه‌گذاری رتبه ۷ کشور و در شاخص مجوز سرمایه صادره رتبه ۴ کشور در میان ۳۱ استان کشور را به خود اختصاص داده است و بر اساس نتایج این دو شاخص، زمینه برای جذب سرمایه و سرمایه‌گذاری در استان فراهم می‌باشد.

از طرف دیگر در ارتباط با شاخص‌های اقتصاد کلان، در بحث تورم استان کرمان در سال ۱۳۹۹ جز ۱۲ استان با بالاترین سطح تورم قرار دارد که نشان دهنده وضعیت نسبتاً نامطلوب استان در ارتباط با شاخص تورم و افزایش سطح عمومی قیمت‌ها در این استان می‌باشد. همچنین در منطقه هم استان کرمان جز ۳ استان با بالاترین نرخ تورم در سال ۱۳۹۹ را به خود اختصاص داده است. این تحلیل نشان می‌دهد که با توجه به افزایش قیمت‌ها و نرخ تورم بالا و به همراه آن نوسانات سطح قیمت‌ها، شاید سرمایه‌گذاری در استان نسبت به استان‌ها همراه با ثبات نرخ تورم، کمی با ریسک و نااطمینانی همراه باشد و از این رو می‌تواند نقش مهمی در فرار سرمایه در استان داشته باشد.

اما در تولید ناخالص داخلی و به خصوص در زیر مجموعه آن، استان کرمان نسبت به میانگین کشوری در وضعیت مناسب و مطلوبی قرار دارد به طوری که در سال ۱۳۹۸ در تولید ناخالص داخلی در رتبه ۹، در ارزش افزوده بخش معدن و کشاورزی در رتبه ۵ و در ارزش افزوده بخش صنعت در رتبه ۹ در میان ۳۱ استان کشور قرار دارد که نشان دهنده وضعیت نسبتاً مناسب استان کرمان در شاخص‌های مربوط به حساب‌های ملی می‌باشد. این رتبه‌ها، استان کرمان را در وضعیت مناسبی از لحاظ جذب سرمایه‌گذار قرار می‌دهد و می‌تواند سیگنال‌های مثبتی را در جهت کاهش فرار سرمایه ارسال نماید. همچنین در بحث مالیات ستانی و دریافت‌های مالیاتی نیز استان کرمان عملکرد مناسبی داشته است به طوری که بر اساس این شاخص استان کرمان جز ۶ استان اول کشور از لحاظ سیستم مالیات ستانی و دریافت مالیات است.

جدول (۲۲): خلاصه عملکرد استان در شاخص های اقتصادی و جایگاه در کشور و منطقه

انتظارات	کشور		منطقه		سال	شاخص های اقتصادی
	جایگاه در کشور	رتبه در کشور	جایگاه در منطقه	رتبه در منطقه		
انتظار فرار سرمایه یا جذب سرمایه؟	نامناسب	۳۰	نامناسب	۶	۱۳۹۹	شاخص پایش ملی محیط کسب و کار (بر اساس بهبود فضای کسب و کار)
جذب سرمایه	نسبتا مناسب	۷	میانه	۴	۱۳۹۹	شاخص امنیت سرمایه گذاری (بر اساس بهبود امنیت سرمایه گذاری)
جذب سرمایه	مناسب	۴	مناسب	۲	۱۳۹۹	شاخص مجوز سرمایه (بر اساس افزایش در مجوز سرمایه و جذابیت)
فرار سرمایه	نسبتا نامناسب	۱۲	میانه	۳	۱۳۹۹	تورم (بر اساس بالاترین تورم)
جذب سرمایه	نسبتا مناسب	۹	مناسب	۲	۱۳۹۸	تولید ناخالص داخلی (بر اساس بالاترین نسبت)
جذب سرمایه	مناسب	۵	مناسب	۱	۱۳۹۸	ارزش افزوده بخش معدن (بر اساس بالاترین نسبت)
جذب سرمایه	مناسب	۵	مناسب	۲	۱۳۹۸	ارزش افزوده بخش کشاورزی (بر اساس بالاترین نسبت)
جذب سرمایه	نسبتا مناسب	۹	مناسب	۱	۱۳۹۸	ارزش افزوده بخش صنعت (بر اساس بالاترین نسبت)
جذب سرمایه	مناسب	۶	مناسب	۲	۱۳۹۷	درآمدهای مالیاتی (بر اساس بالاترین مالیات)
فرار سرمایه	نسبتا نامناسب	۱۴	نامناسب	۴	۱۳۹۹	بیکاری (بر اساس بالاترین نرخ بیکاری)
هر دو	میانه	۱۶	مناسب	۶	۱۳۹۸	ضریب جینی (بر اساس بالاترین ضریب جینی)
فرار سرمایه	نامناسب	۲۸	نسبتا نامناسب	۴	۱۳۹۹	درآمد خانوار (بر اساس بیشترین درآمد)
فرار سرمایه	نامناسب	۳۰	نامناسب	۶	۱۳۹۹	هزینه خانوار (بر اساس بیشترین هزینه)
فرار سرمایه	نامناسب	۳۰	نامناسب	۶	۱۳۹۹	نسبت هزینه به درآمد خانوار (بر اساس بیشترین نسبت)
جذب سرمایه	مناسب	۴	نسبتا نامناسب	۳	۱۳۹۸	نسبت اعتبارات تملک دارایی (بر اساس بیشترین اعتبارات)
جذب سرمایه	مناسب	۷	مناسب	۲	۱۳۹۸	نسبت اعتبارات هزینه ای (بر اساس بیشترین اعتبارات)
فرار سرمایه	نسبتا نامناسب	۲۲	نامناسب	۴	۱۳۹۹	نسبت تسهیلات به سپرده (بر اساس بیشترین نسبت)
هر دو	میانه	۱۷	نامناسب	۴	۱۳۹۹	ارزش معاملات بورس

منبع: محاسبات محقق

در ارتباط با شاخص بیکاری نیز باید بیان کرد که استان کرمان با توجه به افزایش حجم تولید در سال‌های قبل، از نرخ بیکاری بالایی برخوردار است به طوری که در سال ۱۳۹۹ نرخ بیکاری استان کرمان جز ۱۴ استان اول کشور از لحاظ آمار بالای بیکاری می‌باشد و در منطقه نیز جز ۲ استان اول منطقه از لحاظ آمار نرخ بالای بیکاری به حساب می‌آید. این آمار نشان می‌دهد که با توجه به ظرفیت بالای استان در بخش‌های مختلف اقتصادی مانند صنعت، معدن و کشاورزی، سیاست‌های استان در جهت کاهش بیکاری حرکت نکرده است و سرمایه‌گذاری در جهت جذب نیروی کار انجام نشده که این خود می‌تواند منجر به مهاجرت نیروی کار به سایر استان‌ها شود و می‌تواند فرار سرمایه را نیز در پیش داشته باشد. در ارتباط با ضریب جینی و بحث نابرابری درآمد نیز انتظار می‌رود که استان کرمان با توجه به ظرفیت‌های تولیدی و افزایش مطلوب در سطح درآمد، در میان استان‌های کشور رتبه مناسبی داشته باشد اما با اینکه استان کرمان در منطقه از لحاظ این شاخص بهترین عملکرد را دارد اما در کل کشور از وضعیت مناسبی برخوردار نیست و تقریباً در رتبه میانه در بین ۳۱ استان کشور قرار دارد.

اما یکی از شاخص‌های مهم دیگر که بررسی آن در استان جلب توجه کرده است، پایین بودن میزان سطح درآمد و هزینه خانوار و پایین بودن نسبت هزینه به درآمد خانوارها می‌باشد. با توجه به سطح تولید مطلوب استان و وجود ظرفیت‌ها در بخش‌های مختلف اقتصادی استان، آمارهای مربوط به هزینه درآمد خانوار در استان مطلوب به نظر نمی‌رسد به طوری که در شاخص درآمدها و هزینه‌های خانوار، استان کرمان جزء دومین استان با پایین‌ترین سطح از این شاخص می‌باشد و در منطقه نیز تقریباً در رتبه‌های آخر قرار دارد. اختلاف فاحش بین نسبت هزینه به درآمد خانوار نیز خود نشان دهنده آن است که ممکن است بخش زیادی از درآمدهای خانوار، در استان هزینه نشود که این خود می‌تواند یک نشانه‌ای از فرار سرمایه از استان باشد.

در ارتباط با هزینه‌های بودجه‌ای نیز استان کرمان جزء استان‌ها با بالاترین نسبت تملک دارایی سرمایه‌ای (هزینه‌های عمرانی) و اعتبارات هزینه‌ای (هزینه‌های جاری) است به طوری که در سال ۱۳۹۸ در بخش مخارج عمرانی، جز ۴ استان برتر کشور و در مخارج جاری نیز در رتبه ۷ام قرار دارد. اما یکی از شاخص‌های مهمی دیگری که می‌تواند نقش مهمی در فرار سرمایه استان و یک پروکسی برای این متغیر باشد، نسبت تسهیلات به سپرده در استان می‌باشد. این آمار نشان می‌دهد که نسبت تسهیلات به سپرده (مصارف به منابع) در استان کرمان در وضعیت مطلوبی قرار ندارد که در این شاخص در سال ۱۳۹۹ در میان ۳۱ استان کشور در رتبه ۲۲ قرار دارد. از طرف دیگر در متغیر ارزش معاملات بورس، استان کرمان در رتبه‌های میانی در میان ۳۱ استان کشور قرار دارد.

## ۹. بررسی برآورد حجم فرار سرمایه در استان کرمان

پس از بررسی وضعیت استان بر اساس شاخص‌های مختلف و نگاه کلی که به اقتصاد و عوامل موثر بر فرار سرمایه داشتیم، در این قسمت سعی می‌شود تا به برآورد حجم فرار سرمایه در استان کرمان پرداخته شود. از آنجایی که در مطالعات استانی و بر اساس یافته‌ها و تحقیقات نویسنده‌ی این پروژه، هیچ مطالعه‌ای تا به این جا در ارتباط با برآورد حجم فرار سرمایه در استان‌ها صورت نگرفته است که خود می‌تواند ناشی از فقدان وجود اطلاعات، عدم دسترسی پژوهشگران نسبت به این آمار، محرمانه بودن آن و همچنین عدم تعریف شاخصی مرتبط با داده‌های استانی باشد، از این رو در این پروژه سعی می‌شود تا با روش‌ها و تعاریف متفاوت، حجم فرار سرمایه در استان در ابعاد گوناگون مورد بررسی قرار گیرد. این روش هر کدام می‌تواند به عنوان یک نشانگر یا پروکسی برای حجم فرار سرمایه در استان در نظر گرفته شود و شاید نتوان این آمار را به عنوان یک آمار قطعی برای حجم فرار سرمایه به حساب آورد، اما می‌تواند یک تقریب مناسب در ارتباط با این موضوع باشد.

### ۹/۱ برآورد فرار سرمایه از طریق بررسی سیستم سپرده و تسهیلات (مصارف به منابع) نظام

#### بانکی

یکی از شاخص‌های مهم که می‌تواند نشانگر خوبی و یا مهمترین آن در ارتباط با فرار سرمایه از استان باشد، شاخص منابع و مصارف سیستم بانکی یا همان نسبت سپرده به تسهیلات است. سپرده نشان دهنده پس‌انداز جامعه و تسهیلات نیز نشان دهنده میزان حجم سرمایه‌گذاری در جامعه می‌باشد و اختلاف این دو متغیر می‌تواند نشان دهنده خوبی از حجم فرار سرمایه از استان باشد.

برای بررسی این شاخص ما در ابتدا میزان سپرده استان پس از کسر ذخایر قانونی را به عنوان حجم پس‌انداز جامعه و میزان تسهیلات پرداختی توسط نظام بانکی در استان را نیز به عنوان نشانگر برای حجم سرمایه‌گذاری در نظر گرفته‌ایم. همانطور که جدول (۲۳) نشان می‌دهد، در طی ۵ سال اخیر ما شاهد روند به شدت صعودی در تفاوت بین نسبت تسهیلات به سپرده بوده ایم و سیستم بانکی نقش خود را به عنوان وام دهنده برای سرمایه‌گذاری به خوبی ایفا نکرده است. در سال ۱۳۹۵ اختلاف قابل توجهی بین تسهیلات و سپرده پس از کسر ذخایر قانونی در نظام بانکی بوده وجود نداشت اما در سال ۱۳۹۶، این اختلاف به بیش از ۴ هزار میلیارد تومان رسید و در سال ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ با رشدی چند برابری به ترتیب به بیش از ۶ و ۱۳ هزار میلیارد تومان افزایش یافت. همچنین این شاخص در سال ۱۳۹۹ به رقمی قابل توجه ۳۰ هزار میلیارد تومان افزایش یافته است و در اردیبهشت سال ۱۴۰۰ به رقمی بالغ بر ۳۷ هزار میلیارد تومان رسید.

جدول (۲۳): فرار سرمایه (شاخص سپرده-تسهیلات) استان کرمان از طریق نسبت تسهیلات به سپرده

۱۴۰۰	۱۳۹۹	۱۳۹۸	۱۳۹۷	۱۳۹۶	۱۳۹۵	
اردیبهشت						
۹۲۸,۸۰۴	۸۶۵,۵۴۴	۵۲۱,۶۹۱	۳۷۹,۸۹۴	۳۰۷,۲۴۴	۲۳۰,۴۱۶	سپرده (میلیارد ریال)
۸۲۳,۰۰۶	۷۶۶,۸۱۱	۴۶۶,۴۲۲	۳۳۷,۳۶۴	۲۷۲,۹۰۷	۲۰۳,۹۹۵	سپرده پس از کسر ذخیره قانونی (میلیارد ریال)
۴۵۳,۸۸۹	۴۶۰,۵۸۷	۳۳۱,۳۷۱	۲۷۲,۸۷۸	۲۲۸,۲۳۷	۲۰۱,۴۷۵	تسهیلات (میلیارد ریال)
۳۶۹,۱۱۷	۳۰۶,۲۲۴	۱۳۱,۰۵۰	۶۴,۴۸۶	۴۴,۶۷۰	۲,۵۲۱	حجم فرار سرمایه (میلیارد ریال)

جدول (۲۴) نسبت حجم فرار سرمایه (برآورد شده از اختلاف سپرده- تسهیلات) به تولید ناخالص داخلی استان را نشان می‌دهد. روند این نسبت نیز نشان دهنده افزایش شدید فرار سرمایه از استان است به طوری که در سال ۱۳۹۵ این نسبت برابر ۰/۵ درصد و در سال ۱۳۹۹ این نسبت برابر ۲۸/۸ درصد است. همچنین این نسبت در سال‌های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ به ترتیب ۸/۴ و ۱۲/۶ درصد را نشان می‌دهد.

جدول (۲۴): حجم فرار سرمایه (شاخص سپرده-تسهیلات) به تولید ناخالص داخلی استان کرمان

۱۳۹۹	۱۳۹۸	۱۳۹۷	۱۳۹۶	۱۳۹۵	
۳۰۶,۲۲۴	۱۳۱,۰۵۰	۶۴,۴۸۶	۴۴,۶۷۰	۲,۵۲۱	حجم فرار سرمایه (میلیارد ریال)
۱,۰۶۰,۶۱۹	۱,۰۳۹,۸۲۳	۷۶۱,۴۱۶	۵۵۱,۳۵۳	۴۴۱,۵۰۱	تولید ناخالص داخلی به قیمت جاری (میلیارد ریال)
۲۸/۸	۱۲/۶۰	۸/۴	۸/۱	۰/۵۷	نسبت حجم فرار سرمایه به تولید ناخالص داخلی (درصد)

در این بخش به بررسی مانده سپرده و تسهیلات در ۱۰ بانک استان کرمان در سال ۱۳۹۸ می‌پردازیم. با توجه به جدول (۲۵) مانده سپرده در ۱۰ بانک استان شامل بانک تجارت، سپه، رفاه، صادرات، صنعت و معدن، کشاورزی، مسکن، ملی، ملت و بانک توسعه تقریباً حدود ۳۹ هزار میلیارد تومان می‌باشد که از این مقدار بیشترین سهم یعنی حدود ۲۲ درصد مربوط به بانک ملی و کمترین نسبت مربوط به بانک صنعت و معدن با حدود ۰/۲ درصد است. همچنین نسبت سپرده بانک‌های ملت و صادرات به کل سپرده ۱۰ بانک به ترتیب برابر ۱۶ و ۱۵ درصد است. از

طرف دیگر مجموع تسهیلات این ۱۰ بانک استان در سال ۱۳۹۸ برابر ۲۷ هزار میلیارد تومان است که نشان دهنده اختلاف ۱۲ هزار میلیاردی بین سپرده و تسهیلات در سیستم نظام بانکی استان کرمان است که به عنوان فرار سرمایه در نظر گرفته می‌شود. همچنین مطابق این جدول، بیشترین پرداختی تسهیلات مربوط به بانک ملی با حدود ۲۴ درصد و سپس بانک ملت با حدود ۱۹/۵ درصد می‌باشد. بیشترین میزان اختلاف بین سپرده و تسهیلات مربوط به بانک صادرات با حدود ۵۷۰۰ میلیارد تومان است. همچنین در بانک‌های صنعت و معدن، مسکن و توسعه، میزان تسهیلات پرداختی بیش از مانده سپرده در این بانک‌ها می‌باشد که نشانده آن است که این بانک‌ها به خوبی سپرده‌ها را به سمت تسهیلات و سرمایه‌گذاری‌ها هدایت کرده‌اند و نقش بانک به عنوان یک وام دهنده را به خوبی ایفا کرده‌اند.

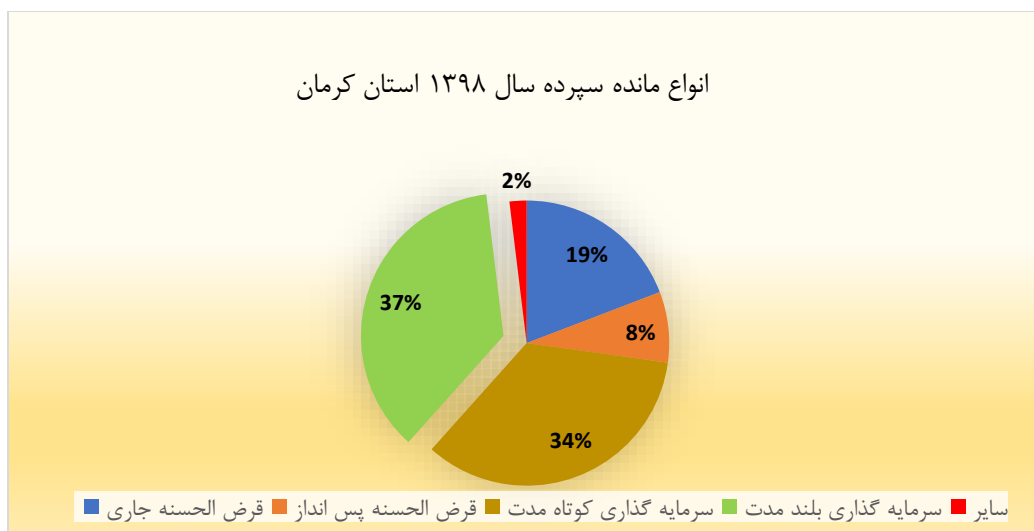
جدول (۲۵): مانده سپرده و تسهیلات ۱۰ بانک استان کرمان سال ۱۳۹۸

مانده تسهیلات		مانده سپرده		بانک ها
تفاوت سپرده و تسهیلات (فرار سرمایه)	نسبت تسهیلات هر بانک به کل تسهیلات	مانده بدهی بخش غیر دولتی به بانک (تسهیلات)	نسبت سپرده هر بانک به کل سپرده	مانده سپرده (میلیارد ریال)
۱۱۸,۲۱۳		۲۷۰,۶۷۰		۳۸۸,۸۸۳
۱۷,۶۹۲	۱۲/۱	۳۲,۶۸۴	۱۳/۰	۵۰,۳۷۶
۱۴,۲۳۸	۵/۸	۱۵,۵۷۰	۷/۷	۲۹,۸۰۸
۹,۱۴۴	۹/۷	۲۶,۳۷۳	۹/۱	۳۵,۵۱۸
۵۷,۹۱۲	۰/۲	۴۵۶	۱۵/۰	۵۸,۳۶۹
- ۱,۸۰۳	۱/۰	۲,۶۴۶	۰/۲	۸۴۳
۲,۹۰۵	۱۴/۱	۳۸,۱۸۰	۱۰/۶	۴۱,۰۸۵
- ۱۲,۳۶۰	۱۲/۲	۳۳,۱۴۴	۵/۳	۲۰,۷۸۴
۲۱,۰۲۸	۲۴/۳	۶۵,۶۴۱	۲۲/۳	۸۶,۶۷۰
۱۰,۲۳۶	۱۹/۵	۵۲,۷۲۷	۱۶/۲	۶۲,۹۶۳
- ۷۸۱	۱/۲	۳,۲۴۵	۰/۶	۲,۴۶۳
				صادرات

نمودار (۵۹) نشان می‌دهد که در سال ۱۳۹۸، سپرده‌گذاری بلندمدت با ۳۷ درصد بیش‌ترین سهم در پس انداز خانوار و بنگاه‌ها در میان ۱۰ بانک استان را به خود اختصاص داده است و بعد از آن حساب سپرده کوتاه‌مدت با ۳۴ درصد، قرض الحسنه جاری با ۱۹ درصد و قرض الحسنه پس انداز با ۸ درصد در رتبه‌های بعدی قرار گرفتند.

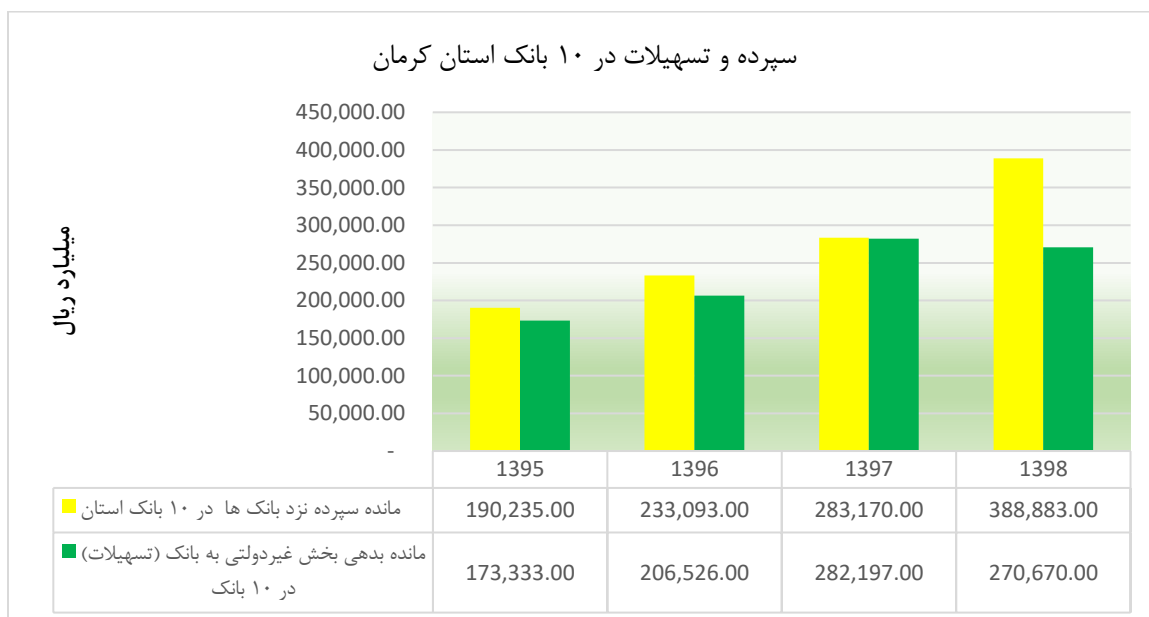


انواع مانده سپرده سال ۱۳۹۸ استان کرمان



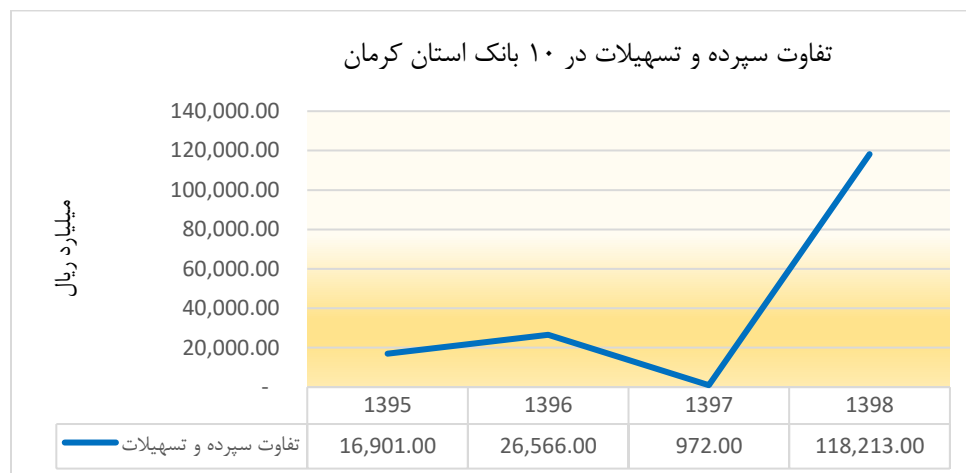
نمودار(۵۹): انواع مانده سپرده در بانک‌های استان کرمان سال ۱۳۹۸

از طرف دیگر با توجه به نمودار (۶۰)، مانده سپرده سیستم بانکی از ۱۹ هزار میلیارد تومان در سال ۱۳۹۵ به حدود ۴۰ هزار میلیارد تومان در سال ۱۳۹۸ رسیده که نشان دهنده یک رشد ۲۰۰ درصدی در طول این ۴ سال است. همچنین در طول این مدت میزان تسهیلات از ۱۷ هزار میلیارد تومان در سال ۱۳۹۵ به ۲۷ هزار میلیارد تومان در سال ۱۳۹۸ افزایش یافته و نشان دهنده رشد ۵۷ درصدی می باشد که در مقایسه با مانده سپرده در طول این مدت، رشد به شدت کمتری داشته است.



نمودار(۶۰): سپرده و تسهیلات در ۱۰ بانک استان کرمان

همچنین نمودار (۶۱) نشان می‌دهد که بیشترین اختلاف سپرده از تسهیلات مربوط به سال ۱۳۹۸ که برابر ۱۲ هزار میلیارد تومان و کمترین مربوط به سال ۱۳۹۷ با حدود ۹۷ میلیارد تومان می‌باشد که افزایش این اختلاف نشان دهنده افزایش فرار سرمایه از استان می‌باشد.



نمودار(۶۱): تفاوت سپرده و تسهیلات ۱۰ بانک استان کرمان

## ۹/۲ برآورد فرار سرمایه قانونی از طریق حجم صادرات و واردات استان

یکی از متغیرهای مهم اقتصادی که می‌تواند به عنوان شاخص قانونی حجم فرار سرمایه در نظر گرفته شود و در مطالعات هم به آن اشاره شده است، شاخص تراز تجاری (کسری تراز تجاری) یا همان تفاوت بین واردات و صادرات می‌باشد. به این صورت که اگر ارزش واردات بیش از صادرات استان باشد، نشان دهنده فرار قانونی سرمایه و در غیر این صورت ورود قانونی سرمایه به استان را نمایان می‌سازد.

ارزش ریالی حجم صادرات و واردات استان کرمان در طی سال‌های اخیر در جدول (۲۶) قابل مشاهده است. بر اساس برآوردهای انجام شده، در طی ۵ سال اخیر تنها در دو سال یعنی سال‌های ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ ما شاهد فزونی ارزش واردات بر صادرات استان بوده‌ایم و ارزش این شاخص برای این دو سال به ترتیب برابر ۳۷۵۲ و ۴۸۵۸ میلیارد تومان برآورد شده است که می‌تواند یک پروکسی برای حجم فرار سرمایه قانونی در نظر گرفته شود. اما در طی این دوره ۵ ساله، در مابقی سال‌ها ارزش صادرات بیش از واردات استان بوده است و نشان می‌دهد که در سال‌های ۱۳۹۹، ۱۳۹۸ و ۱۳۹۵ فرار سرمایه به شکل قانونی از استان صورت نگرفته، بلکه ما شاهد ورود سرمایه نیز بوده‌ایم، که به عنوان نمونه در سال ۱۳۹۹ ارزش صادرات به میزان ۲۲۰۲۶ میلیارد تومان بیش از واردات بوده است و در سال ۱۳۹۸ نیز این رقم به ۵۴۳۹ میلیارد تومان می‌باشد.

جدول(۲۶): فرار سرمایه استان کرمان از طریق حجم تراز تجاری

۱۳۹۹	۱۳۹۸	۱۳۹۷	۱۳۹۶	۱۳۹۵
------	------	------	------	------

۲۳۸,۹۷۴	۸۴,۹۵۳	۲۳,۸۰۹	۳۶,۵۳۳	۳۶,۹۸۶	ارزش صادرات (میلیارد ریال)
۱۸,۷۱۳	۳۰,۵۶۳	۷۲,۳۹۰	۷۴,۰۵۴	۲۳,۷۵۴	ارزش واردات (میلیارد ریال)
-۲۲۰,۲۶۱	-۵۴,۳۹۰	+۴۸,۵۸۰	+۳۷,۵۲۰	-۱۳,۲۳۲	حجم فرار سرمایه قانونی (میلیارد ریال)

### ۹/۳ برآورد فرار سرمایه خانوار از طریق بررسی هزینه - درآمد خانوار

در این قسمت قصد داریم تا با بررسی سطح هزینه و درآمد خانوار، فرار سرمایه خانوار در استان را تجزیه و تحلیل نماییم. بر این اساس، ابتدا هزینه و درآمد هر خانوار را در تعداد خانوار استان در هر سال ضرب می‌نماییم تا مجموع کل هزینه و درآمد خانوار در استان مورد محاسبه قرار گیرد. سپس اختلاف بین کل درآمدها و هزینه‌ها را می‌توان در چارچوب دو سناریو بررسی کرد. در سناریوی اول فرض می‌شود که اختلاف بین درآمدها و هزینه‌های خانوار به صورت مستقیم به عنوان فرار سرمایه خانوار در نظر گرفته شود و در سناریوی دوم فرض می‌شود که این اختلاف بین کل درآمدها و هزینه‌های خانوار به عنوان پس انداز خانوار در نظر گرفته می‌شود و سپس این پس انداز به سرمایه‌گذاری تبدیل می‌شود و در نهایت اختلاف بین پس انداز و سرمایه‌گذاری استان به عنوان فرار سرمایه در نظر گرفته شود.

**سناریوی اول:** بر اساس این سناریو اختلاف بین کل درآمد و هزینه خانوار به عنوان فرار سرمایه در نظر شود. جدول (۲۷) تعداد خانوار و همچنین درآمد و هزینه خانوارهای روستایی و شهری در طی سال‌های ۱۳۹۵ الی ۱۳۹۸ را نشان می‌دهد. بر این اساس تعداد خانوار از ۵۵۱ هزار خانوار شهری در سال ۱۳۹۵ به ۵۷۴ هزار نفر در سال ۱۳۹۸ افزایش یافته و از طرف دیگر تعداد خانوار روستایی نیز از ۳۸۱ هزار خانوار در سال ۱۳۹۵ به ۳۹۷ هزار خانوار در سال ۱۳۹۸ افزایش یافته است. همچنین درآمد و هزینه هر خانوار روستایی و شهری نیز در این جدول نشان داده می‌شود به طوری که در سال ۱۳۹۸ درآمد هر خانوار شهری و روستایی به ترتیب ۳۴ و ۲۰ میلیون تومان برآورد شده است و هزینه‌ها نیز برابر ۲۶ و ۱۵ میلیون تومان در طی این سال برای خانوارهای شهری و روستایی برآورد شده است.

جدول (۲۷): تعداد خانوار و هزینه درآمد هر خانوار

۱۳۹۸	۱۳۹۷	۱۳۹۶	۱۳۹۵		
۵۷۴,۲۸۸	۵۶۷,۷۹۹	۵۵۹,۴۰۸	۵۵۱,۱۴۱	شهری	تعداد خانوار (نفر)
۳۹۷,۶۰۶	۳۹۳,۱۱۳	۳۸۷,۳۰۳	۳۸۱,۵۸۰	روستایی	
۳۴۰,۸۸۸	۳۰۰,۷۱۱	۲۵۰,۸۸۰	۲۱۳,۸۹۱	شهری	

۲۰۱,۹۱۸	۱۵۷,۴۱۲	۱۳۹,۸۳۹	۱۲۲,۰۶۹	درآمد هر خانوار (هزار روستایی ریال)
۲۶۳,۲۰۷	۲۳۷,۴۱۵	۱۹۲,۳۲۹	۱۶۳,۰۵۶	هزینه هر خانوار (هزار ریال) شهری
۱۵۶,۰۵۵	۱۲۵,۱۹۵	۱۰۵,۵۴۳	۹۴,۰۶۳	روستایی

از طرف دیگر بر اساس جدول (۲۸) کل درآمدهای خانوار شهری (که از حاصل ضرب درآمد هر خانوار در تعداد خانوار شهری استان ضرب شده است) از ۱۱۷۰۰ میلیارد تومان در سال ۱۳۹۵ به ۱۹۵۰۰ میلیارد تومان در سال ۱۳۹۸ افزایش یافته است و همچنین برای خانوار روستایی نیز از ۴۶۰۰ میلیارد تومان به ۸ هزار میلیارد تومان در طی این دوره افزایش یافته است. از طرف دیگر کل هزینه‌های خانوار شهری (که از حاصل ضرب هزینه هر خانوار در تعداد خانوار شهری استان ضرب شده است) نیز از ۹ هزار میلیارد تومان در سال ۱۳۹۵ به ۱۵ هزار میلیارد تومان در سال ۱۳۹۸ افزایش داشته است و این آمار برای خانوار روستایی در طی این دوره رشد دو برابری را نشان می‌دهد.

جدول (۲۸): درآمد و هزینه کل خانوار شهری و روستایی

۱۳۹۸	۱۳۹۷	۱۳۹۶	۱۳۹۵	
۱۹۵,۷۶۷	۱۷۰,۷۴۳	۱۴۰,۳۴۴	۱۱۷,۸۸۴	شهری
درآمد کل خانوار (میلیارد ریال)				
۸۰,۲۸۳	۶۱,۸۸۰	۵۴,۱۶۰	۴۶,۵۷۹	روستایی
هزینه کل خانوار (میلیارد ریال)				
۱۵۱,۱۵۶	۱۳۴,۸۰۳	۱۰۷,۵۹۰	۸۹,۸۶۶	شهری
۶۲,۰۴۸	۴۹,۲۱۵	۴۰,۸۷۷	۳۵,۸۹۲	روستایی

در این مرحله می‌توان کل درآمدهای خانوار شهری و روستایی را باهم جمع و از کل هزینه‌های خانوار روستایی و شهری کم کرد تا بر اساس سناریوی اول به آمار فرار سرمایه خانوار در استان دست یافت. بر اساس جدول (۲۹) فرار سرمایه کل خانوار شهری که از حاصل اختلاف درآمدهای کل و هزینه‌های کل خانوار شهری استخراج شده است از سال ۱۳۹۵ از ۲۸۰۰ میلیارد تومان به مبلغی بالغ بر ۴۴۰۰ میلیارد تومان در سال ۱۳۹۸ افزایش یافته است و این آمار برای خانوارهایی روستایی در سال ۱۳۹۵ و ۱۳۹۸ به ترتیب ۱۰۰۰ و ۱۸۰۰ میلیارد تومان است. با جمع فرار سرمایه خانوار شهری و روستایی، میزان کل فرار سرمایه خانوار در سال ۱۳۹۵ برابر ۳۸۰۰ میلیارد تومان و این آمار برای سال ۱۳۹۸ حدود ۶۲۰۰ میلیارد تومان است.

جدول (۲۹): حجم فرار سرمایه (پس انداز) بر اساس سناریوی اول

۱۳۹۸	۱۳۹۷	۱۳۹۶	۱۳۹۵	
۴۴,۶۱۱	۳۵,۹۳۹	۳۲,۷۵۳	۲۸,۰۱۷	پس انداز کل (فرار سرمایه خانوار) کل خانوار شهری (میلیارد ریال)
۱۸,۲۳۵	۱۲,۶۶۴	۱۳,۲۸۲	۱۰,۶۸۶	پس انداز کل (فرار سرمایه خانوار) خانوار روستایی (میلیارد ریال)
۶۲,۸۴۶	۴۸,۶۰۴	۴۶,۰۳۶	۳۸,۷۰۳	فرار سرمایه خانوار (میلیارد ریال) پس انداز کل خانوار (میلیارد ریال)

**سناریو دوم:** بر اساس این سناریو، اختلاف بین کل درآمد و هزینه خانوار به عنوان پس انداز در نظر گرفته می شود و سپس با محاسبه اختلاف بین پس انداز و سرمایه گذاری، حجم فرار سرمایه در استان مشخص می گردد. از آنجایی که حجم سرمایه گذاری در استان به طور قابل مستقیم در آمار و ارقام وجود ندارد از این رو برای محاسبه حجم سرمایه گذاری از استان ابتدا سهم تولید ناخالص داخلی استان به کل کشور را محاسبه و سپس بر اساس آن، این نسبت را در حجم کل سرمایه گذاری ناخالص کشور ضرب تا به میزان حجم سرمایه گذاری ناخالص استان دست یابیم. سهم تولید ناخالص داخلی استان به کل کشور در طی سال های ۱۳۹۵ و ۱۳۹۸ به ترتیب برابر ۲/۹۶، ۳/۰۷، ۳/۰۴ و ۳/۰۴ درصد می باشد. از این رو با ضرب این نسبت ها در کل سرمایه گذاری کشور، به آمار سرمایه گذاری استان با توجه به جدول (۳۰) دست می یابیم که بر اساس آن حجم سرمایه گذاری استان در سال ۱۳۹۵ برابر ۳۴۰۰ میلیارد تومان و در سال ۱۳۹۸ برابر ۲۹۰۰ میلیارد تومان برآورد شده است.

جدول (۳۰): سهم تولید ناخالص داخلی استان و حجم سرمایه گذاری

۱۳۹۸	۱۳۹۷	۱۳۹۶	۱۳۹۵	
۳/۰۴	۲/۹۵	۳/۰۷	۲/۹۶	نسبت تولید ناخالص استان کرمان به کل کشور (درصد)
۹۷۶,۶۸۹	۱,۰۳۸,۳۷۳	۱,۱۸۳,۸۲۹	۱,۱۶۷,۷۰۹	حجم سرمایه گذاری ناخالص کل کشور (میلیارد ریال)
۲۹,۶۹۱	۳۰,۶۳۲	۳۶,۳۴۳	۳۴,۵۶۴	حجم سرمایه گذاری ناخالص استان کرمان (میلیارد ریال)

پس از محاسبه حجم سرمایه‌گذاری استان، اختلاف بین پس‌انداز کل و سرمایه کل به عنوان فرار سرمایه در نظر گرفته می‌شود که آمار و ارقام در جدول (۳۱) مشاهده می‌شود. آمار مربوط نشان می‌دهد که فرار سرمایه در سال ۱۳۹۸ در استان برابر ۳۳۰۰ میلیارد تومان و این آمار برای سال ۱۳۹۷ برابر ۱۸۰۰ میلیارد تومان است.

جدول (۳۱): حجم فرار سرمایه بر اساس سناریوی دوم

۱۳۹۸	۱۳۹۷	۱۳۹۶	۱۳۹۵	
۶۲,۸۴۶	۴۸,۶۰۴	۴۶,۰۳۶	۳۸,۷۰۳	پس انداز کل خانوارها (میلیارد ریال)
۲۹,۶۹۱	۳۰,۶۳۲	۳۶,۳۴۳	۳۴,۵۶۴	حجم سرمایه گذاری ناخالص استان کرمان به قیمت ثابت (میلیارد ریال)
۳۳,۱۵۵	۱۷,۹۸۱	۹,۶۹۳	۴,۱۳۹	فرار سرمایه (میلیارد ریال)

#### ۹/۴ برآورد حجم فرار سرمایه از طریق بودجه عمومی

در این بخش به برآورد فرار سرمایه از طریق اختلاف بین منابع و مصارف بودجه استانی می‌پردازیم. جدول (۳۲) مجموع دریافتی و پرداختی بودجه‌ای استان را نشان می‌دهد که بر اساس آن در سال ۱۳۹۸ کل دریافتی‌های بودجه‌ای استان برابر ۴۷۰۰ میلیارد تومان و پرداختی‌ها تنها ۷۸۰ میلیارد تومان است. همچنین در سال ۱۳۹۷ نیز کل مجموع دریافتی از درآمد استان و ملی برابر ۳۱۰۰ میلیارد تومان و پرداختی‌ها بابت مخارج جاری و عمرانی ۸۸۰ میلیارد تومان است.

جدول (۳۲): دریافتی‌ها و پرداخت‌های بودجه‌ای استان

۱۳۹۸	۱۳۹۷	۱۳۹۶	۱۳۹۵		
۴۷,۶۰۱	۳۰,۶۲۸	۲۷,۸۵۷	۲۲,۸۸۱	درآمد استانی	دریافتی‌ها (عملکرد) (میلیارد ریال)
۱۱۷	۱,۰۶۱	۴۰۸	۴۳۷	درآمد ملی	
۴۷,۷۱۸	۳۱,۶۸۹	۲۸,۲۶۵	۲۳,۳۱۸	مجموع دریافتی‌ها	
۵,۹۲۹	۴,۸۵۰	۴,۲۷۳	۳,۵۴۶	هزینه جاری	پرداختی‌ها (عملکرد) (میلیارد ریال)
۱,۸۷۸	۴,۰۳۰	۴,۱۹۷	۱,۶۲۸	هزینه عمرانی (تملك دارایی سرمایه‌ای)	
۷,۸۰۷	۸,۸۸۰	۸,۴۷۰	۵,۱۷۴	مجموع پرداختی‌ها	

تفاوت دریافتی و پرداختی در سال ۱۳۹۵ برابر ۱۸۰۰ میلیارد تومان و در سال ۱۳۹۸ تقریباً ۴ هزار میلیارد تومان است

جدول (۳۳): تفاوت بین دریافتی و پرداختی بودجه استان کرمان (فرار سرمایه بودجه‌ای)

۱۳۹۸	۱۳۹۷	۱۳۹۶	۱۳۹۵	
۳۹,۹۱۱	۲۲,۸۰۹	۱۹,۷۹۷	۱۸,۱۴۴	فرار سرمایه بودجه ای (میلیارد ریال)

## ۱۰. بررسی اثر تورم، اشتغال و فضای کسب و کار بر فرار سرمایه در استان کرمان

در این بخش به بررسی تحلیل بیشتر در ارتباط با رابطه بین متغیرهای اقتصادی با فرار سرمایه در استان کرمان، در چارچوب مدل اقتصاد سنجی، به برآورد اثرات متغیرهای تورم، اشتغال و محیط کسب و کار بر شاخص فرار سرمایه استخراج شده در بخش (۹.۱) در استان می‌پردازیم. انتخاب متغیرها بر اساس در دسترس بودن اطلاعات ماهانه متغیرها و شاخص‌های تحت بررسی می‌باشد و طول دوره زمانی نیز به صورت ماهانه از فروردین ۱۳۹۷ تا اردیبهشت ۱۴۰۰ خواهد بود. فرم اقتصاد سنجی مدل فرار سرمایه به صورت زیر می‌باشد:

$$FLI_t = \alpha + \beta_1 \cdot INF_t + \beta_2 \cdot EMP_t + \beta_3 \cdot BUSS_t + \varepsilon_t \quad (2)$$

که در این مدل  $FLI_t$  نشان دهنده فرار سرمایه،  $INF_t$  نرخ تورم،  $EMP_t$  اشتغال،  $BUSS_t$  شاخص محیط کسب و کار،  $\alpha$  عرض از مبدا و  $\varepsilon_t$  جز خطای تصادفی است. این مدل با سه روش اقتصاد سنجی  $OLS$  (حداقل مربعات معمولی)،  $TSLLS$  (حداقل مربعات دو مرحله‌ای) و  $GMM$  (روش گشتارو تعمیم یافته) برآورد خواهد شد. نتایج هر سه مدل در جدول (۱) نشان می‌دهد که افزایش نرخ تورم اثر مثبت و معناداری بر فرار سرمایه در استان دارد، به طوری که با افزایش یک درصد در تورم، فرار سرمایه به میزان ۰/۰۲ افزایش می‌یابد و از جنبه آماری در سطح خطای یک درصد معنادار می‌باشد. این نتایج هم جهت با ادبیات مربوط به فرار سرمایه می‌باشد به طوری که ارتباط بین فرار سرمایه و تورم مثبت در نظر گرفته شده است. از طرف دیگر افزایش در سطح اشتغال استان منجر به کاهش فرار سرمایه در استان خواهد شد و این ضریب نیز از جنبه آماری معنادار می‌باشد. به طوری که با افزایش یک درصد در اشتغال فرار سرمایه به میزان ۰/۳۶ درصد کاهش خواهد یافت. دیگر نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که افزایش در سطح نامطلوب محیط کسب و کار منجر به افزایش فرار سرمایه از استان خواهد شد به طوری که در سه هر مدل، با افزایش یک واحد در فضای نامطلوب کسب و کار، منجر به افزایش فرار سرمایه با ضریب ۲ درصد خواهد شد و این ضریب نیز از جنبه آماری معنادار می‌باشد. این رابطه نیز همسازگار با ادبیات مربوط به فرار سرمایه می‌باشد به طوری که هر چه محیط کسب و کار در وضعیت نامناسب و نااطمینانی قرار داشته باشد، نقش مهمی در افزایش فرار سرمایه و کاهش جذب سرمایه گذار دارد.

جدول (۱): متغیر وابسته فرار سرمایه ( $FLI$ )

نماد	متغیر	برآورد روش <i>OLS</i>		برآورد روش <i>TSLs</i>		برآورد روش <i>GMM</i>	
		ضریب	آماره <i>t</i>	ضریب	آماره <i>t</i>	ضریب	آماره <i>t</i>
<b>INF</b>	تورم	۰/۰۲*	۳/۹۰	۰/۰۲*	۴/۳۹	۰/۰۲*	۳/۴۹
<b>EMP</b>	اشتغال	-۰/۳۶*	-۳/۱۱	-۰/۳۶*	-۳/۴۳	-۰/۳۶**	-۲/۵۷
<b>BUSS</b>	محیط کسب و کار	۲/۱۹*	۴/۴۸	۲/۱۹*	۵/۱۰	۲/۱۹*	۳/۹۶
<b>C</b>	عرض از مبدا	۱/۴۲	۰/۳۹	۱/۴۲	۰/۴۶	۱/۴۲	۰/۳۴
	آماره $R^2$	۰/۶۷	۰/۶۷	۰/۶۷	۰/۶۷	۰/۶۷	۰/۶۷
	آماره <i>F</i>	۱۵/۴۶	۱۵/۴۶	۱۵/۴۶	۱۵/۴۶	۱۵/۴۶	-
	خودهمبستگی بروش گادفری	۴/۷۰	۴/۷۰	۸/۳۱	۸/۳۱	۸/۳۱	-
		(۰/۰۲)	(۰/۰۲)	(۰/۰۱)	(۰/۰۱)	(۰/۰۱)	(۰/۰۱)

نکته: \* و \*\* به ترتیب نشان دهنده معناداری در سطح خطای ۱ و ۵ درصد. همچنین احتمالات در پرانتز می باشد.

## ۱۱. جمع بندی

### منابع

- اسدزاده، احمد؛ محرم جودی، نازیلا و الناز مهرباری (۱۳۹۴). بررسی رابطه بین فرار سرمایه و سرمایه‌گذاری کل در کشورهای منتخب منطقه منا. *فصلنامه سیاست های مالی و اقتصادی*، سال سوم، شماره ۱۰، ص ۱۷۸-۱۵۹.
- افشاری، زهرا؛ یزدان پناه، احمد و آزاده رحمتی‌زاده (۱۳۸۹). رابطه بین سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و فرار سرمایه (بررسی موردی کشورهای منتخب منطقه منا طی دوره ۱۹۹۱-۲۰۰۶). *فصلنامه پول و اقتصاد*، شماره ۲.
- زارع شحنه، محمد مهدی؛ هاتفی، مجید؛ جلالی، ام البنین و زهرا نصراللهی (۱۳۹۶). عوامل اثرگذار سیاسی، اقتصادی و هزینه بر فرار سرمایه در کشورهای منتخب نفتی. *فصلنامه مجلس و راهبرد*، سال ۲۵، شماره ۹۴.
- سلطانی، محمد تقی و جواد پورغفار دستجردی (۱۳۹۱). فرآیند جهانی شدن و تاثیر آن بر درآمدهای مالیاتی در ایران. *فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی*، سال بیستم، شماره ۶۲، ص ۱۷۰-۱۴۳.
- شکری، نعیم و مرتضی سحاب مرادی (۱۳۹۹). برآورد فرار سرمایه و عوامل موثر بر آن در ایران با رویکردی جدید (طی سال های ۱۳۹۷-۱۳۵۵). *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی*، سال بیستم، شماره سوم، ص ۱۱۰-۷۹.
- عرب مازار، عباس و مریم احمدیان (۱۳۸۹). شاخص فضای کسب و کار و تاثیر آن بر سرمایه‌گذاری خصوصی در ایران. *فصلنامه اقتصاد*، دوره ۱ شماره ۴، ص ۸۲-۵۳.
- مکیان، سید نظام الدین و محبوبه پیروز (۱۳۹۶). بررسی تاثیر عوامل اقتصادی بر فرار سرمایه در ایران. *یازدهمین کنگره پیشگامان پیشرفت*.

۱. Ajayi, S. I. (۱۹۹۷). An Analysis of External Debt and Capital Flight in the Severely Indebted Low-Income Countries in Sub-Saharan Africa. *IMF Working Paper*, WP/۹۷/۶۸.



2. Anthony, M. L. & Hallet, A. J. H. (1992). How successfully do we measure capital flight? The empirical evidence from five developing countries, *Journal of Development Studies*, 28(3): 538-56.
3. Asongu, S., & Nnanna, J. (2020) Governance and the capital flight trap in Africa. *Transnational Corporations Review*, <https://doi.org/10.1080/19186444.2020.1771123>
4. Bandyopadhyay, S., Sandler, T., & Younas, J., (2014). Foreign direct investment, aid, and terrorism. *Oxf. Econ. Pap.* 76 (1), 20-50.
5. Bandyopadhyay, S., Younas, J., (2014). Terrorism: a threat to foreign direct investment. *Doing Business Abroad, Policy Report*.
6. Beja, E. (2006). Was capital fleeing Southeast Asia? Estimates from Indonesia, Malaysia, the Philippines, and Thailand. *Asia Pacific Business Review*, 12 (3), 261-283.
7. Beja, E. (2007). Brothers in Distress: Revolving Capital Flows of Indonesia, Malaysia, and Thailand. *Journal of Asian Economics*, 18 (6), 904-914
8. Boyce, J.K., & Ndikumana, L., (2012). Rich Presidents of Poor Nations: Capital Flight from Resource-Rich Countries in Africa. Political Economy Research Institute University of Massachusetts, Massachusetts, Amherst, (<http://concernedafricascholars.org/wp-content/uploads/2012/11/caploss-ndiku-14th.pdf>)
9. Boyce, J. K., & Ndikumana, L. (2012). Capital Flight from Sub-Saharan African Countries: Updates 1970-2010. *PERI Research Report*. Amherst, MA.: Political Economy Research Institute.
10. Brada, J. C., Kutan, A. M., & Vuksić, G. (2011). The costs of moving money across borders and the volume of capital flight: The case of Russia and other CIS countries. *Review of World Economics*, 47(4), 717-744
11. Brada, J. C., Kutan, A. M., & G. Vukšić. (2008). Capital Flight from Central and East European Countries: Estimates and Causes. *EMG Working Paper*, WP-EMG-08-2008.
12. Collier, P., Hoeffler, A. & Pattillo, C. (2001). Flight capital as a portfolio choice. *World Bank Economic Review*, 15, 50-80.
13. Dachraoui, H., Smida, M., & Sebri, M. (2020). Role of capital flight as a driver of sovereign bond spreads in Latin American countries. *International Economics. International Economics*, 162 (2020) 10-23.
14. Depler, M., & Williamson, M. (1987). Capital Flight: Concepts, Measurement and Issues, IMF Staff Studies for the World Economic Outlook, August, Washington, DC: IMF.
15. Eaton, J. (1987). Public debt guarantees and private capital flight. *The World Bank Economic Review*, 1 (3), 377-390
16. Efobi, U., & Asongu, S. (2016). Terrorism and capital flight from Africa. *International Economics. International Economics*, 152 (2016) 10-23.
17. Fatehi, K. (1994). Capital flight from Latin America as a barometer of political instability. *Journal of Business Research*, 30(2): 187-190.
18. Forgha, N.G. (2008). Capital flight, measurability and economic growth in Cameroon: an econometric investigation. *Int. Rev. Business Res*, Papers 4 (2), 44-90.
19. Gibson, H., & Tsakalotos, E. (1993). Testing a Flow Model of Capital Flight in Five European Countries. *The Manchester school of economic and social studies*, 61(2): 144-66
20. Grigoryev, L., & Kosarer, A. (2000). Capital Flight: Scale, and Nature. From [www.imf.org/external/pubs/ft/seminar/2000/invest/pdf/kosarev.pdf](http://www.imf.org/external/pubs/ft/seminar/2000/invest/pdf/kosarev.pdf)
21. Harrigan, J., Mavrotas, G., & Yusop, Z. (2010). On the Determinants of Capital Flight: A New Approach. *Journal of the Asia Pacific Economy*, 9(2) 2002: 203-241.
22. Hermes, N., & Lensink, R. (2001). Capital flight and the uncertainty of government policies. *Economics Letters*, 71(3), 377-381

۲۳. Hermes, N., Lensink, R., & Murinde, V. (۲۰۰۳). Flight Capital and its Reversal for Development Financing. *WIDER, Discussion Paper* ۲۰۰۲/۹۹. (www.wider.unu.edu / publications/dps/dps۲۰۰۲/-۹۹.pdf) D.R. and J. Williamson (Washington: Institute for International Economics, ۱۹۸۷).
۲۴. Hermes, N. & Lensink, R. (۲۰۰۰). Capital Flight and the Uncertainty of Government Policies. University of Groningen, Unpublished Manuscript.
۲۵. Kant, C. (۲۰۰۲). What is capital flight? *The World Economy*, ۲۵ (۳), ۳۴۱-۳۵۸
۲۶. Kelsey, D., & Le Roux, S. (۲۰۱۷). Dragon slaying with ambiguity: Theory and experiments. *Journal of Public Economic Theory*, ۱۹, ۱۷۸-۱۹۷. doi:۱۰.۱۱۱۱/jpet.۱۲۱۸۵
۲۷. Khan, M., & Haque, N. U. (۱۹۸۵). Foreign borrowing and capital flight: A formal analysis. IMF Staff Papers, ۳۲(۴), ۶۰۶-۶۲۸
۲۸. Khan, M., & Haque, N. U. (۱۹۸۷). Capital flight from developing countries, *Finance and Development* ۷(۲): ۲۹-۳۷.
۲۹. Lorenzoni, G., (۲۰۱۳). International Financial Crises. Northwestern University. Available at: [http://faculty.wcas.northwestern.edu/~glo777/Papers/International% ۲۰Crises.pdf](http://faculty.wcas.northwestern.edu/~glo777/Papers/International%20Crises.pdf).
۳۰. Mikkelsen, J. G. (۱۹۹۱). An econometric investigation of capital flight, *Applied Economics* ۲۳: ۷۳-۸۵.
۳۱. Mulino, M. (۲۰۰۲). On the determinants of capital flight from Russia. *Atlantic Economic Journal*, ۳۰(۲): ۱۴۸-۱۶۹
۳۲. Ndikumama, L., & Boyce, J.K. (۲۰۰۲). Public Debts and Private Assets: Explaining Capital Flight from Sub-Saharan African Countries. Political Economy Research Institute, *UMASS, Working Paper Series* No. ۳۲.
۳۳. Ndikumana, L., Boyce, J., & Ndiaye, A.S. (۲۰۱۵). Capital flight: measurement and drivers. In: Ajayi, S.I., Ndikumana, L. (Eds.), *Capital Flight from Africa: Causes, Effects, and Policy Issues*. Oxford University Press, Oxford, pp. ۱۵-۵۴.
۳۴. Ndikumana, L., Boyce, J., & Ndiaye, A (۲۰۱۴). Capital Flight: Measurement and Drivers. *WORKING PAPER SERIES*.
۳۵. Ndikumana, L. & Boyce, J. K. (۲۰۱۱). *Africa's Odious Debts: How Foreign Loans and Capital Flight Bled a Continent*. London: Zed Books
۳۶. Nyoni, T. (۲۰۰۰). Capital Flight from Tanzania. In Ajayi, I. and M.S. Khan (eds) *External Debt and Capital Flight in Sub-Sahara Africa*. Washington, D.C.: *The IMF Institute*, pp ۲۶۵-۲۹۹.
۳۷. Okoli, M., & Akujuobi, A. (۲۰۰۹). Determinates of capital flight: the case of Nigeria. *International Journal of Development and Management Review* (INJODEMAR), Vol. ۴ No. ۱ June, ۲۰۰۹
۳۸. Pastor, M. (۱۹۸۹). Capital Flight and the Latin American Debt Crisis, Washington D.C.: *Economic Policy Institute*.
۳۹. Schneider, B., (۲۰۰۳). Measuring Capital Flight: Estimates and Interpretations. Overseas Development Institute. *Working paper* No. ۱۹۴.
۴۰. Smarzynska, B. K., & Wei, S. J. (۲۰۰۰). Corruption and composition of foreign direct investment: Firm-level evidence (No. w۷۹۶۹). *National Bureau of Economic Research*.
۴۱. Stiglitz, J. E., & Charlton, A. (۲۰۰۵). *Fair Trade for All: How Trade Can Promote Development*. Oxford University Press on Demand.
۴۲. World Bank (۱۹۸۵), *World Development Report* ۱۹۸۵, Washington D.C.: World Bank.
۴۳. Zobeiri, H., Akbarpour Roshan, N., & Shahrazi, M. (۲۰۱۵). Capital Flight and Economic Growth in Iran. *International Economic Studies*, Vol. ۴۵, No. ۲, ۲۰۱۵